

کتاب
زبور واود پیغمبر

کتاب

زبور داود پیغمبر

که از زبان اصلی عبرانی بزبان فارسی

از دست ویلیام گلن کشیش انگلیسی

ترجمه کرده شده است

بفرمان المجمع المشهور به

بیبیل سوئییتی

و در مطبع خانه رچارد واطس در دار السلطنت

لندن مطبوع گردید

۱۸۳۰

مصحف

زبور داود بیستم

زبور اول

- ۱ خوشا حال آنکسیکه در مشورت شرایر فروز و در راه گناه
- ۲ کاران نه ایستد و بر مجلس استهزا که خندگان نمیشیند
- ۳ * لیکن بهجت او در شریعت خداوند است که روز
- ۴ و شب در شریعتش بیندیشد * و خواهد بود مثل
- ۵ اشجاریکه بر کنار رودخانههای آب کاشته شده است که
- ۶ همیشه خودش را در زمانش خواهد داد و برگش پرمرد
- ۷ نخواهد گردید و هر چه بعمل آورد نیکو خواهد بود * اما
- ۸ اشرار مانند نیستند و مثل کاهیکه بار او را ببرد * ار
- ۹ آنرا اشرار در حکم و گناه کاران باجماعت صدیقان
- ۱۰ نخواهند ایستاد * زیرا که خداوند طریق صدیقان را عالم
- است اما راه اشرار تراه خواهد شد

- ۱ چرا طوایف هنگامه مینمایند و مردمان خیال باطل میکنند.
- ۲ * پادشاهان زمین مقاومت مینمایند و حکام باهم مجتمع
- ۳ نمیکردند بر خلاف خداوند و خلاف مسیحش * قیدهای
- ایشانرا پاره پاره بکنیم و ریسانهای ایشان را از خود
- ۴ بپنداریم * آنکسی که در آسمان ساکن است تبسم
- ۵ خواهد نمود و خداوند ایشان را استهزا خواهد کرد * آنگاه
- در غضب خود آنها را تگم خواهد نمود و در قهر خود
- ۶ ایشان را مضطرب خواهد کرد * لیکن من پادشاهم را
- ۷ بر کوه صیہون مقدس خود نصب کردم * حکم را مشهور
- خواهم نمود که خداوند مرا گفت که فرزندی من تویی امروز
- ۸ ترا توثیق کردم * از من سوال کن و قہار را بدهم تا
- ۹ آنکه میراث نو و حدود زمین چون ملک تو باشد تو
- باعصای آهنین ایشانرا خوابی شکست و مثل کوزه
- ۱۰ کوزه گری ایشان را پاره پاره خواهی نمود و الحال بوشمند
- باشید ای پادشاهان و آموزیده شوید ای حکام زمین

زبور داودی * ۲ * ۳ *

- ۱۱ * خداوند را با خشوع و خضوع و بارتعاش شادمان
 ۱۲ * باشید * فرزند را بنویسید تا آنکه غضبناک نشود و راه گم
 نکنید زیرا که غضبش عنقریب شعله ور خواهد شد خوشتر
 حال همه کسانی که بوی توکل نمایند

زبور سلیم

- زبور داود در هنگام گریختن او از دست پیورش سلیم
 ۱ * ای خداوند اعدای من چه بسیار گم و یزید بسا و کینه پائی
 ۲ * که بذر من بر میخیزند * و کسان بسیاری بجهت جانم
 ۳ * میگویند که از خدا خلاصی برای او نیست سلمه * اما
 ۴ * ای خداوند سپهر از جهت من و جلال من و فرازنده فرق
 ۵ * من توئی * باواز خود خداوند فریاد نمودم و از کوه
 ۶ * مقبرس خود مرا استجابت نمود سلمه * من خوابیدم
 ۷ * و نمودم و بیدار شدم زیرا که خداوند مرا نصرت کرد * از
 کثرت الوف خلاصی بر خود من که گروا گرو مرا احاطه
 ۸ * میکنند نخواهم ترسید * ای پروردگار قائم شو ای خدای
 من مرا نجات بده بدرستی که جمله دشمنان مرا بر

زبور داود * ۳ * ۴ *

استخوان زنج زدی و دندانهای اشرار را شکستی * خلاصی
از آن خداوند است و برکت تو با خلق تست سلمه

زبور چهارم

سالار مغنیان بر تارهای ریسمانی مزمور داود

۱ در حین خواندن من مرا استجابت کن ای خدای راستی

من در تنگدستی بمن کشاوگی عطا فرمودی بمن رحم

۲ کین و دعای مرا بشنو * ای فرزندان آدم تا بکی جلال

مرا به نانی خواهید گردانید و دوست بظالت را میدارید

۳ و کذب را میجوئید سلمه * و بدانید که خدا اهل تقوی را از

جهنم خود برگزیده است خداوند خواهد شنید چون

۴ من اورا بخوانم * ارتعاش کنیید و گناه مکنیید و بر بستر

خود در دلپای شما تفکر نمانید و نیز خاموش باشید سلمه

* قربانهای راستی را ذبح سازید و بخدا امیدوار شوید

* بسا کسانی که میگویند کیست آن شخص که

خوبی را با اظهار خواهد نمود نور چهره خود را بر من

در خنایان بگردان * ای خداوند تو خوشنودیرا بهرلم انعام

زبور داود * ۷ * ۵ *

فرمودی از هنگی که دلف ایشان و شیر و شراب
ایشان زیاده بوده است * من باری هم بخوابم و هم
بخنوم زیرا که تو ای رب وحید مرا در اعتقاد ساکن
میگردانی

زبور پنجم سالار مغنیان بر سرنای مزبور داود

۱ ای خداوند بسخنیهای من گوش بده و اندیشه مرا تاویل
۲ بکن * آواز فریاد مرا استماع بنمای ای پادشاه من
۳ و ای خدای من زیرا که بتو استعدا خواهم کرد * خداوند
صبحدم آواز مرا خواهی شنید و صبحدم در حضور تو آماده
۴ خواهم شد و انتظار خواهم کشید * زیرا که تو نیستی آخندای
که شر را دوست داشته باشی و بدی در حضور تو قرار
۵ نخواهد گرفت * ابلهان در پیش نظر تو نخواهند
۶ ایستاد همه فساد کننده گان را بغض مینمائی * دروغ
گویان را هلاک خواهی کرد خداوند آدم سفاک
۷ و فریبنده را تنفر خواهد نمود * اما من از بسیاری رحمت
تو بجانم ات خواهم در آمد و در پیکل مقدس تو از

زبور داد * ۵ * ۶ *

۸ ترس تو سجده خواهم کرد * نزد جهت دشمنانم ای
خداوند در صداقت خود مرا راهنمای کن و راه ترا
۹ پیش روی من راست گردان * زیرا که وفاداری در
۱۰ دهن ایشان نیست و اندرون ایشان از شراب پر
است گلودی ایشان (مانند) قیر باز است آنها بزبان
۱۱ چاپلوسی می نمایند * ای خدا ایشان را الزام بفرما که ایشان
از مشورات خود فردا افتند و آنها را از جهنم بسیاری
جرامشان دور گردان زیرا که برخلاف تو معصیت
۱۲ کردند * اما آنانیکه بتو اعتقاد مینمایند چه گنجی خوشنود
باشوند و ایم بسرایند و بایشان حمایت بفرمای و آنانی که
نام ترا دوست دارند ابتهاج در تو بدارند * زیرا که تو
ای خداوند صدیق را خوشحال خواهی گردانید و بمرحمت
چون سیر او را احاطه خواهی کرد

زبور ششم

سالار مغنیان در تارهای ریسمانی بر هشتمین تار عزمور داد
۱ خداوند در خشم خود مرا عتاب مکن و در قهرت مرا

زبور داد * ۶ ۵ ۴

- ۲ تنبیه منما * خداوند مرا رحمت کن زیرا که من ضعیفم
- ۳ و من شفا یبخش زیرا که استخوانهایم مضطربند * و جان من بسیار در اضطرابست و تو ای خداوند تا بکنی
- ۴ * خداوند اعدا و دشمنان مرا خلاص کن و از سبب رحمت خود مرا نجات ده * زیرا که ذکر تو در مردگان نیست
- ۶ و کیست که ترا در قبر حمد خواهد نمود * از نالش نمودن خود مانده ام تمامی شب بستم را جاری نمیکنم
- ۷ از اشک با سرشک فراشم را تر خواهم ساخت * از اضطراب چشم خورده شده بسبب دشمنانم که نه میگردند
- ۸ ای بدکاران از من دور شوید زیرا که خداوند آوار گریه مرا شنیده است * خداوند تضرع مرا شنید خداوند
- ۱۰ دعای مرا مستجاب کرد * که جمله دشمنان من بسیار شرمند شونده و مضطرب گردند و برگردانیده شوند و عنقریب تشویش بیابند

زبور داود *

زبور هفتم

سرود داود که او از سخنهای کوش بن یمینی بخداوند
می سرود

۱. ای خداوند واله من بتو متوکلّم بحسن نجات بده از همه
۲. تعدی کنندگان من و مرا آزاد بکن * مبارا چون شیر
۳. درنده جان مرا رباید که رها نده * باشد ای خداوند
۴. واکه من اگر این را بعمل آورم و اگر فساد در دستهای
۵. من راست * اگر بصلاح اندیش خود بدی را عوض
۶. کردم و کسی را که بی سبب دشمنم بود آزاد کردم * پس
۷. دشمن جان مرا تعدی بنماید و بگیرد و حیات مرا در
۸. زمین پایمال بکند و جلال مرا در خاک ساکن بگرداند
۹. سله خداوند در غضب خود قائم شو و از سبب قهر
۱۰. دشمنان من ارتفاع خود را بنا و از جهته من برخیز بان
۱۱. حکمیکه امر فرمودی * و جماعت خلقت ترا احاطه خواهند
۱۲. نمود و از جهته شان بر بلندی تو کن * خداوند
۱۳. خلق را تحکم خواهند نمود ای خداوند مرا تحکم نما موافق

زبور داود * ۷ *

- راستی من و موافق تمام خلوصی که بر من است
 ۹ * الحال شر شرایر با تمام خیرسد و صدیق را پایدار بکن
 ۱۰ زیرا که خدای صادق دل و میان آزماست * سپهرم از
 ۱۱ خداست که راستد لائرا نجات دهد * خدا حاکم بر
 ۱۲ صدیق است اگر چه خدا هر روز غضبناک نباشد * اگر
 (دشمن) بر نگرود شمشیر خود را نیز خواهد کرد کیان
 ۱۳ خود را خم میکند و او را حاضر میسازد * و مجبته او اسباب
 مرگ را آماده گردانید بر ظلم کننده گان تیرهای خود را
 ۱۴ بکار میبرد * اینک (دشمن) از بدی بدرد مخاض
 است ورنج و غنارا حامله شد و کذب خواهد زائید
 ۱۵ * چاه را کند و او را حفر کرد و خود افتاده است در
 ۱۶ چاهیکه او را ساخت * عملش بر سر او بر گردانیده
 خواهد شد و ظلمش بر کله سر او نازل خوانند بود
 ۱۷ * بخداوند موافق راستیش حمد خواهم کرد و تسبیح
 باسم خداوند تعالی خواهم نمود

رَبُّورِ دَاوِدَ * ۸ *

زبور هشتم. سالار مغنّیان بر حکایت مزبور داود

- ۱ ای خداوند پیروردگار ما که، جلال خود را بر بالای آسمان
- ۲ نهاده‌ی چه عظیمست اسم تو در کل زمین * در خدای ظلم
- کنندگان از برای متوقف گردا میدن دشمن و انتقام
- کننده را از دهن اطفال و کودکان شنای را نابت کردی
- ۳ * هنگامیکه ملاحظه با سانهایی تو و ماه و ستارگان مینمایم
- ۴ می‌معمول آنا مل تو که ایشان را ثابت نمودی * (آنگاه
- میگویم) که چیست انسان که او را بخاطر بگنذرانی
- ۵ و فرزند انسان که بروی توجه میفرمائی * تا مدتی او را
- کمتر از فرشتگان داشتی و او را بعزت و اکرام متوج
- ۶ فرمودی * او را بر کارهای دست خود گذاشتی و همه را در
- ۷ تحت اقتدارش نهاده‌ی * تمامی میش با و گاو و دنیاز
- ۸ و حیوش صحرا را * طیور هوا و ماهیان دریا که بسخت
- ۹ دریا با عبور نمایند * ای خداوند پیروردگار ما چه عظیم
- است اسم تو در کل زمین *

زبور داود * ۹ *

زبور نهم سالار مغنیان بر وفات نبدل مزبور داود

۱. بهمه ذل خود خداوند را چندی خواهم نمود و تمامی عجایب
۲. ترا مشهور خواهم کرد * در تو خوشنود خواهم شد و مسرور
۳. خواهم گردید و اسم ترا ای تعالی خواهم سرود * چون
- دشمنان من برگردانیده شوند در حضور تو ناتوان
۴. خواهند بود و هلاک خواهند شد * زیرا که از جهت
- من حکم داد برای من فتوی دادی و بر کرسی نشستی
۵. ای داور بحق * قبایل را زجر نمودی و شیرین هلاک
۶. کردی و اسم ایشانرا محو کردی تا ابد الابد * ای
- دشمن خرابیهها همیشه تمام است و شهرها را خراب کردی
۷. و زکر ایشان با خودشان هلاک شده است * و خداوند
- همیشه باقی خواهد بود کرسی را از برای حکم نمودن
۸. آماده کرد * و او جهان را در راستی تحکیم خواهد نمود
۹. و خلائق را در عدالتها فتوی خواهد داد * و خداوند از
- جهت مظلوم مامن خواهد بود مامنی که در هنگامهای
۱۰. تنگدستی (باشد) * آنکسانیکه اسم ترا می شناسند اعتماد

- برتر خواهند نمود زیرا که ای خداوند طالبان خود را ترک
 ۱۱ نمودی * بسراشید خداوند زیرا که در صیهون ساکن
 ۱۲ است و در میان اعمال او را خبر دهید * هنگامیکه
 تفتّح خون می نماید ایشانرا بخاطر می آورد و فریاد
 ۱۳ مفلوگان را فراموش نمیکند * ای خداوند مرا رحمت
 نما ای رهانده من از ابواب مرگ زلت مرا از
 ۱۴ مَبْضَانِ من ملاحظه نما * تا آنکه تمامی اوصاف ترا در
 دروب دختر صیهون مشهور کنم و نجات تو وجد نمایم
 ۱۵ * غوطه میخورند کافران چاهیکه او را ساختند و پامی
 ۱۶ ایشان گرفتار آمد در دای که پنهان کرده بودند * خداوند
 معروفست از حکمی که بعمل آورده است شریر
 از احوال دست خود در دام است هگایون سلمه
 ۱۷ * اشرار بجهنم برگردانیده خواهند شد با تمامی خلائق که
 ۱۸ خداوند را فراموش کنند * زیرا که محتاجی تا با آخر
 فراموش نخواهد شد امید مفلوگان تا باید ضایع نخواهد
 ۱۹ گردید * بر خیز ای خداوند که مردم غالب نباشند

زبور داود * ۹ * ۱۰ *

تا آنکه طوایف در حضور تو محکوم گردند * ای
خداوند ترس را در ایشان بگذار تا طوایف بدانند که
آنها بشرنده سله

زبور دهم

- ۱ ای خداوند چرا مبادت می نمائی و در زمانهای تنگدستی
- ۲ من خود را پنهان میکنی * ظالم بخود مظلوم را تعدی
خواهد کرد و در آن مشورتها که خیال نموده گرفتار خواهند
- ۳ شد * زیرا که شریر در خواهش نفس خود فخر مینماید
و حریص را توصیف میکند و خداوند را حقیر مینماید
- ۴ * شریر از تکبر چهره خود (خدا را) تجسس نمینمایند
خدا در همه ذکرهایش در نمی آید * همیشه طریقههایش
- ۵ فاسد میباشد و علو احکام تو از نظرش دور است (دور نیست)
- ۶ واد تمامی دشمنان خود را عبوس مینماید * در دل خود
گفت که هرگز متبدل نخواهم شد زیرا که در نکبت
- ۷ نخواهم بود * پهنش از لعنت و فریبها و حیل و مملو
- ۸ و تحت زبانش زجر و فساد است * در کمین قریبها

می نشینند و در کمینهای بی تقصیری می میکشد و چشمهایش
 ۹ بکین می نگرند، خفیه نور کمین است * چون شیر
 در کمینگاه پنهان میباشد و از جهت گرفتار نمودن
 مظلومان پنهان خواهد بود و بیچاره را خواهد گرفت
 ۱۰ چون او را بدامش میکشد * خود را حم میکند و قند خود را
 پست می نماید تا آنکه عاجزان از دست زور آورانش
 ۱۱ بیفتند * در دل خود گفت که خدا فراموش کرده است
 ۱۲ و دیدار خود را نهان کرده است و هرگز نمی بیند * ای
 خداوند الهی بر خیز و پست را بر دار و مظلومان را
 ۱۳ فراموش مکن * چرا ظالم خدا را خار داشته است و در
 ۱۴ دل خود گفت که تجسس نخواهد کرد * ملاحظه نموده
 زیرا که بدمی و کین را مینگری تا آنکه بدست خود تروض
 بکشی مسکین خود را بتو خواهد سپرد معین بتیم تویی
 ۱۵ * بازوی اهل شر و بدمی را بشکن و بدمی او را تجسس
 ۱۶ بشر تا یافت نمائی * خداوند پانزده است تا ابد الابد
 ۱۷ طوایف در زمین هلاک خواهند کرد و خداوند را خواهش

زبور داود * ۱۰ * ۱۱ *

مفلوگان را استماع خواهی فرمود دل شان را آماده خواهی
 ۱۸. کرد و اصغا خواهی نمود * از برای حکم کردن یتیم و مظلوم را
 تا دیگر مردم زمین مطلقا ظلم ننمایند

زبور یازدهم سالار مغذیان مزبور داود

۱. خداوند متوکل من میگوئید که چون
۲. عصفور بکوه خود به پیر * زیرا که اینک اشرار کمان را خم
 میکنند و نیز خود شان را پیوسته بزه میکنند تا آنکه در
۳. پنهانی بر استدلال بپسندازند * چون بنیاد در خرابیست
۴. عادل بچه مشغول بشود * خداوند در هیچکلی منتقدش
 خود است و کرسی خداوند در آسمانهاست چشمهایش
۵. می بینند و بلکه بایش تفتیش مینمایند فرزندان
 انسان را * خداوند عادل را امتحان میکند و بنفش خود
۶. شیریرا بغض مینماید و کسیکه ظلم را دوست میدارد
 * بر اشرار خواهد بارانید صواعق و آتش و کو کرد و باد
۷. سهم را و حصه بگاسه بایشانست * زیرا که خداوند صادق
 صدمق را دوست میدارد و عادل چهاراش مینگرد

می نشینند و در کمینهای بی تقصیری می میکشند و چشمهایش
 بکمین می نگرند بخفیه تور کمین است * چون شیر
 در کمینگاه پنهان میباشد و از جهت گرفتار نمودن
 مظلومان پنهان خواهد بود و بیچاره را خواهد گرفت
 چون او را بدامش میکشد * خود را خم میکند و قدر خود را
 پست می نماید تا آنکه عاجزان از دست زور آدرانش
 پیچند * در دل خود گفت که خدا فراموش کرده است
 و دیدار خود را نهان کرده است و هرگز نمی بیند * ای
 خداوند الهی بر خیز و پیر را بر دار و مظلومان را
 ۱۳ فراموش مکن * چرا ظالم خدا را خوار داشته است و در
 ۱۴ دل خود گفت که تجسس نخواهد کرد * ملاحظه نموده
 زیر آله بدمی و کین را مینگری تا آنکه بدست خود عوض
 بکندی مسکین خود را بتمو خواهد سپرد معین یتیم تویی
 ۱۵ * بازوی اهل شر و بدی را بشکن و بدی او را تجسس
 ۱۶ بفرمانا یافت ننمایی * خداوند پادشاه است تا ابد الابد
 ۱۷ طوایف در زمین هلاک خواهند کرد و خداوند را خواهش

زبور داود * ۱۰ * ۱۱ *

مفلوگان را استماع خواهی فرمود دل شان را آگاه خواهی
 ۱۸ کرد و اصغا خواهی نمود * از برای حکم کردن یتیم و مظلوم را
 تا دیگر مردم زمین مطلقا ظلم ننمایند

زبور یازدهم سالار مغنیان مزبور داود
 ۱ بخداوند متوکلیم چگونه بجان من میگوئید که چون
 ۲ صدفور بکوه خود به پر * زیرا که اینک اشرار کمان را خم
 میکنند و پیر خودشان را پیوسته بنزد میکنند تا آنکه در
 ۳ پنهانی بر استندلان بپندازند * چون بنیاد در خر * بیست
 ۴ عادل بچه مشغول بشود * خداوند در پیکل مقدس
 خود است و کرسی خداوند در آسمانهاست چشمهایش
 ۵ می بینند و پلکهایش تفتیش مینمایند فرزندان
 انسان را * خداوند عادل را امتحان میکند و بنفش خود
 ۶ شر بر را بغض مینماید و کسیکه ظالم را دوست میدارد
 ۷ سهموم را و حصه نکاسه نمائید * زیرا که خداوند صادق
 صدق را دوست میدارد و عادل چهارش مینگرد

زبور دوازدهم

سالار مغنیان بر هشمینت مزبور داود

- ۱ ای خداوند مرا خلاص یکن زیرا که اهل تقوی باتمام
- میرسند جهته آنکه مؤمنین از ابنای بشر تقلیل می
- یابند * پر کس با همسایه خویش دروغ میگوید با لبهای
- ۳ فریبنده. و درو فل میگویند * خداوند تمامی لبهای
- فریبنده را جدا خواهد کرد و زبانی را که حرفهای بزرگ
- ۴ میزند * که میگویند که با زبان خود ما غالب خواهیم شد
- ۵ لبهای ما از آن ماست کیست که خداوند ماست * از
- برای بلای مفلوکان و ناله بیچارگان خداوند میگوید
- که الحال قیام می نمایم و خلاص میکنم ز آن کسی را که براد
- ۶ عبوس می نماید * سخنان خداوند کلامه پاکیزه هستند
- (مانند) نقره خالص شده در کوره زمین که هفت بار
- ۷ صاف شده است * تو ای خداوند ایشان را محافظت
- خواهی کرد و ایشان را ازین قرن همیشه نگاه خواهی

۸ داشت * در حوالی اشرار میگیرند چون فرزندان ذلیل
انسان در ارتفاعند

زبور سیزدهم سالار مغنیان مزبور داود

۱ ای خداوند مرا تا بکسی فراموش خواهی کرد آیا تا یابد
۲ تا بکسی دیدار ترا از من مستور خواهی کرد * تا بکسی
من مشورت بنفس خود نمایم با درد دل من روز
۳ بروز تا بکسی دشمن بهالای من مرفوع خواهد شد * بنگر
و مرا بشنو ای خداوند واله من و چشمهای مرا منور گردان
۴ مبادا با مرگ بخنوم * مبادا دشمن من بگوید که بر
او غالب بودم و اعدای من وجد نمایند چون بحرکت
۵ آیم * اما من برحمت تو امیدوارم دل من در نجات
۶ تو وجد خواهد نمود * بخداوند سرود بخوانم زیرا که بمن
احسان فرموده است

زبور چهاردهم سالار مغنیان از آن داود

۱ ایله در دل خود گرفته است که خدائی نیست تپاه
میشوند و اعمال پلید می آورند و نکو کننده نیست
G

- ۲ * خداوند از آسمانها بر فرزندان آدم نگریست که
- ۳ بنظر آید کسی که فهم کند یا طالب خدا باشد * همگی
- با یکدیگر از راه کج میروند و گندیده میشوند نگویند
- ۴ نیست یک کس هم نیست * آیا نمیفهمند تمامی
- فساد کنندگان که قوم مرا تناول مینمایند چون نان را
- ۵ میخورند و خداوند را نمیخواهند * آنجا بغایت مخوف
- ۶ گیرید زیرا که خدا در مسائل صدیق است * موعظه
- مفلوک را حمل بختلست مینماید زیرا که تنه
- ۷ او خداوند است * آیا کیست که نجات اسرائیل را
- از صیهون خواهد داد زانی که خداوند اسیر قوم خود را
- رد کند یعقوب خوشحال گردد و اسرائیل مسرور
- خواهد گشت

زبور پانزدهم مزمور داود

- ۱ خداوند در خیمه تو کسی متوطن خواهد گشت یا کسی
- ۲ در کوه مقدس تو ساکن خواهد گردید * آنکسی که تماماً
- رفتار مینماید و صدق را بعمل آورد در دل خود بحق

۳ میگوید * دیدی بر جهان نمی آرد و بهمسایه خویش ظلم
 ۴ نمی کند و ملامت بر قریب خود روا ندارد * و ارازل
 در دیدایش حقیر شمرده شده است لکن متقیان
 خداوند را محترم دارد و سگند بزیان خود میخورند و تغییر
 ۵ نمی نماید * نقره خود را از جهت ربا نمیدهد و رشوه بر ضد
 بی تقصیری نمیگیرد و آنکسی که اینها را بعمل آرد متحرک
 نخواهد شد تا باید

زبور شانزهم مکتم داود

۱ ای خدا مرا محافظت کن زیرا که بتو امید دارم
 ۲ * خداوند عرض نمودم که خداوند من توئی مرا بهتر غیر
 ۳ از توئی نیست * مقدسانیکه در زمین هستند با
 ۴ متعززان بالتقای خوشنودی من از ایشانست * غمهای
 ایشان بسیار خواهد شد که (بخدای) دیگر فی شتابند
 بسفک الدماء قربانیهای ایشان مرتکب نخواهم شد
 ۵ دهم نامهای ایشان را بر لبهای خود نخواهم آورد * حصه
 میراث من و کاسه من خداوند است توئی آنکه قسمت

۶ مرا احتیاط میکنی * ریسمانهای رسد در جایهای پندیده
۷ افتادند زیرا که وراثت بزرگی من خوشست * شکر خواهم
نمود خداوند را که مرا موعظه فرمود زیرا که شبها قلب من
۸ مرا تعلیم میدهند * خداوند را همیشه در پیش روی خود
بنظر در آوردم ز آنرو که در بحین من است متحرک
۹ نخواهم شد * از سبب آن دل من فرحناکست و جان
بمن بوچد آمده. علاوه بر آن جسم من با امید خواهد
۱۰ آرمید * زیرا که نفس مرا در جحیم نخواهی گذاشت
۱۱ و اجازت نخواهی داد که برگزیده، تو فساد بیند * راه
زندگی را بمن نشان خواهی داد و وفور شادمانیها در
حضور خود و خرمیها تا باید به بحین تست

زبور هفدهم دعای داود

۱ ای خداوند صدق را بشنو و تصریح مرا استماع بشما و دعای
۲ لبهای نا فریبنده، مرا اصغاکن * حکم در باره من
۳ از حضور تو بگذرد چشمهای تو راستی مرا به بیند * دل
مرا آزمودی و در شب نظر فرمودی و مرا تجربه نمودی

- و (در من) چیزی را یافت * نکردی جزم نمودم که مبادا
 ۴. دهن من تجاوز بنماید * من نسبت باعمال مردم
 طریقه‌های ادب‌اش را موافق سخن لب‌های تو نظر
 ۵. داشتم * قدم‌های مرا در راه‌های خود مشید گردان مبادا
 ۶. پای‌های من لغزش کنند * ای خدا ترا خوانده‌ام زیرا که
 مرا استعجاب خواهی نمود و گوش خود را بمن نگاهدار
 ۷. و سخن مرا (اصغاکن) * رحمت‌های عجیب خود را اظهار
 کن ای توئی آنکه بدست .. بمن خود امیدوارانت را
 ۸. از فتنه انگیزان نجات میدهی * مرا چون مردمک
 دیده محافظت بفرما و در کنف اجنه خود مرا مستور
 ۹. بگردان * از روی ظاملانیکه مرا هجوم می آورند و دشمنان
 ۱۰. من که مرا بجان احاطه مینمایند * و دوائر دولت
 خودشان را بستند و بدین خود متکبرانہ نکلیم فی نمایند
 ۱۱. * الحال گذرهای مرا احاطه نموده اند و بنظرهای خود مرا
 ۱۲. نشانند تا آنکه بر زمین بیفکنند * شبیهند بشیری که
 از جهت در زمین مشتاق باشد و بشیر بچه که در کهینه‌ها

۱۳ می نشینند * قائم شو ای خداوند و پادشاه بر سر داود خیم کن
 ۱۴ و جان مرا ز شریر بشمشیر خود خلاص کن * خداوند ابراهیم
 پدر خود مرا از مردمان و خلقان امین روزگار (برهان) که
 حصه ایشان در زندگانی (و عیاست) شکم ایشان را از
 خزانه خود مملو میکنی فرزندان ایشان بسیارند و الباقی
 ۱۵ خود را برای اطفال شان میگذارند * من دیدار ترا
 بپرستی خواهم دید و از امثال تو خوشنود خواهم شد چون
 دیدار شوم

زبور هشدهم

سالار مغزیان از آن بنده خداوند داود که کلمات این
 سرود را بخداوند عرض نمود در روزیکه خداوند او را رهانید
 از دست تمامی دشمنان او و از دست ساول گفت

۱ خداوند ترا دوست خواهم داشت که قوت من توئی
 ۲ * خداوند کوه من است و قلعه من در پهنه من و اله
 من و قوت من که بر او امید دارم سپر من و شاخ
 ۳ نجات من و برج من اوست * خداوندی را که سزاوار

- حمد است خواهیم بخواند و لاله دشمنان من نجات خواهم
 ۴ یافت * زیرا که غمرات منوت مرا احاطه نمودند و سیلاب
 ۵ مفتنان مرا مضطرب ساختند * ریسانهای قبر مرا
 ۶ وائره بستند و تلهای مرگ مرا رسیدند * در تنگمستی
 خود خداوند را خواندم و بخدای خود فریاد نمودم آواز
 مرا در پیکل خود شنید و فریاد من داخل حضورش
 ۷ شد و بسمعش آمد * و زمین متزلزل گردید و کبرزان
 شد و اساس کوهها متحرک و جنبیده گشتند زیرا که
 ۸ (خداوند) غضبناک شد * و از غضبش دود متصاعد شد
 و آتش در حضور او ملتهب شد و اخگرها از او فروخته
 ۹ شد * و آسمانها را خم کرد و فرود آمد و ظلمت زیر قدمهای
 ۱۰ او بود * و بر کتوبین سوار نمود و پیراز نمود و بحر بالهای
 ۱۱ باد طیران کرد * تاریکی را کمینگاه خود ساخت و ظلمت
 آنها و ابرهای آسمان را در اطرف خود پرده خود نمود
 ۱۲ * از روشنائی پیش او ابرایش بارانیدند و تگرگ
 ۱۳ و اخگرهای آتش را * و خداوند در آسمانها ترعد نمود و تعالی

- ۱۴ آواز خود را داد تکرر و اخگر همتی آتش را * و تیرهای
خودش را انداخت و ایشانرا پراگنده کرد و بر قهارا موفور .
- ۱۵ کرد و ایشان را مضطرب ساخت * و چشمهای آب
هویدا شد و بنیادهای کره ، جهان کشاده گردید از برای
مانعت تو ای خداوند و از برای هبوط ریح تقهر تو
- ۱۶ * از بلندی فرستاد و مرا گرفت و از آبهای بسیار مرا
۱۷ کشید * و از دشمن زور آور من مرا رانید و از بغض
۱۸ کنندگان من زانرو که از من نیرومند تر بودند * در روز
تنگدستی من بر من رسیدند و خداوند پشتیبان من بود
- ۱۹ * و مرا بیرون بکشادگی آورد و مرا رانید زیرا که از من
۲۰ خوشنودی بود * خداوند موافق راستی من مرا مزد داد
۲۱ و موافق پاک دست من مرا عوض داد * زیرا که
طریقتهای خداوند را محافظت نمودم و از خدایی خودم
۲۲ شری نمی نمودم * زانرو تمامی احکام او در نظر من است
۲۳ و حقوقش را از خود دور نکردم * دور نزدش کامل بودم
۲۴ و خود را از معصیت خود محافظت کردم * و خداوند

- موافق راستی من هوا اجر داد و موافق پاک دست من
 ۲۵. در حضور نظرش * باهل رحمت رحیم خواهی بود و ببرد
 ۲۶. کامل کمالیت را اظهار خواهی داشت * و پیاکان پاکی
 ۲۷. خواهی نمود و با کجرو کج رفتاری خواهی کرد * زیرا که
 خلق مفلوک را خلاص خواهی کرد و دیدهای متکبرانرا
 ۲۸. فرود خواهی آورد * زانرو که تو چراغ مرا منور خواهی
 کرد خداوند واله من تاریکی مرا روشن خواهد کرد
 ۲۹. * زیرا که بمعاونت تو فوج را عبور خواهم نمود و بسبیله
 ۳۰. خدایم حصار را خواهم جهید * راه خدا کامل است
 و سخنان خدا معجز است و او بهمه متوکلان خود
 ۳۱. سیر است * بدرستی که کیست خدا جز خداوند و کیست
 ۳۲. مامن غیر از خدای ما * خداوند نیرومندی را بمن می
 ۳۳. پوشاند و راه مرا کامل میسازد * قدمهای مرا مثل
 پایهای غزال مینماید و مرا در بلندبها ایستاده میگرداند
 ۳۴. * و دستهای مرا از برای جنگ تعلیم مینماید و بازوهای
 ۳۵. مرا چون کمانی از فولاد میگرداند * و سپهر نجات ترا

۳۶. بمن دادی و بمن تو سرا اعانت داد و احسانت مرا
عظیم کرد * و شارع مرا از زیر قدمهای من کشاده
۳۷. کردی و پای من لغزش نکردند * در پی دشمنان
خود رفتم و ایشان رسیدم و رجعت ننمودم تا منقطع
۳۸. نشدند * ایشان را کوبیدم و نتوانستند بر خواست
۳۹. زیر پای من افتادند * و از برای جنگ بمن قوت را
بوماندیدی و تحت من فرد آوری آن کسانی
۴۰. که در ضد من بر خواستند * گردن گردنشان مرا
بمن دادی تا آنکه منقطع کنم آنانیکه مرا بغض مینمایند
۴۱. * فریاد نمودند و در مانده نبود (واستغاث) بخداوند (کردند)
۴۲. و اجابت نمود * و ایشان را چون خاک خورد کرده بر
۴۳. باد زادم و چون گل کویها ایشان را پایمال نمودم * تو
مرا از منازعات قوم خلاص کردی و مرا بر طوایف
حاکم گردانیدی قومیکه ایشان را نمیشناختم بندگان
۴۴. من خواهند نمود * هرگاه بگوین (خود) حرف مرا می
شنوند اطاعت خواهند نمود و فرزندان شریب فرمان

- ۴۵ بر دار خواهند شد و فرزندان غریب فرود خواهند افتاد
 ۴۶ و از کمین گلهای شان خواهند ترسید * خداوند حی است
 ۴۷ و مبارک نام من منست و خدای منجی من مرفوع باد * خدا
 در حق من کشنده، انتقام است و خلایق را در تحت
 ۴۸ من فرود می آورد * از دشمنان من مختص من است
 ۴۹ تو نیز مرا مرفوع میداری از آنانیکه در ضد من بر
 میخیزند و از مرد ظالم مرا خلاصی میدهی * بدین سبب
 ای خداوند ترا حمد خواهم نمود و در میان طوایف باسم تو
 ۵۰ خواهم سرود * او آنستکه بسیار نجاتهای پادشاه خود را
 میگرداند و مسیح خود را کرم مینماید بر داد و داد او تا
 باید

زبور نوزدهم سالار مغنیان مزمور داود

- ۱ آسمانها جلال خدا را آشکار میکنند و سپهر عمل و ستش را
 ۲ مشهور میسازد * روز بروز تکلم مینماید و شب بسبب
 ۳ علم را نشان میدهد * سخن نیست و کلمات نیند آواز
 ۴ ایشان را نشنیدند * (اما) آواز ایشان بتماعی زمین

ز بیور دادده * ۱۹ *

- ۵ منتشیر گردید و الفاظ ایشان بآخر عالم (رسید) و در ایشان
از جهته آفتاب خیمه قرآن و از فرمود واد چون داماد از
حجره خود بیرون آمده مثل صاحب قوتی در دیدن
- ۶ راه خوشوقتی می نماید * از کران آسمان بیرون می آید و تا
بکران دیگر گردش اوست و چیزی نیست که از
- ۷ گیر می شناسد پنهان باشد * شریعت خداوند کامل است
و روح را بر میگردد و شهادت خداوند صدق است و ساره
- ۸ دل را عالم می سازد * فرایض خداوند راستست و دل را
خوشنود میکند و امر خداوند در خشنود است که دیدار را
- ۹ منور می سازد * خوف خداوند مطهر است و تا باید
- ۱۰ باقیست احکام خداوند درستست و تماماً صادق * این چیزها
پسندیده تر از طلا اند بلکه از بسیار مضقی بالاتر و هم شیرین
- ۱۱ تر از غسل بل از شیره شهید * و نیز بنده تو از اینها
منور میشود و در محافظت ایشان نفع کثیر است
- ۱۲ * کیست که درک خطایش میکند از جرم نهانی
- ۱۳ مرا صاف کن * و بنده خود را از غرور با نگاهدار تا آنکه بر

من مسلط نباشند تنگاه برمی خواهم شد و از تجاوز جزرگ
 ۱۲ مصطفی خواهم گردید * اقوال دنان من و تفکر دل من
 پسندیده در حضور تست خداوند مامن و رها نموده من
 (توتی)

زبور بیستم سالار مغنیان مزبور داود

- ۱ در روز تنگدستی خداوند ترا استجابت نماید و اسم خدای
- ۲ یعقوب بتو یاری نماید * برای تو معاومت از قدمین
- ۳ بفرستد و از صیهون ترا نصرت بدهد * جمیع قربانیهای
- ۴ ترا بخاطر بیاورد و قربانی سوختنی ترا بسوزاند سلمه * ترا
- بموافق دل تو عطا بفرماید و همه مشورت ترا کامل
- ۵ بکند * نجات تو وجد نماییم و باسم خدای ما علم را آشکار خواهیم
- ۶ نمود و برود دگر تمامی مسائل ترا کامل بکند * الحال
- میدانم که خداوند مسیحش را رستگار خواهد کرد و از
- آسمانهای قدس خود جواب خواهد داد و نجات بکین
- ۷ او با قوتست * ذکر بعضی بعبادهها و بعضی با سپهها است
- ۸ و ما باسم خداوند خدای خود ذکر خواهیم نمود * ایشان

خیم گشته افتادند و ما بر میخیزیم و بپزیم * خداوند
پادشاهی را رستگار کرد و در آن زمان خواندن ما استجاب است.
ما را خواهد کرد

زبور بیست و یکم سالار مغنیان مزمور داود

- ۱ ای خداوند در قوت تو پادشاه خوشنود خواهد شد و در
- ۲ نجات تو بجه مقدار وجد خواهد نمود * آرزوی دلش را
- بهی عنایت فرمودی و سوال لبهایش را مضایقه نمودی
- ۳ سلمه زیر آگه او را بهرکات صالحه رسانیدی و بر سر او
- ۴ تاجی از زر پاک نهادی * از تو سوال حیات نمود باد
- ۵ ایام مطول را تا ابد الابد عنایت فرمودی * معجزش
- ۶ در نجات تو عظیمست و بر او عزت و بزرگی را نهادی
- * از آنجا که برایش بر کتبهها را معین نمودی تا بابد و او را با
- ۷ مسروری در حضور خود خوشنود خواهی ساخت * سبب
- آنکه پادشاه متوکل خداوند است و با رحمت عالی
- ۸ لغزش نخواهد نمود * مید تو غمی دشمنان ترا پیدا خواهد
- ۹ کرد و بهین تو مبغضان ترا بیابد * ایشان را مثل تنور

زبور داود * ۲۱ * * ۲۲ *

آتش در وقت غضب خود خواهی گردانید خداوند بغیظ
 خود ایشان را هلاک خواهد کرد و آتش ایشان را خواهد
 ۱۰ خورد * و کمر ایشان را در زمین بل زیرت ایشان را
 ۱۱ از میان فرزندان انسان هلاک خواهی نمود * زیرا که
 بتو بدمی نیت نمودند و اندیشه مشورتی را کردند که
 ۱۲ نمی توانستند * ز آنرو که ایشان را هدف خواهی ساخت
 و بر روی ایشان بکمانهای خود تیراندازی خواهی نمود
 ۱۳ * خداوند با قوت خود مرفوع بنا که عظمت ترا خواهیم
 سرائید و حمد خواهیم نمود

زبور بیست و دوم

سالار مغنیان بر ظاهر شدن صبح مزمور داود

۱ ای خدای من واله من چرا و گذاشته مرا دور از
 ۲ نجات من و از کلمات فریاد من * ای خدای من
 در روز میخوانم و جواب نمیفرمائی و در شب (میخوانم)
 ۳ و مرا خموشی نبود * لکن تو مقدسی که در ستایشهای
 ۴ اسرائیل ساکنی * والدان ما بر تو امیدوار بودند بل

- ۵ امپروار بودند و تو ایشان را آفراد کردی * ترا فریاد
- نمودند و دستگاری یافتند از تو متوکل بودند و خلعت
- ۶ نکشیدند * لکن من کرم و نا کس میباشم ملامت مردم
- ۷ و محقر قوم * تمامی کسانی که مرا می بینند مرا تمسخر
- ۸ میکنند و لب می پیچند و سر میچنباخند * متوکل بخداوند
- بود و او را برانند و او را دستگیر کنند از آنرو که از خوشنود
- ۹ است * اما تو از رحم مرا بیرون آوردی و بر پستانهای
- ۱۰ مادرم مرا مامون کردی * بر تو در رحم بناه ادرم
- ۱۱ و در شکم مادرم خدای من توئی * از من بیاعتد
- مکن زیرا که تنگدستی نزدیکست ز آنرو که نصرت
- ۱۲ دهنده نیست * گاو ان موقور مرا احاطه کردند و گاوای
- ۱۳ بر زور بایشن مرا دائره نمودند * (ماخند) شیر درند
- ۱۴ و غرض کفنده دهن خود را بر من کشادند * مثل آب
- ریخته شده ام و تمامی استخوانهای من از هم جدا شدند
- و دل من چون موم گشته در میان بطن من گداخته
- ۱۵ شده است * قوت من چون سفال خشک گردید

و زبان من بدماغ من چسبیده است و بجا کف فنا
 ۱۶ مرا انداختی * زیرا که سگان خاطر غم را گرفتند و گروه شراب
 مرا احاطه نمودند و دستهای مرا دیبای مرا سوراخ نمودند
 ۱۷ * و میتوانم که استخوانهای خودم را بشمارم ایشان مرا
 ۱۸ می بینند و مینگرند * رختهای مرا در میان خود قسمت
 ۱۹ مینمایند و بر پیراهن من قرعه افکنند * و تو ای خداوند
 از من مبادت منای قوت من بمجاذت من
 ۲۰ شتاب کن * جان مرا از شمشیر و فردیت مرا از
 ۲۱ جنگ سک برهان * از دهن شیر مرا خلاص کن و از
 ۲۲ شاخهای کمرگدن (الحال) مرا استجابت کردی * اسم
 ترا به برادران من آشکار خواهم کرد و ترا در میان
 ۲۳ جماعت حمد خواهم کرد * ای متقیان از خداوند اورا
 حمد نمائید ای جمیع ذریب یعقوب اورا ستایش
 ۲۴ بکنید و ای جمیع فرزندان اسرائیل از او بترسید * زیرا که
 مصیبت ستم بریده را خوار نکرد و نفرت نمود و رویش را
 از او محجب نساخت اما چون اورا خواند استماع نمود

- ۲۵ * ستایش من در میان جماعت بزرگ از برای تو
خواهند بود و نذورات خود را ادا خواهم نمود در حضور.
- ۲۶ آن کسانی که ازو خائفند * فقر اطعام خواهند خورد
و سیر خواهند شد ایشان و متجسسانش خداوند را حمد
- ۲۷ خواهند نمود و دل شا زنده خواهند بود تا باید * تمامی حدود
زمین یاد خواهند کرد و بخداوند رجعت خواهند کرد و همه
- ۲۸ بنی اسرائیل امام در حضور تو سجد خواهند نمود * زیرا که
ممالک زان خداوند است و بر قبایل پادشاهی
- ۲۹ میکنند * تمامی اغنیای ارض تناول خواهند کرد و سجد
خواهند نمود و همگی که بخاک فرو میروند در حضورش
- بمسجد فی افتنند و روح من برای او خواهند زیست
- ۳۰ * و ذریعت (من) او را عبادت خواهند کرد و از خاندان
خداوند شمرده خواهند شد * خواهند آمد و صدق او را
- بخلق آشکار خواهند کرد که زایده خواهند شد زیرا که
خداوند صانع نمود

زبور بیست و سیم مزمور داود

۱ خداوند شبان من است ناچار نخواهم شد * مرا در
 علفزارهای گیاه میخواباند و بر آبهای راحت مرا رهبری
 ۲ میفرماید * روح مرا بر میگردد و در طریقهای صدق
 بسبب اسم خود مرا هدایت مینماید * اگر چه در
 سایه دره، مرگ راه روم از شر نخواهم ترسید زیرا که
 تو همراه منی چوب تو و عصای تو مرا تکیه میدهند
 ۳ * سفره در حضور من نذر دشمنان من آماده میسازی
 و سر مرا بروغن چرب میکنی و کاسه من لبریز است
 ۴ * خلاصه نیکوئی و رحمت در تمامی روزهای زندگانی من
 مرا متابعت خواهند نمود و در خانه خداوند ساکن خواهم
 شد تا ابد الابد

• زبور بیست و چهارم مزمور داود

۱ زمین و مملویش و جهان و ساکنان در او از آن
 ۲ خداوند است * زیرا که او را بالای دریای بنانهاد
 ۳ و او را بالای آبهای جاری ثابت کرد * کیست که بگوید

خداوند بالا خواهد رفت و کیست که در مکان مقدس
 او خواهد ایستاد * کسی که پاکدست و صاف دست.
 و جانفش را ببطالت بر نمیخیزاند و کازبان سوگند نمیخورد
 * و برگشت را از خداوند خواهد گرفت و صدق را از آنخدائی
 که را بخند اوست * اینست نسل متجسسان او که
 ز پیدار ترا ای یعقوب تفحص مینمایند سلمه * ای
 پرور و از باغهای شمارا بلند نمائید و ای دروب ابد مرفوع
 شوید که پادشاه صاحب جلال داخل خواهد شد * این
 پادشاه صاحب جلال کیست خداوند قوی و توانا
 خداوندی که در جنگ پرزور است * ای دروازها
 سرهای شمارا بلند نمائید و ای بابهای ابد مرتفع شوید
 که پادشاه صاحب جلال داخل خواهد شد * آن کیست
 که این پادشاه صاحب جلالست خداوند لشکر آنکس
 پادشاه صیاب جلالست سلمه

زبور بیست و پنجم از آن داود

خداوندا جان مرا بسوی تو بلند خواهم نمود * الهی بتو

- ۱ امیدوارم خجالت نخواهم کشید و دشمنانم بر من دگر
 ۲ نخواهند نمود * منتظران تو نیز هرگز شرمندگی نخواهند
 کشید و کسانی که بی سبب معصیت مینمایند شرمسار
 ۳ خواهند بود * خداوند مرا معروف طریقهای خود
 ۴ بگردان و راههای خود را بمن تعلیم کن * مرا در راستی
 خود رهبری نما و مرا تعلیم بفرما زیرا که خدای منجی من
 ۵ تویی و همه روزه منتظر تو میباشم * خداوند رحمتهای
 خود را و مهربانیهای خود را یاد کن بدرستی که اینها
 ۶ از لیسند * تو خطایای شباب مرا و گناهان مرا یاد مکن تو در
 مرحمت خود مرا یاد آر بسبب تفضل خود ای خداوند
 ۷ * خداوند نیکو و صادق است ز آنرو که گناه کاران را
 ۸ براه (راست) تعلیم خواهد نمود * افتادگان را در حکم
 (خود) هدایت خواهد فرمود و فروتنان را طریق خود را
 ۹ تعلیم خواهد کرد * جمیع طریقهای خداوند رحمت
 و راست میباشد از جهت انانیکه عهد او و شهادت

- ۱۱ اورا محافظت می نمایند * امی خداوند معصیت مرا
بحق اسم خود ببخش بدرستی که (گناه من) عظیم است
۱۲ * کیست آنکس که از خداوند مخوفست و آنکس را
۱۳ تعلیم خواهد کرد در طریقی که خود پسند میکند * جان
او در نیکوئی ساکن خواهد شد و نسلش وارث
۱۴ زمین خواهد بود * راز خداوند با خائنان اوست
۱۵ و غیبه خود را با ایشان آشکار خواهد نمود * دیدهای من
همیشه بطرف خداوند است زیرا که یابای مرا از دام
۱۶ متخلص خواهد کرد * بر من نظر بنما و مرا رحمت
۱۷ کن ز آن رو که واحد و مظلومم * تنگیهای دل من
زیاده میشوند مرا از تنگدستیهای من خلاص کن
۱۸ * معصیت و انفعال مرا به بین و تمامی گناهان مرا ببخش
۱۹ * اعدای مرا نظر کن بدرستی که بسیار میشوند و بغض
۲۰ شدیدی مرا بغض مینمایند * جان مرا محافظت بنما
و مرا رستگار بکن تا شرمسار نشوم زیرا که بتو متوکلم

۲۱ * انصاف و راستی مرا نگاه دارند بسبب آنکه بتو منتظرم

۲۲ * ای خدا اسرائیل را ازو جمع تنگدستیهای ایشان

خلاص کن

زبور بیست و ششم از آن داود

۱ ای خداوند در باره من فتوی بده زیرا که من در

ساده لوحی خود رفتار مینمایم و بر خداوند متوکلم و لغزش

۲ نخواهم کرد * ای خداوند مرا امتحان کن و مرا تجربه

۳ بنما و اندیشههای مرا و قلب مرا خالص گردان * زیرا که

مرحمت تو در پیش چشمهای من است و راستی

۴ تو رفتار مینمایم * با اشخاص باطل همی نشینم و همراه

۵ ریاکاران روان نمی شوم * جماعت بدکاران را بغض

۶ مینمایم و باشرایر نخواهم نشست * دستهای خود را شسته

پاک خواهم کرد و در قربانگاه تو ای خداوند خواهم گردید

۷ * تا آنکه باواز شکر گذاری تمامی عجایب ترا مسجود

۸ گردانیده آشکار سازم * خداوند موضع خانه ترا دوست

۹ میدارم و مقامیکه جلال تو در او ساکن است * جان

مرا پانگاه کاران و حیات مرا بدمردمان سفاک درد
 ۱۰ مکن * که در دستهای ایشان شراست و بمین ایشان
 ۱۱ از رشوت پر است * و من بساده لوحی خود رفتار
 ۱۲ مینمایم مرا فدا بکن و مرا مرحمت بنمای * پای من
 بر جای هموار می ایستد و در مجامع خداوند را شکر
 خواهم نمود

زبور نهمین و هفتم از آن داود

۱ خداوند نور من و نجات من است از که خواهم ترسید
 خداوند قوت حیات من است از که هراسان خواهم
 ۲ شد * اشاری که دشمنان من و اعدای من (بودند) از
 برای خوردن گوشت من چون بر من رسیدند
 ۳ لغزشن کرده افتادند * اگر چه لشکر بر من خیمه زند
 دل من نخواهد ترسید اگر چه حرب برای من
 ۴ بر خیزد ازین بی شک خواهم بود * یکمطلب را
 از خداوند سوال نمودم و همین را منتجبستم که در خانه
 خداوند جمیع ایام حیات خودم ساکن شوم تا آنکه

- جلال خداوند را ملاحظه نمایم نور هیکلش تفحص کنم
 ۵ * زیرا که در یوم بلا در خیمه خود مرا مستور خواهد
 کرد در قطب خیمه اش مرا پنهان خواهد نمود و در
 ۶ کوه مرا بلند خواهد ساخت * و الحال سر مرا بلند
 مینماید فوق دشمنانیکه در اطراف منند و قربانیهای
 شادمانی را در خیمه اش خواهم رسانید و خداوند را سرود
 ۷ و حمد خواهم نمود * خداوند اینک میگوید ترا بخوانم آواز مرا
 ۸ بشنویم مرا رحمت کن دهم مرا استجابت بشما * ای
 دل من خداوند ترا گفته است که حضور مرا تجسس
 ۹ کن خداوند حضور ترا تفحص خواهم کرد * رویت را
 از من میپوش و بغضب از بنده خود متوجه مباش
 پناه من بوده مرا وا مگذار و مرا ترک مکن ای
 ۱۰ خدای منجی من * اگر چه پدرم و مادرم مرا وا گذارند خداوند
 ۱۱ مرا قبول خواهد کرد * خداوند طریق خود را بمن
 نشان بده و از جهت دشمنان من در راه متقیم مرا
 ۱۲ رهبری بفرما * باختیار دشمنان من مرا تسلیم مکن

زیرا که شاهان کاذب و ظلم و در خدمت من بر میخیزند
 ۱۳ * اگر امیدان نبودی که در زمین زندگان کرم خداوند را
 ۱۴ دیده باشم (بیهوش شدم) * خداوند را انتظار کش و خاطر
 جمع باش که دل ترا قوت خواهد داد و بخداوند انتظار
 کش

زبور بیست و هشتم از آن داود

۱ ای پروردگار و پناه من ترا خواهم خواند از من خاموش
 مباش اگر از من خاموش باشی شبیه میشوم بان
 ۲ کسانی که بچاه فرو میروند * آواز استغاثه مرا بشنو
 ۳ هنگامی که ترا بخوانم و در هنگامیکه دستهایم بسوی مقام
 قدس تو بلند میکنم * مگذار که تسلیم کرده شوم با شرار
 و بدکارانی که با شنایان خویش سلام میگویند هنگامی که در
 ۴ قلب ایشان بدی هست * ایشان را موافق کردار
 ایشان و موافق کوششهای بدی اینان بده و ایشان را
 موافق عمل دستهای ایشان بده و عوض ایشان را باینسان
 ۵ رد کن * از آنجا که اعمال خداوند را و صنعت دستهایش را

و رک ننمودند (خدا) ایشان را خراب خواهد کرد
 ۶ و ایشان را تعمیر نخواهد نمود * خداوند مبارک باد زیرا
 ۷ که آواز تضرعهای مرا شنید * خداوند قوت منست
 و سپهر من که دل من باو متوکل است و معاودت می
 یابم و از آنرو دل من وجد مینماید و بسرود خودم ادا حمد
 ۸ خواهم نمود * خداوند قوت قوم خود است و استوار
 ۹ کننده، نجاتهای مسیحش اوست * بقوم خود نجات
 ده و میراث ترا برکت بده و ایشان را پرورش کن
 و ایشان را مرفوع کن تا بابد

زبور بیست و نهم از آن داود

۱ ای فرزندان پروردان خداوند را وصف نمائید و جلال
 ۲ و قوت خداوند را وصف نمائید * بخداوند عظمت
 اسمش را وصف نمائید و در رونق قدس خداوند را
 ۳ سجده نمائید * آواز خداوند بر آبهاست خدای جلیل
 ترعد مینماید بخداوند در بالای آبهای بسیار است
 ۵ * آواز خداوند بقوتست و قول پروردگار بفضل * آواز

- خداوند سرود آزادارای منکنند بلکه خداوند سرود آزادارای
 ۶ لبنان را میشکند * وایشان را مثل گوساله ولبنان
 ۷ و سربان را چون بچه کمرگدن میچپانند * آواز خداوند
 ۸ شعلههای آتش را جدا می کند * آواز خداوند بیابان را لرزان
 میگرداند (بلکه) خداوند بیابان قاروش را متزلزل
 ۹ میکند * آواز خداوند غزالها را حمل میگرداند و جنگلها را
 برشته میسازد و هر کس جلالش در هیكلش وصف مینماید
 ۱۰ * و خداوند بر بالای طوفان می نشیند و پادشاهی خداوند
 ۱۱ می نشیند تا بابد * خداوند بقوم او قوت خواهد داد
 و امت خود را با سلامت مبارک خواهد کرد

زبور سلیم

۲ مزمور و سرود از برای وقف خانه داود

- ۱ ای خداوند ترا حمد خواهیم نمود زیرا که مرا بر داشتی
 ۲ و دشمنان مرا بر من و جد کنان نگذاشتی * ای خداوند
 ۳ واله من استغاثه نمودم و بمن شفا بخشیدی * ای
 خداوند جان مرا از قبر برگردانیدی و مرا زنده نگاهداشتی

- ۴ تا بچاه قبر فرو نروم * خداوند را براهید ای مقیدسان
 ۵ او در ذکر قدس او حمد نائید * بدرستی که در غضبش
 دقیقه و در لطفش حیات است در شام گریه بر
 ۶ میبرد و در صبح خوشنودی * و من در استراحت خود
 ۷ گفتم که تا باید متحرک نخواهم شد * خداوند در لطف
 خود بدن مرا محکم و قوی ساختی و روی خود را محجب
 ۸ نمودی و مضطرب گردیدم * ای خداوند یثو استغاثه
 ۹ خواهم نمود و بخداوند تضرع خواهم کرد * از خون من
 چه حاصل اگر بچاه فرو روم آیا خاک یثو حمد خواهد
 ۱۰ نمود آیا صدق ترا آشکار خواهد نمود * خداوند بشنو
 ۱۱ و مرا رحم کن خداوند مرا یاری کننده باش * ناله مرا
 بوجه منعکس گردانیدی و دل را از من بیرحان کشیدی
 ۱۲ و مرا با شادمانی کمر بستگی * ناآنکه جلال ترا سرایم و خواموش
 نباشم ای خداوندی واله من تا باید ترا حمد خواهم نمود

۱ زبور سی و یکم سالار مغنّین مزمور داود
 خداوند! بتو پناه می آورم. شرمسار نخواهم شد تا بانه
 ۲ و براستی خود مرا رستگار کن * گوش خود را بمن
 فرا وادار و بنزدی مرا برهان و از برای من کوه قومی
 ۳ و خانه * مشید بسبب استخلاص من باش * بدرستی که
 کوه من و قلعه من توئی و بحق اسم تو مرا هدایت
 ۴ کن در بهیمنی های * از آن دامی که برای من پنهان
 کردی مرا مخلص کن زیرا که قوت من توئی
 ۵ * بید تو روح خود را می سپارم (زیرا که) ای خداوند و خدای
 ۶ صادق مرا فدا کردی * بغض مینمایم بآن کسانی
 ۷ که بتهای باطل را نگاهدارند و من بخدا متوکلیم * در
 رحمت و تو خوشنود خواهم گردید و وجد خواهم نمود
 زیرا که مصیبت مرا نگرستی و در تنگدستیها جان
 ۸ مرا نگاهداشتی * و مرا بسته بدست دشمنان من
 تسلیم نکردی و قدمهای مرا در کشادگی پایدار نمودی
 ۹ * خداوند! مرا شفقت بفرما زیرا که تنگدستی زان من

است چشم من از غم خورده شده و جان و بدن من
 (کاهید) * زیرا که حیات من در غم و سالهای من در
 نالشی باخر میرسند قوت من بسبب مصیبت من
 سست شد و استخوانهای من تهی گردیدند * از تمامی
 دشمنان خود خصوصاً همشینیان خود مشغول شدم
 و کسانی که مرا شناختند خائف شدند و ایشان که مرا
 ۱۲ در بیرون دیدند فرار نمودند * مانند ابل موت فراموش
 ۱۳ شدم و مثل کاسه شکسته از خاطر رفتم * زیرا که بدنامی
 از اشخاص بسیار شنیدم و ترس در اطراف هنگامی که
 هر یک بر ضد من مشورت کردند و خیال بستند که جان
 ۱۴ مرا بگیرند * وای خداوند من بر تو اعتماد نمودم و گفتم
 ۱۵ که خدای من توئی * زبانهای من در دست دست
 و مرا از دست دشمنان من و از آنانی که مرا تعدی می
 ۱۶ نمایند مخلص کن * روی خود را بر منده، خود درخشان
 ۱۷ بکن و در شفقت مرا نجات بده * خداوند خجالت
 مخوام کشید زیرا که ترا خوانده ام و اشرار خجالت بکشند

- ۱۸ و در قبر خموش باشند * لبهای دروغ خموش گردیده
خوانند گشت که متکبران و تحقیران حرفهای سخت بر
۱۹ صدیقی میزنند * چه بسیار است نکوئی تو که نهان
کردی از برای خائفان خود و بجا آوردی از جهت آن
کسانی که در حضور فرزندان انسان بر تو امیدوارند * و از
۲۰ غرور مردم ایشان را در خلوت حضور خود مستور
خواهی کرد و ایشان را از منازعت زبانها در خیمه نهان
۲۱ خواهی نمود * خداوند مبارک باد زیرا که رحمت عجیب
۲۲ خود را بمن در شهر محکم نشان داد * و من در نفس
خود گفتم که از پیش چشمهای تو دور میشوم اما
۲۳ هنگامیکه ترا خواندم آواز نصرتهای مرا شنیدی * خداوند را
دوست دارید ای مقدسانش که خداوند مؤمنین را
۲۴ نگاه میدارد و مغرور را فراوان عوض می نماید * خاطر جمع
باشید که قلب شما قوت خواهد داد همگی شما که از
خداوند امید دارید

زبور سی و دوم از آن داود تعلیم دهنده :
 خوشا حال آن کسی که تجاوزش معفو و گناهش مستور
 است * خوشا حال آن کسیکه خداوند معصیتش را
 بر او محسوب نمیکنند و در روحش غشی نیست * از
 جهت آنکه همه روزه فریاد کردم استخوانهای من
 ضایع گردیدند در هنگام خروش بودن من * زیرا که
 روز و شب دست تو بر من گران بوده و تو
 و تازگی من ، خشکی تابستان مبدل گردید سله * بگناه
 خود معترف شدم و معصیت خود را پوشیده ام گفتم
 تجاوزهای خود را بخداوند اعتراف کرده باشم و تو
 و زربال مرا برداشتی سله * از اینجهت هر صدیقی در
 زبان اجابت استغاثه خواهد نمود و یقین در زبان
 طغیان نمودن آبهای بسیار باد نخواهد رسید * و تو
 برای من ملجائی و مرا از تنگدستی نگاه خواهی داشت
 و بسروهای رستگاران مرا احاطه خواهی نمود سله * ترا
 تفهیم نمایم و تعلیم دادم برای که در او خواهی رفت

۹ و نظری من بر تست و موعظه خدام نمود * مانند اسپ
 و استری که آموخته بلگام نخواهد شد مباحث که بدین
 سبب باید دهن بند بدنش به بندند مبادا که ایزایش
 ۱۰ بتو برسد * عذابها از جهت شریر بسیار است اما
 رحمت احاطه خواهد کرد بآنکسانی که بخداوند متوکلند
 ۱۱ * ای صدیقان از خداوند خوشنود باشید و وجد نمائید
 و آتی تمامی راسته لان از جهت شادمانی بسرائید

زبور سی و نهم

۱ ای مقدسان خداوند را بسرائید که حمد شایسته از
 ۲ برای راستانست * خداوند را در جنگ شکر نمائید
 ۳ و در تار و ریسمانی بوی بسرائید * سرود تازه را برایش
 ۴ سرود کنید و بشادمانی ساز را بنوازید * بدرستی که سخن
 خداوند راستست و هر عملش در حقیقت است
 ۵ * صداقت و حکم را دوست دارد و زمین از رحمت
 ۶ خداوند مملو است * از سخن خداوند آسمانها بوجود

- ۷ آمدند و بروح دهنش تمامی شکرهای ایشان * لب‌های
- ۸ در یارانشان میان شیشه بهم مجتمع میگردانند و عمیق بار
- ۹ در خزاین بگذارد * تمامی مخلوق زمین از خداوند
- ۱۰ بترسند و تمامی ساکنان جهان از وی هراسان باشند
- ۱۱ * زیرا که خودش گفت و بعمل آمد و خودش فرمان داد
- ۱۲ و پایدار شد * خداوند مشورت طوایف را ضایع میکند
- ۱۳ و اندیشه‌های خلافت را معدوم می سازد * تدبیر خداوند تا
- ۱۴ بابد باقی خواهد بود و اندیشه‌های قلبش پشت به
- ۱۵ پشت * خوشا حال آن قومی که خدای ایشان خداوند
- ۱۶ است و خلقی را که از جهت خود بوراقت برگزیده
- ۱۷ است * خداوند از آسمان می نگرد و جمله فرزندان
- ۱۸ انسان را می بیند * از مکان نشستن خود بر تمامی
- ۱۹ ساکنان زمین نگر است * قلب‌های ایشان را یک
- ۲۰ بیک مشکل کرده تمامی اعمال ایشان را ادراک می
- ۲۱ نماید * پادشاهی نیست که از وفور قوت نجات یابد
- ۲۲ و نه شجاعی که از نیرومندی عظیم خود خلاص یابد

- ۱۷ * استپ از برای نجات چیزی فریبده است و از
بسیاری قوت خود صاحبش را خلاص نتواند نمود
۱۸ * اینک نظر خداوند بر خائفان اوست و آنانکه از
۱۹ رحمتش امیدوارند * تا جان ایشانرا از مرگ برانند
۲۰ و ایشان را از جوع زنده نگه دارد * جان ما منتظر
۲۱ خداوند است که پناه ما و سیر ما اوست * یقین دل
ما از و خوشنود، خواهد شد زیرا که باسم مقدس او
۲۲ متوکیم * خداوند بر ما رحمت تو باشد بطوری که از
نو امیدواریم

زبور سی و چهارم

- از آن داود در زمانی که در حضور ابی ملک عقل
خود را تغذیر داد و ملک او را براند و داود بیرون رفت
۱ در هر وقت خداوند را شکر خواهم نمود و همیشه شایش
۲ در دهن من خواهد بود * جان من از خداوند فخر
خواهد نمود و مفلوکان خواهند شنید و شادمانی خواهند
۳ نمود * عظمت خداوند را با من وصف نمائید و با هم دیگر

- ۴ اسمش را بلند نمائیم * خداوند را تجسس کردیم و مرا
استجابت کرد و از تمامی تپشهای من مرا خلاص کرد
- ۵ * کسانی که او را نگرستند منور شدند و رویهای
ایشان خجالت نکشیدند * و این مفلوک دعا نمود
- ۶ و خداوند استجابت فرمود و از تمامی تنگدستیهایش او را
نجات داد * و فرشته خداوند در اطراف خائفانش خیمه
- ۸ میزند و ایشان را نجات میدهد * ذائقه نمائید و به بیند
خداوند را که نیکوست خوشا حال آنکس که بر او
- ۹ متوکل است * ای محقرسان او از خداوند بترسید زیرا که
۱۰ نقصی بخائفانش نخواهد رسید * شیر، بچگان محتاج
و گرسنه میشوند اما آن کسانی که بخداوند متجسسند
- ۱۱ در هر چیز خوب هرگز کم نخواهند دید * ای فرزندان بیایید
و از من بشنوید که شارا بترس خداوند خواهم آموخت
- ۱۲ * کیست آن کسی که خواهش حیات دارد و ایام ما را
۱۳ از برای دیدن خوبی دوست میدارد * زبان خود را
۱۴ از بدی و لبهای ترا از گفتن غدر نگاهدار * از شر

- دور شو و بخوبی مشغول شو و صلح را تفحص کن
 ۱۵ وادرا متابعت بنما * نظر خداوند بر صدیقانست و گوشش
 ۱۶ بفریاد ایشان * روی خداوند در خد بدکاران است
 ۱۷ تا آنکه ذکر ایشان را از زمین منقطع سازد * صدیقان
 استغاثه می نمایند و خداوند اجابت میکند و ایشان را از
 ۱۸ تمامی تنگدستیهای ایشان میراند * خداوند بدل
 شکستگان نزدیکست و بان کسانی که روح ایشان
 ۱۹ غمگین است نجات خواهد بخشید * بلاهای صدیق
 بسیار است اما از همه ایشان خداوند بوی نجات
 ۲۰ خواهد داد * استخوانهای ایشان را نگاه خواهد داشت
 ۲۱ که از آنها یکی شکسته نخواهد شد * بلا شیر را بقتل
 خواهد رسانید و مبعضان صدیق خراب خواهند شد
 ۲۲ * خداوند جان بندگان خود را فدا کند و تمامی کسانی که
 باد متوکلند هرگز خراب نخواهند گردید

- زبور سی و پنجم از آن داود
۱. خداوند با متعديان من جدال کن و ستیزه کن با آن
 ۲. کسانی که با من جنگ می نمایند * سپهر و اسلحه را بگیر
 ۳. و معاومت من بر خیز * و در ضد متعديان من نیر
 ۴. و شمشیر را بکش و بجان من بگو که منجی تو منم * آن
 ۵. کسانی که متجسسان جان منند خجالت بکشند
 ۶. و شرمسار باشند و آنانی که از برای اضرار من متفکرند
 ۷. بر گردیده شوند و رسوا گردند * مثل گاه در پیش باد
 ۸. باشند و فرشته خداوند ایشان را براند * راه شان تاریک
 ۹. و لغزنده باشد و فرشته خداوند ایشان را طرد نماید * زیرا که
 ۱۰. بی سبب از برای من دام خود را پنهان کردند و بی
 ۱۱. سبب از برای جان من چاه را کنند * و انهدام
 ۱۲. ناگهان بر او برسد و بگیرد او را آن دمی که خود
 ۱۳. پنهان کرده بود در همان تباهی بفتند * و از خداوند جان
 ۱۴. من وجد خواهد کرد و در نجاتش فخر خواهد نمود
 ۱۵. * جمیع استخوانهای من خواهند گفت که پروردگار ما نند

تو کیست که مظلوم را برانند از آن کسی که چیره
 دست تر از اوست بلکه مظلوم و بیچاره را از مخربش
 ۱۱ * شاهمان ظالم بر پا ایستادند و آنچه ندانستم از من
 ۱۲ سوال نمودند * عوض خوبی بدی را بمن برای خرابی جان
 ۱۳ من باز رسانیدند * و خودم هنگامی که ایشان بیمار شدند
 لباسم از دلق شد جانم را بروزه مظلوم کردم و دعای من
 ۱۴ بشویم بازگشت نمود * و خودم مثل رفیق و مانند برادر
 رفتار نمودم در لباس سیاه ختم شدم مثل کسی که از برای
 ۱۵ مادرش غم خورد * لیکن در نکبت من شادمانی می
 نمایند و بهم میرسند بلکه گویند گاهی که (ایشان را) نمی
 شناسم بر من مجتمع میکردند و میکوبند و توقف
 ۱۶ نمی نمایند * زبان ستم دیدن من تمسخرانه استهزا می
 ۱۷ نمودند و دندان خود را بر من می فشارند * خداوند تا
 بکسی ملاحظه خواهی نمود جان مرا از پایمال ایشان
 ۱۸ و فردیت مرا از شیران برگردان * در میان جماعت
 بزرگ ترا حمد خواهیم نمود و در میان قوم پرزور ترا

- ۱۹ تمجید خواهم کرد * آن کسانی که بلا انصاف در میان
 هستند بر من وجه نمایند * آنانی که بیعت مرا بغض
 می نمایند چشم را کج نکنند * زیرا که صلح را گفتگو نمیکنند
 ۲۰ و در ضد مصلحان زمین سخنان فریبده را اندیشه
 ۲۱ مینمایند * و دهن خود را بر من کشاده میگویند که آخ
 ۲۲ نظر ما می بیند * خداوند نظر میفرمائی خوش باش
 ۲۳ پروردگارا از من دور مشو * ای خداوند من واله
 من برای داری من بر خیز و بدعوی من بیدار
 ۲۴ باش * ای خداوند واله من براستی خود مرا تحکم
 ۲۵ بفرما تا در ضد من مفتخر نباشند * در قلب خودشان
 بگویند که آخ بکام ماست و بگویند که او را فرود آوردیم
 ۲۶ * آنانی که در بالای من مسرورند تمامی خجالت بکشند
 و شر بسیار گردند و بخت و انفعال مستور شوند که
 ۲۷ خود را بالای من مرفوع نمایند * آنانی که از صدق من
 خوشنودند بسپارید و شادمان باشند و همیشه بگویند که
 معظم باد خداوند که بسلامت بنده خود را اراده فرمود

۲۸ * همه روزه زبان من^۱ عدالت ترا خواهد بیان نمود
و ترا حمد خواهد کرد ر

زبور سی و هشتم

سالار مغنیان از آن داود عبد خداوند

- ۱ اندرون دل شیر سخن عاصی است و بیش
- ۲ چشمهایش ترس خدا نیست * زیرا که او در نظرهای
- ۳ خویش می پسندد کار خود را نه آنکه گناهش را پیدا
- ۴ نموده بگناه بغض نماید * سخنهای دهنش باطل
- ۵ و فریبنده است و در فهمیدن نسبت بعمل خوبی
- ۶ توقف مینماید * بطلان را بر بستر خود تفکر میکند و در
- ۷ راه ناشایسته قرار میگیرد و بدی را تنفر ندارد * خداوند
- ۸ رحمت تو در آسمانها و حقیقت تو تا بسپهر است
- ۹ * راستی تو مانند کوههای عظیم است و احکام تو بسیار
- ۱۰ عمیق و ای خداوند انسان و حیوان را نگاه میداری
- ۱۱ * ای خدا اگر تو چه بسیار عزیز است و فرزندان انسان
- ۱۲ بکنف اجحه^۱ نو پناه می آورند * از نعمت خانه تو

سیر خواهند شد و از رودخانه‌های لریذ خود ایشان را
 ۹ خواهی نوشانید * زیر که چشمهٔ حیات پاست در
 ۱۰ روشنی تو نوری را خواهیم دید * رحمت خود را بعارفان
 ۱۱ خود وصداقت خود را براستدلان برسان * پای کبر
 ۱۲ بر من نرسد و دست اشار مرا متحرک نکند * اینک
 فسادکنندگان افتاده اند و مردودند و نمیتوانند بر
 خواست

زبور سی و هفتم از آن داود
 ۱ بر اشار افروخته مشو و بر بدکاران حسد مبر
 ۲ * بدرستی که ماغذ گیاه بزودی منقطع خواهند شد و مثل
 ۳ نبات تازه پژمرده خواهند گردید * متوکل بخداوند
 باش و خوبی را بعمل بیاور تا در زمین سعادتمند باشی
 ۴ و در امنیت پرورش یابی * بر خداوند مسرور شو که
 ۵ خواهشهای دلت را بتو عطا خواهد کرد * طریق خود را
 بخداوند بسپار و بر او اعتماد بنما که او درست خواهد
 ۶ کرد * و چون نور بیرون راستی ترا خواهد آورد و حکم

- ۷ تیر چون (زمان) ظهر * نژد خداوند ساکت باش و از اد
منتظر باش و افروخته مباش بر آن کسی که براه
خود بر خوردار است و از برای کسی که تدبیرهای (خود را)
۸ بجای آورد * از خشم توقف کن و غیظ را و گذار
۹ و افروخته مباش که مبادا بدی را عمل نمائی * زیرا که
بدکاران منقطع خواهند شد اما آنانی که منتظر خداوندند
۱۰ زمین را با برکت خواهند داشت * هنوز زمانی (باقست)
و شریک نخواهد (زیست) و جستجوی بسیار برای مقامش
۱۱ خواهی کرد و او را بنظر نخواهی در آورد * خود فروتنان
وارث زمین خواهند شد و از بسیاری سلامت عیش
۱۲ و عشرت خواهند یافت * شریک در خدمت حقیق حیل، می
۱۳ کند و برادر دندان خود را می فشارد * خداوند باد استهزا
۱۴ خواهد کرد زیرا می بیند که روزش می آید * اشار
شمشیر را کشیدند و کمان را خم کردند تا مفلوگان
و بیچارگان را بیندازند تا راست رفتار آن را زبح سازند
۱۵ * شمشیر ایشان در دل ایشان فرو خواهد رفت

- ۱۶ و کمانهای شان شکسته خواهند گردید * قلیل البهیمانه
 ۱۷ صدیق از دولت اشرار بسیار افضل است * زیرا که
 بازوهای اشرار شکسته خواهند گشت و خداوند معین
 ۱۸ صدیقانست * خداوند روزهای مخلصان را ادراک
 ۱۹ نماید و میراث ایشان خواهد بود تا بابد * در زمان بلا
 خجل نخواهند گشت و در روزهای گرسنگی سپهر
 ۲۰ خواهند شد * زیرا که اشرار هلاک خواهند شد و دشمنان
 خداوند مانع پیمه برآ مضحجل خواهند گردید و مانند
 ۲۱ دودی نابود خواهند شد * زیرا شریر عاریت میگیرد
 ۲۲ و ادا نمی نماید اما صدیق کرم میکند و می بخشد * زانرو که
 سعیدانش وارث زمین خواهند گشت اما ملعونانش
 ۲۳ منقطع خواهند شد * قدمهای مرد نیکو از خداوند
 استوار گردیده شوند و از طریقش خوشنود خواهند شد
 ۲۴ * اگر چه بیفته هلاک نخواهند شد زانرو که دست
 ۲۵ او را خداوند بگیرد * جوان بودم و حالا پیرم لیکن
 هرگز صدیق را ندیدم که ترک گشته شود و زرقش

- ۳۶ ناز را در یوزه کنند * همه روز کرم است و عاریت
 ۳۷ میدهند و ذریقتش نیز مبارکند * از بدی دور شو
 ۳۸ و نیکوئی را بعمل آور و باقی باش تا باید * زیرا که
 خداوند عدل را دوست میدارد و مقدساتش را
 و نمیگذارد محفوظ میباشند تا باید لیکن ذریعت
 ۳۹ اشار منقطع خواهند گشت * صدیقان بوراشت
 زمین را خواهند داشت و در او ساکن خواهند شد تا
 ۴۰ باید * دهن صدیق حکمت را تقریر خواهد کرد و زبانش
 ۴۱ عدل را بیان خواهد نمود * شریعت الهی در دل
 ۴۲ اوست و قدمهایش لغزش نخواهد نمود * شریر بصدیق
 ۴۳ مینگرد و تفحص مینماید تا او را بکشد * خداوند در
 ۴۴ دست متجسس او را فراموش نخواهد کرد و در زبان
 ۴۵ حکم بر او باز خواست نخواهد نمود * منتظر خداوند
 باش و طریقش را نگاهدار که ترا از برای دراشت
 زمین رفیع خواهد نمود در هنگامی که منقطع نمید
 ۴۶ شرایر را خواهی دید * شریر را مخوف دیدم چون

ماخذ درختی که در مکان اصلیش خود را فرستاده کرده
 ۳۶ بشکند * عبور آگزشت و نا پدید گشت بلکه او را
 ۳۷ جستجو کردم و پیدا نشد * انصاف را نگاه دار و بر راستی
 بنگر زیرا که بقیه از برای مرد صالح می ماند
 ۳۸ * عاصیان بالکلیه هلاک خواهند گشت و اشرار قطع
 ۳۹ نسل خواهند شد * و نجات صدیقان از خداوند است که
 ۴۰ در ایام تنگدستی مقومی ایشانست * و خداوند ایشان را
 معاومت خواهد کرد و خلاصی خواهد بخشید و ایشان را
 از اشرار متخلص خواهد فرمود و ایشان را نجات
 خواهد داد ز آنرو که باو متوکلند

زبور سی و هشتم

از آن داود از برای ذکر کردن
 ۱ خداوند در غیظ خود مرا عتاب ممکن و در غضب خود
 ۲ مرا تنبیه مفر * زیرا که تیرهای تو در من می نشینند
 ۳ و دست تو بر من شکنجه می نماید * بسبب غضب تو
 تندرستی در جسم من نیست و از برای گناه خود آرام

۴ در استخوانهای خود نمی یابم * بدرستی که معصیت‌های من
از فوق سر من گذشتند و چون بارگران بر من
۵ بسیار گرانی میکنند * از جهت نادانی من زخم‌های
۶ من متعفن میشوند و پوسیده میگردند * پیچ خورده
۷ بغایت خشم شده ام و تمامی روز غمگین میگردم * کمرهای
من از تعب مملو است و تندرستی در جسد من
۸ نیست * بسیار ضعیف و شکسته میشوم و از طپش
۹ دل خود ولوله میکنم * خداوند اقامی خواهش من در
۱۰ حضور تست و نالش من از تو پوشیده نیست * دل
من میطپد و قوت من مرا و میگذارد و نور چشمان
۱۱ من خود نیز با من نمی ماند * محبان من و مصاحبان
من در قفای من دور از صدمه من حقیقند و قریبان
۱۲ من دورادور ایستاده اند * اشخاصی که جان مرا
جستجو مینمایند دام‌هایی نهند و آن کسانی که ضرر مرا
تفحص مینمایند بدیهارا میگویند و تمامی روز فریب‌دار
۱۳ تدبیر میکنند * و من باغمد نمی شنوم و مثل گنگبی

۱۴ ام که دهن خود را نمی کشاید * مانند کسی میباشم که
 اصفا نمی کند و کسی که در دهنش مناقشها نباشد
 ۱۵ ای خداوند ز آنرو که بتو متوکلیم تو استجابت بفرما
 ۱۶ ای پروردگار و خدای من * چهته آنکه گفتم مبادا بر من
 فخر کنند و در هنگامی که پای من لغزش نماید خود را
 ۱۷ بر من مرفوع بنمایند * زیرا که بلغزش میا ام و در
 ۱۸ من همیشه در نظر من است * برای آنکه معصیت
 خود را آشکار مینمایم و بسبب گناه خود مضطرب
 ۱۹ میباشم * و دشمنان من قیوم و زور آورند و کسانی
 ۲۰ که مرا بی سبب بغض می نمایند بسیارند * و آنانی که
 ببری را عوض نکوئی مینمایند اعدای من باشند از
 ۲۱ چهته آنکه خوبی را متابعت مینمایم * خداوند مرا و
 ۲۲ مگذار دای خدای من از من دور مباش * بمعاونت
 من شتاب کن ای خداوند منجی من

د زبور سي ونهم

- ۱ سالار مغنيان از براي يديئون منمور داود
- ۲ ا گفتم که راههای خود را محافظت خواهم کرد که مبادا
بزبان معصیت نایم و در هنگامی که شریر در حضور
من است دهن من را بر دهن خود نگاه خواهم داشت
- ۳ * از خواموشی گنگ شدم و از خوبی ساکت گشتم
۴ اما غم من زیاده گردید * دل من در سینه مشتعل
گردید و آتش در زبان تفکر من مرا سوزانید و بزبان
۵ خود گفتم * خداوند مرا عارف انجام من و پیمانۀ ایام
من کن که تا بدانم چند است و ناتوانی من چه مقدار
۶ است * اینک ایامهای مرا به پهنانی دست کردم
و عمر من در نظرت مانند هیچ است بدرستی که هر کس
۷ که زیست نماید بالکلیه با عجب میشود سلم * یقین که
انسان به بیهودگی رفتار مینماید و مشقت بیفایده می
کشد و مال را جمع میکند و نمیداند کدام کس او را خواهد
۸ بر داشت * و حال ای خداوند از برای چه منتظر هستم

- ۸ انتظار من از توست * و مرا مخلص از همه تجاوری من
 ۹ کن و سرکوب احمقان مرا مگردان * گنگ شدم
 ۱۰ دهن خود را نکشادم ز آنرو که تو بعمل آورده بودی * از
 بالای من صدمه خود را بردار که من از ضرب دست تو
 ۱۱ کاهیده گشتم * مردم را از برای گناه بعقوبتها تنبیه می
 فرمائی و از رویش را مانند سپشه گداخته میسازی یقین
 ۱۲ همه کس عبت میشوند سله * خداوند دعای مرا بشنود
 و با ستغاثه من اصفا کن و باشک من خموشی خود را
 ظاهر مساز زیرا که من مانند پدران خود نزد تو بیگانه
 ۱۳ و مسافرم * از من متوجه باش که قومی خواهم
 گردید پیش از اینکه بروم و باقی نباشم

زبور چهلم

سالار مغنیان مزمور داود

- ۱ با تمید واری انتظار خداوند را کشیدم و بسوی من میل
 ۲ فرمود و فریاد مرا شنید * از چاه ویران و از گل
 و حل مرا برداشت و قدمهای مرا بر سنگ نهاد

۳ و گذرهای مرا آراسته گردانید * صمد را برای خدای ما
 بدین من سرود تازه دادید (خلقان) بسیار ملاحظه خواهند
 نمود و خواهند ترسید و بخداوند متوکل خواهند گشت
 ۴ * خوشحال آن کس که خداوند را امید خود میگرداند
 و مغروران و اشخاصی که در پی کذب میروند توجه
 ۵ ننمایند * ای خداوند واله من بسیار گردانیدی عجایب
 خود را و تدبیرات ترا کسی بجهت ما در حضور تو ترتیب
 نتواند نمود اگر (میخواستم ایشان را) بیان سازم و عرض
 کنم از حساب افزودن بودند * قربانی و هدیه را
 نخواستی گوشه‌های مرا سوراخ کردی قربانی سوختنی را
 ۷ و هدیه گناه را سوال ننمودی * پس گفتم اینک فی
 ۸ آیم که در جلد کتاب در حق من نوشته است * الهی
 از برای عمل آوردن رضای تو خوشنودم و شریعت
 تو در میان دل من است * خداوند نو میدانی که
 در جماعت بزرگ بصدق موعظه نمودم که اینک
 ۱۰ لبهای خودم را و انداشتم * در میان دل خود عدالت

ترا مخفی ننمودم وفاداری ترا و نجات ترا آشکار نمودم
 در جماعت بزرگ کرم ترا و حقیقت ترا پنهان
 ۱۱ نکردم * تو ای خداوند رحمت‌های خود را از من باز
 ۱۲ نگیر تا کرم و حقیقت تو مرا دایم نگاه بدارند * بدرستی که
 بلاهای بیشمار مرا احاطه نمودند و معصیت‌های من مرا
 اینطور فرو گرفته اند که نمیتوانم نگریمست ز آن‌رو که
 از موهای سر من بیشترند و دل من نیز مرا واگذاشته
 ۱۳ است * خداوند از برای استخلاص من راضی
 ۱۴ شو پروردگارا بمعاوشت من شتاب کن * آن
 کسانی که جان مرا جستجو مینمایند تا او را هلاک
 بکنند بهم منفعل شده شرمندگی برند و آن کسانی
 که از بلاهای من خوشوقتند برگردانیده و رسوا گردند
 ۱۵ * و آن کسانی که بمن افسوس می‌بندند از برای تنگ
 ۱۶ خود خراب کرده شوند * تمامی طالبان تو خوشنود
 باشند و از تو مسرور شوند و آنانی که محبان نجات تو
 ۱۷ اند همیشه بگویند که عظیم باد خداوند * اگر چه من

بچاره و مسکینم لیکن خداوند در باره من فکری نماید
معاون من و منجی من توئی ای خداوند توقف مکن

زبور چهل و یکم سالار مغذیان مزمور داود

- ۱ خوشا حال آن کس که مسکین را ادراک نماید
- ۲ خداوند او را در ایام بلا مخلص خواهد کرد * خداوند او را محافظت خواهد کرد و او را زنده خواهد داشت
- ۳ در زمین خجسته خواهد بود و او را بخوابش و شمنانش تسلیم نخواهد نمود * خداوند او را بر بستر سقم پناه خواهد بود (خداوند) در بیماری او تمامی فرشتش را درست
- ۴ خواهی گردانید * من گفتم که خداوند مرا رحمت کن و بجان من شفا ببخش زیرا که بخلاف تو گناه کردم
- ۵ * دشمنان من در حق من تکلم می نمایند که کسی او
- ۶ خواهد مرد و اسمش کم خواهد شد * کسی اگر از برای ملاقات من آید فریانه متکلم می شود و دل او از برای خود بدی را فراهم آورد بیرون میرود و خبر

۷ میدهد * تمامی مبغضان من بیکدیگر در خید من
 نجوی میگویند و بلای مرا بر من حساب میکنند
 ۸ * که مرض فاسد بر او ریخته شده است چون که
 ۹ خوابید نمیتواند بر خیزد * و نیز آن کسی که مشفق
 من بود و باد متوکل بودم و نان مرا خورد بر من
 ۱۰ پامی خیانت را بلند کرد * و تو ای خداوند مرا رحمت
 ۱۱ بفرما و مرا بر خیزان تا بایشان عوض نایم * ازین
 میدانم که از من خوشنودی زیر آکه دشمن من بر
 ۱۲ من فخر نمایند * و نسبت بمن در ساد دلی من
 معاونت نمودی و در حضور خود مرا قیوم ساختی تا
 ۱۳ باید * مبارک باد خداوند و خدای اسرائیل از ازل
 تا باید آمین آمین

زبور چهل و دوم

سالر مغذیان تعلیم از برای فرزندان قارون

۱ ای خدا بطوری که چون آه از برای آبهای جاری
 منتظر است بهمین طریق جان من منتظر تست

- ۲ * جان من از برای خدا بل خدای حتی تشنه است
که کسی خواهم آمد و در حضور خدا نمودار خواهم گشت
- ۳ * اشکهای من روز و شب مرا عوض نان شده هنگامی
۴ که هر روزه بمن میگویند که خدای تو کجاست * اینهارا
بمخاطره آورده ام و (آرزوی) جان خود را بپسردن میریزم تا
آنکه چون گروه عید نمایند بگذرم (بخیمه) و باواز سرور
۵ و شکر گذاری ایشان را بخانه خدا روان نمایم * ای جان
من پیرا منهنی میشوی و در اندرون من چرا مضطرب
میکردی متوکل بخداوند باش زیرا که هنوز او را شکم
۶ خواهم کرد که منجی ذات من است * یا الهی جان
من در اندرون من منهنی میشود ز آنرو در زمین
اردن و خرموئیان و از کوه مصر ترا بمخاطره خواهم آورد
۷ * موج بموج در آواز تلاطمهای تو فریاد میکند تمامی
۸ شکستهای امواج تو بر من عبور نمایند * در روز
خداوند رحمت خود را عطا خواهد فرمود و در شب سرود او
با من خواهد بود و دعای من با خدای حیات من است

۹ * بخدا میگویم که ایگوه من از برای چه مرا فراهموش
 ۱۰ کردی چرا که از ظلم دشمن غمگین میروم * زمانی
 که شمشیر در استخوانهای من است اعدای من
 مرا فحش میدهند و هر روز میگویند که خدای تو
 ۱۱ کجاست * ای جان من چرا منهنی میشوی و در
 اندرون من چرا مضطرب میگردی متوکل بخداوند
 باش زیرا که هنوز او را شکر خواهم کرد که منجی ذات
 من و خدای من است

زبور چهل و سیم

۱ خدا یا حکم برای من کن و دعوی مرا تفتیش کن
 و از طائفهٔ بیرحم و آدم محیل و فسادکننده مرا منخلص
 ۲ کن * بدرستی که خدای مقوی من تویی و مرا از چه
 سبب دور میگردانی چرا نوحه کنان در هنگام ظلم
 ۳ نمودن دشمن بروم * نور خود و حقیقت خود را بفرست
 تا آنها مرا رهبری نمایند و در کوه قدس تو در خیمه‌های

۴ تو مرا روان بگردانند * بقریله نگاه خدا خواهیم رفت که
خدا سرور و شادمانی من است و بر بر بطن ترا شکر
۵ خواهیم نمود ای خدای من واله من * ای جان من
چرا منهنی می شوی و چرا در اندرون من مضطرب
میباشی بخدا متوکل باش زیرا که هنوز او را شکر
خواهم کرد که منجی زات من و خدای من است

زبور چهل و چهارم

۶ سالار مغنیان تعلیم از برای فرزندان قارون
۱ خداوند ا بگو شهای خود شنیدیم و پدران ما با خبر دادند
عملی را که در ایامهای ایشان و در ایامهای قدیم بجا
۲ آوردی * تو بدست خود طوایف را بیرون کردی
و ایشان را نشاندی و قبایل را مبتلا کردی و ایشان را
۳ شگفته گردانیدی * زیرا که نه بشمشیر خود زمین را وارشی
کردند و نه بازوی شان ایشان را نجات داد مگر بمحبت
تو و بازوی تو و نور دیدار تو بسبب آنکه از ایشان
۴ رضامند بودی * خدایا تو خود آنی که پادشاه منی نجاته‌ها را

- ۵ به یعقوب مقرر بقرا * مجد تو دشمنان ما را خواهیم راند
 و باسم تو کسانی که در ضد ما بر میخیزند پایمال خواهیم
 ۶ کرد * زیرا که از کمان خود امیدوار نخواهم شد و شمشیر
 ۷ من بمن نجات نخواهد داد * ز آنرو که ما را از دشمنان
 ما نجات دادی و مبغضان ما را شرمسار گردانیدی
 ۸ بخدا در تمامی روز فخر خواهیم نمود و باسم تو شاکر
 ۹ خواهیم شد تا باده سله * بدرستی که ما را در نمودی و شرمسار
 ۱۰ گردانیدی و با لشکریهای ما میرومی * ما را از دشمن عقب
 می نشانی و مبغضان ما از جهت خودشان ما را عارت می
 ۱۱ نمایند * ما را مانند گوسفندان اطعمه تسلیم کردی و در
 ۱۲ میان طوایف ما را پراکنده نمودی * مخلوق خود را
 بیفایده فروختی و از قیمتهای ایشان (بمال) خود
 ۱۳ نیتزدی * ما را مطعون بهمسایگان ما و مسخره و مضحکه
 ۱۴ بآن کسانی که در اطراف ما میباشند گردانیدی * ما را
 مثل در میان طوایف و جنبانیدن سر در میان
 ۱۵ خلقان نمودی * ننگ من هر روزه در نظر من است

- ۱۶ دشترم روی من مرا مستور نموده است * بسبب
 طعن کننده دشنام دهنده و برای انتقام کردن دشمن
 ۱۷ (بر من) * اینها همه بار رسیده است و ترا فراموش نکردیم
 ۱۸ و در عهد تو کذب ننمودیم * از راههای تو دل ما بر
 ۱۹ نگردیده است و پایی ما مخرف نرفته است * اگر چه
 ما را در مقام اژدر با شکسته گردانیدی و سایه مرگ را
 ۲۰ بر ما پوشانیدی * مگر اسم خدای ما را فراموش کردیم
 ۲۱ و دستهای خود را بسوی خدای دیگر بلند کردیم * آیا
 این را خدا تفتیش نخواهد کرد زیرا که او عارف راههای
 ۲۲ دل است * بدرستی که همه روز از بهر تو بقتل
 رسانیده میشویم و مانند گوسفندان ذبیح شده میشویم
 ۲۳ * خداوند را بیدار باش چرا می غنوی بر خیز و دور نباش
 ۲۴ تا باید * چرا روی خود را پنهان می نمائی ظلم ما را دستم
 ۲۵ ما را فراموش میکنی * زیرا که جان ما بخاک منهنی
 ۲۶ شده است و بدن ما بزمین چسبیده، برای معاوضت
 ما بر خیز و بسبب رحمت خود ما را هدیه کن

زبور چهل و پنجم

سالار مغنیان در حق سوسنهای تعلیم از برای فرزندان
قارون سرود محبتها

- ۱ دل من از سخن نیکو میجوشد و عمل خود را پادشاه
عرضه میکنم زبان من مانند قلم نویسنده حاضر است
- ۲ * زیباتر از بنی آدم هستی و مهربانی بر لبهای تو ریخته
شده است ز آنرو که خدا بتو برگزیده داده است تا
- ۳ باید * ای صاحب قوت بجلال تو و بزرگی تو شمشیر
۴ خود را بکمر خود به بند * و بر عظمت خود در باره
- ۵ حقیقت و حلم و عدالت بختیارانه سوار شو که بمین
تو چیزهای مخوف را بتو نشان خواهد داد * تیرهای
- ۶ تو تیز در دل دشمنان پادشاه میباشد تا خلفان
زیر (دست) تو بیفتند * خدایا کرسی تو تا ابد الابد
- ۷ است و عصای ملک تو عصای عدالتست * صدق را
دوست داشتی و شر را بغض نمودی ز آنرو که خدا

- خدا می تو از روغن شادمانی بیشتر از رفیقان تو ترا
 ۸ چرب کرد * تمامی رخت‌های تو از مر و عود و سلیخه اند
 از قصرهای عاجی. بجهت شاد گردانیدن تو (می آورند)
 ۹ * دختران پادشاهان و دوشیزگان مغرر تو حاضرند و بگم
 ۱۰ بیمین تو در زر او فرایستاده * امی دختر بشنود به بین
 و گوش خود را واکن کسان خود و خانه پدرت را
 ۱۱ فراموش نما * آنگاه پادشاه آرزومند حسن تو خواهد شد
 ۱۲ او را تعظیم بکن از آنجا که صاحب نُسْت * و دختر
 صور با تحفه (خواهد آمد) و خلقان دولتمند دعا گوئی
 ۱۳ نعمت تو خواهند بود * دختر پادشاه بالکلیه صاحب
 جلال است که لباس اندرونش از بافته‌های زریست
 ۱۴ * و در محضیپ‌های گوناگون بیش پادشاه آورده خواهد
 شد و دوشیزگان رفیقان او در عقبش میروند و بیش
 ۱۵ تو راه خواهند یافت * بعیش و وجد آورده خواهند شد
 ۱۶ و بدرگاه پادشاه داخل خواهند گشت * عوض پدران تو

فرزندان پیدا خواهند شد و ایشان را در تمامی زمین سرشاران
 ۱۷ خواهی گردانیم * اسم ترا یشت به یشت مذکور خواهم
 کرد و ز آنرو که خلقان شاکر تو خواهند گشت تا ابد الابد

زبور چهل و ششم

سالار مغنیان از برای فرزندان قارون و سرود در حق سرها
 ۱ خدا ملجا و قوت ماست هنگام تنگ و سستیها معین
 ۲ عظیمی پیدا خواهد شد * ازین سبب اگر چه زمین
 متزلزل شود و کوهها از جا بقلب دریا افکنده شوند
 ۳ نخویم ترسید * اگر آبهایش خروشان و مضطرب
 ۴ گردند و کوهها از تموجش لرزان بشوند سلمه * رودخانه
 ایست که سیلهایش مدینه خدا را و مسکنهای قدس
 ۵ تعالی را مسرور میگردانند * متحرک نخواهد گشت
 که خدا در اندرون اوست و خدا در طلوع صبح یاری
 ۶ خواهد نمود * طوایف غوغا کردند و ممالک متحرک
 ۷ گشتند باوازش فرمان داد زمین گداخته شد * خداوند
 لشکرها با ماست و خدای یعقوب سرافرازی ماست

۸ سلو * بیایید و اعمال خداوند را ببینید که چه خرابیها
 ۹ در زمین کرده است * پانجم زمین جنگها را موقوف
 میگردد و کمان را می شکند و نیزه را منقطع میکند
 ۱۰ و عرابها را از آتش می سوزاند * خاموش باشید و بدانید
 که من خدایم در میان طوایف مرفوع خواهم شد و در
 ۱۱ زمین بلند خواهم گشت * خداوند لشکرها با ما است
 و خدای یعقوب سرافرازی ما است سلو

زبور چهل و هفتم

سالار مغنیان مزمور از برای فرزندان قارون
 ۱ ای تمامی خلقتان دست افشایید و بخدا باواز ظفر
 ۲ صدا زنید * زیرا که خداوند تعالی مهیب است
 ۳ و پاؤشاه عظیم بر تمامی زمین * خلقتان در تحت ما
 ۴ و قومها را زیر پای ما فرو خواهد آورد * میراث را از
 چپته ما خواهد برگزید از سرافرازی یعقوب که او را
 ۵ دوست داشته است سلو * خدا بغریو (خلایق) صعود
 نموده است و خداوند باواز کتره نامی * بسراید خدا را

- ۷ بسرائید بسرائید پادشاه ما را بسرائید * از آنجا که خدا
 ۸ پادشاه تمامی زمین است عاقلانه بسرائید * خدا بر طوایف
 مسلط است و خدا بر کرسی قدسش می نشیند
 ۹ * بزرگان خلقت جمع شده اند (یعنی) خلق خدای ابراهیم
 زیرا که سپهرهای زمین از آن خدا است که بسیار
 رفیع است

زبور چهل و هشتم

سرود و مزمور از برای فرزندان قارون

- ۱ خداوند عظیم است و بسیار ستایش کرده میشود در
 ۲ شهر خدای ما و کوه قدسش * خوش وضع است
 کوه صیهون که خوشنودی تمامی زمین است در
 ۳ طرف شالیش شهر پادشاه عظیم است و دور
 ۴ قصرایش خدا بملجا معروفست * زیرا که اینک
 پادشاهان مجتمع شدند و عبوراً با هم دیگر گزشتند
 ۵ * و ایشان دیدند ز آنرو متعجب شدند و مضطرب
 ۶ گردیدند و بشتاب رفتند * آنجا لرزش و درد مانند

- ۷ میخاض بر ایشان مستولی گشت * کشتیهایی
 ۸ ترشیش را از باد مشرق شکستی * بطوری که شنیدیم
 بهمان طریق دیدیم در شهر خداوند لشکرها و در شهر
 ۹ خدای ما خدا او را ثابت خواهد کرد تا باید سلمه * ای
 خداوند در باره رحمت تو اندیشه نمودیم که در اندردن
 ۱۰ پیکل توست * مانده است ای خداوند تمجید تو
 تا بانجام زمین است و یحیی تو از عدالت مملو
 ۱۱ است * بسبب احکام تو (ساکنان) کوه صیهون
 ۱۲ خوشنود باشند و دختران یهو را وجد نمایند * صیهون را
 بگردید و او را دور بکنید و برجهایش را حساب کنید
 ۱۳ * دل خود را بر حصارش بنهید و قصرایش را ملاحظه
 ۱۴ نمائید تا آنکه بذرتیت آخرین خبر بدهید * زیرا که این
 مخدای خدای ماست تا ابد الابد واد مارا تا (وقت)
 مرگ رهبری خواهد نمود

زبور چهل و نهم

سالار مغنیان از برای فرزندان قارون

- ۱ امی تمامی خلقان این را بشنوید وای جمیع ساکنان
- ۲ جهان گوش بکنید * هم فرزندان عام و هم فرزندان
- ۳ خاص و هم غنی و هم فقیر * دهن من حکمتها را نکلم
- ۴ و دل من عقلها را تفکر خواهد نمود * گوشم را
- ۵ بمثل وای خواهم کرد و معما خود را بر بربط فتح خواهم
- ۶ نمود * در روزهای بلا چرا خواهم ترسید با وجود آنکه
- ۷ ظلم آن کسانی که در ضد من حیلہ می بندند مرا
- ۸ احاطه نماید * آن کسانی که بمال خود متوکلند و فخر
- ۹ بر بسیاری دولت خودشان می نمایند * کسی برادر خود را
- ۱۰ بفدا و فدیہ خلاص نتواند نمود و از جهتش بخدا کفاره
- ۱۱ نمی تواند داد * و فدیہ جان ایشان گران بهاست
- ۱۲ و آنکس که همیشه متوقف است * هم زنده خواهد
- ۱۳ شد و تا باید فساد را نخواهد دید * اگر چه به بیست و دانیان
- ۱۴ مانند نادان و بیعقل میسرند و هلاک می شوند و مال

- ۱۱ خود را بگریبان وا میگذارند * و متخیله ایشان (خطور می کند) که خانهای ایشان دایماً میباشند و مساکین ایشان پشت به پشت (باقیست) و نامهای خود را بر زمینهای خود میخوانند * و انسان در عزت باقی نمی ماند و مانند وحشیان است که منقطع می شوند
- ۱۲ * این راه ایشان از حماقت ایشانست و اولاد ایشان از دین ایشان خوشنودند سله * مانند گوسفندان در قبر انداخته می شوند و مرگ ایشان را شبانی مینماید و راستمدان در صبح بر ایشان تسلط خواهند یافت و صورت ایشان متبدل خواهد گشت و قبر مسکین ایشان خواهد بود * اما خدا جان مرا از دست قبر خلاص
- ۱۳ * نخواهد کرد زیرا که مرا می پسندد سله * هنگامی که کسی مغنی میگردد و چون جلال خانه اش می افزاید متعسر
- ۱۴ * به رستیکه هنگام مردنش چیرگی را نخواهد برد و عظامش در ققایی او نازل نخواهد شد * زیرا که
- ۱۵ زمان زندگانش خود را خوشوقت مینمورد اما (در

آخرت) ترا مدح خواهند نمود ز آنرو که از جهت خود
 ۱۹ عمل نیکو کردی * بسلسله پدرانیش ملحق خواهند
 گشت و تا باید نور را نخواهند دید * انسان که در عزتست
 و نمی فهمد ماخذ وحشیان است که منقطع باشند

زبور پنجاهم مزمور آصف

- ۱ خدای قوی و خداوند تکلم فرمود و زمین را از مطاع
- ۲ آفتاب تا بمغربش دعوت نمود * خدا از صهیون
- ۳ که حسن کامل دارد درخشان شد * خدای ما خواهد
- آمد و خواموش نخواهد بود و آتش در پیش او مشتعل
- ۴ و در اطرافش طوفان شده است * از فوق آسمانها
- و زمینها را بحکمرانی قومش دعوت خواهد فرمود
- ۵ * که ای مقدسان من مجتمع باشید که عهد مرا در
- ۶ ذبح کردید * و آسمانها صدقش را آشکار خواهند کرد
- ۷ زیرا که خدا خود قاضی است سلمه * ای قوم من
- بشنوید که تکلم خواهم نمود و ای اسرائیل که بر تو
- ۸ شهادت خواهم داد خدا واله تو منم * ترا از برای

- ۹ زنجهای تو و قربانیهای سوخته‌نی تو عتاب نخواهم کرد
 ۱۰ که همیشه در حضور من می باشند * گوساله را از خانه
 ۱۱ تو و بزها را از علفزار تو نخواهم گرفت * زیرا که تمامی
 جانوران جنگل و وحشیان بر کوههای که گاوان در
 ۱۲ ایشان میجزند از آن من است * تمامی طیور کوهها را
 ۱۳ من شناسم و وحش صحار با من است * اگر گرسنه
 شوم ترا خبر نخواهم داد زیرا که جهان و مملویش از
 ۱۴ آن من است * آیا گوشت گاوان را خواهم خورد
 ۱۵ و خون بز را خواهم آشامید * بخدا شکر را قربان کن
 ۱۶ و بتعالی نذر ترا ادا کن * و مرا در روز تنگدستی بخوان
 که ترا خلاص خواهم کرد و جلال را بمن وصف خواهی
 ۱۷ نمود * و خدا بشیرر میگوید که بچه ترا کار آید که حقوق
 مرا مشهور میسازی و عهد مرا بر دهن خود بر میداری
 ۱۸ و تو تعلیم را بغض نموده و سخنیهای مرا خود در
 ۱۹ تاخیر انداختی * اگر در دریا بنظر در آوری از اد
 ۲۰ خوشنودی و حصه تو با زناکاران است * دهن خود را

۲۰ بهدی وا میکنی وزبان تو خیلہ می بندد * می نشیننی
 و خلاف برادر خود حرف میزننی و خلاف فرزند مادر
 ۲۱ خود فحش میگوئی * این چیزارا بعمل آوردی
 و خاموش بودم پنداشتی که من نیز مانند تو میباشم
 ترا عتاب خواهم کرد و اینهارا پیش چشمهای تو خواهم
 ۲۲ گذاشت * الحال ای از خدا ناسیان این را بفهمید
 ۲۳ مباردا شمارا منقطع کنم و خلاص کنندهء نباشد * آنکس
 که شکر را ذبح می نماید بمن جلال را وصف می نماید
 و آنکس که راه خود را درست میسازد نجات خدا را
 باو نشان میدهم

زبور پنجاه و یکم

سالار مغنیان مزمور داود در هنگامی که به بیت شمع دخول
 کرده بود نائن پیغمبر نزد او آمد

۱ ای خداوند موافق رحمت خود مرا ترحم کن و مطابق
 ۲ کثرت رافت خود تجاوزهایی مرا محو کن * مرا بالکلیه
 از معصیت من بشوی و از گناه من مرا مطهر ساز

- ۳ * زیرا که من به تجاوزائی خود معترفم و گناهم همیشه در
- ۴ نظر من است * در ضد تو و مجبور خلاف تو خطا
- در زیم و بدی را در حضور تو بعمل آوردم تا آنکه زمان
- ۵ اقوال خود عادل و هنگام تحکم خود پاک باشی * اینک
- در معصیت مصور شدم و ادرم در گناه مرا حمل
- ۶ گرفت * اینک راستی را در دلها میخوایی و حکمت را
- ۷ بقلب من شناخته میگردانی * با زوفا مرا از گناه
- ۸ مصفی کن که مطهر گردم و مرا بشوی که از برف سفید
- ۹ تر خواهم گشت * مرا مستمع سرور و شادمانی بگردان
- تا استخوانهای که ایشان را شکسته بود آینه روی
- خود را از گناه من مستور کن و تمامی معصیتهای مرا محو
- ۱۰ ساز * ای خدا در من دل پاک را خلق کن و در
- ۱۱ اندرون من روح راست را تازه کن * مرا از حضور
- ۱۲ خود دور مکن و روح قدس خود را از من بگیر * بمن
- خوشنودی نجات خود را باز برگردان تا روح اعتاق
- ۱۳ مرا معاونت کند * به تجاوزان طریقههای ترا تعلیم

خواهم داد و گناه کاران بسوزی تو برگشته خواهی شد
 ۱۴ * ای خدا و اله منجی من مرا از خونها متخلص کن
 ۱۵ که زبان من صدق ترا وصف خواهد نمود * پروردگارا
 لبهای مرا داکن که دهن من وصف ترا آشکار
 ۱۶ خواهد کرد * زیرا که ذبح را قبول نمیکنی و گرنه خواهم
 ۱۷ ادا کرد از قربان سوختنی راضی نیستی * روح محزون
 ذبجهای خداست و خدا دل شکسته و غمگین را حقیر
 ۱۸ نخواهد نمود * در رضایت خود نیکوئی را بصیہون مقرر
 ۱۹ فرما و دیوارهای اورشلیم را بنا کن * آنزمان از ذبجهای
 صدق و قربان سوختنی و تمام سوختنی خوشنود خواهی
 بود آنگاه گوساله را در مذبح تو قربان خواهند کرد

زبور پنجاه و دوم

سالار مغنیان تعلیم داد در هنگامی که دو گت ادویتی
 آمد و بسال خبر داد و او را گفت که داود بخانه
 آحیمیلک آمده است

۱ ای صاحب تکبر چرا در بدی فخر می نمائی هر روزه

- ۲ میوبانی خدا (با من است) * ای حیله کننده ماخذ استره
- ۳ تیز زبان تو ضررا اندیشه مینماید * بدر از نیکو
- ۴ و کذب را از راست ترجیح میدهی * ای از زبان
- ۵ محیل تمامی حرفهای متضرر را دوست میداری * هم
- خدا ترا هلاک خواهد کرد تا باید و ترا ریزه ریزه خواهد
- کرد و از خیمه تو ترا بیرون خواهد افکند و ترا از زمین
- ۶ زندگانی خواهد کند سله * صدیقان خواهند دید و ترسان
- ۷ خواهند گشت و بر او تبسم خواهند نمود * که اینک آنست
- کسی که خدا را قوت خود نمیگرداند و بکثرت دولت
- ۸ خود متوکل بود و از ظلم خود استوار کرد * و من در
- خانه خدا مانند درخت زیتون پر برگم و بر رحمت
- ۹ خدا متوکلیم تا ابد الابد * تا باید شاگرد تو خواهیم بود
- ز آنرو که تو بعمل آوردی و از نام تو منتظریم زیرا در
- نظر مقدسان تو نیک است

زبور پنجاه و سیم

سالار مغنیان تعلیم داود بر امراضها

- ۱ ابله در دل خود گفته است که خدا نیست تباه می شوند و معصیت پلید بعمل می آورند و نکو کننده
- ۲ نیست * خدا از آسمانها بر فرزندان آدم فکر نیست
- ۳ که بنظر آید کسی که فهم کند یا طالب خدا باشد * تمامی ایشان واپس برگشتند و همه گندیده می شوند نکو
- ۴ کننده نیست یک کس هم نیست * ایا فساد کنندگان نمیفهمند که قوم مرا متادل می نمایند چون
- ۵ نان را میخورند و خداوند را نمیخوانند * در جائی که خوف نبود بغایت مخوف گردیدند زیرا که خدا استخوانهای
- آنکس را که بر تو خیمه زد پراکنده کرده است تو
- ایشان را شرمسار گردانیدی ز آنرو که خدا ایشان را حقیر
- ۶ نمود * ایا کیست که نجات اسرائیل را از صیهون خواهد
- دار زمانی که خداوند اسیر قوم خود را رد کند یعقوب
- خوشحال خواهد گردید و اسرائیل مسرور خواهد بود

زبور پنجاه و چهارم

سالار مغتیبان تعلیم داود بر تارهای ریشمانی در هنگامی
که زبغیان آمدند و بساؤل گفتند که آیا داود خود را در میان
ما مستور کرده است

- ۱ ای خدا با اسم خود مرا نجات بده و بقوت خود از جهنم
 - ۲ من حکم بفرا * ای خدا دعای مرا بشنو و سخنان
 - ۳ دهن مرا اصغاکین * زیرا که غریبان در ضد من
 - مقاومت می نمایند و مخوفان حال مرا تجسس میکنند
 - ۴ خدا را در نظر خود نمی آرند سله * اینک ناصر من
 - ۵ خداست و خداوند بایاران جان من است * ببری را
 - بدشمنان من بر میگردد و ایشان را براستی خود
 - ۶ منقطع کن * از رضامندی بتو قربان خواهم کرد ای
 - خداوند شاکر اسم تو خواهم بود زیرا که نیکوست
 - ۷ * بدرستی که مرا از هر تنگ دستی آزاده کرده است
- و چشم من بر دشمنان من خواهند تگرست

زبور پنجاه و پنجم

سالار مغزیان تعلیم داود بر ترهای ریسمانی

- ۱ خدایا دعای مرا اصفا کن و از تضرع خود مستور مکن
- ۲ * بمن متوجه شو و مرا مستجاب کن که از اندیشه
- ۳ کاهیده شده و ناله می‌نمایم * و بسبب آواز دشمن از روی
- ظلم شریک زیراکه بر من بدی را می‌اندازند و بغیض بر
- ۴ من کینه می‌کنند * دل من در اندرون من درد
- ۵ می‌کند و خوفهای مرگ بر من افتاده است * بر
- من ترس و رعب رسیده و مرا هیبت مستور کرده
- ۶ است * و گفتم که کیست که مرا مانع کبوتر بال خواهد
- ۷ داد که بپریم و ساکن شوم * در اینصورت من فراراً
- ۸ دور میشوم و در بیابان بر می‌بروم سلع * رستگاری
- ۹ خود را از باد تند و از طوفان ستابان می‌نمودم * خداوند
- زبان ایشان را ببر و جدا بکن ز آنرو که در شهر ستم
- ۱۰ و ستیزه ایشان را دیدم * که روز و شب که او را از راه
- دیوارش دور می‌نمایند و برای اندرونش بلا و محنت

- ۱۱ همیشه باشند * در اندرونش ظلمهاست و از کوچهایش
- ۱۲ فریب و غدر اخراج نمیشوند * ولیکن آن کس که مرا
فحش داد (ظاهراً) دشمن من نبود و گرنه متحمل نمیبودم
و آنکس که بر من فخر می نمود آشکار مبغض من نبود
۱۳ و گرنه از آن مستور می شدم * اما ای مرد تو مانند خودم
۱۴ محرم من و رفیق من بودی * ما از هم دیگر نصیحت
شیرین میگرفتیم و بخانه خدا در میان کرده رفتار نمودیم
۱۵ * مرگ بر ایشان برسد و زنده بقبر فرد بودند زیرا
که بدکاری در مکان ایشان و در اندرون ایشانست
۱۶ * و من بخدا دعوت خواهم کرد و خداوند مرا نجات
۱۷ خواهد داد * صبح و شام و ظهر متفکر خواهم شد و تالش
۱۸ خواهم کرد و مرا مستجاب خواهد فرمود * جان مرا از
جنگ خد من در امان نگاهدارد ز آنرو آن
کسانی که بجبهه من ایستادند در عوض بسیاری می
۱۹ باشند * خدا خواهد شنید و آنکس که از قدیم باقیست
ایشان را مبتلا خواهد کرد سلمه بایشان انقلاها نیست

۲۰ و از خدا نمی ترسید * بخلاف صالح اندیشانی خود
 ۲۱ دستهایش را دراز کرد عیبه خود را شکست * و هوش
 از مسکه چرب گوشت و قلبش از جنگ پر است
 و کلامش سست تر از روغن و همین (کلمات) چون
 ۲۲ شمشیر کشیده (میباشند) * اندیشه خود را بخداوند وا
 گذار که او ترا حیانت خواهد نمود و صدیق را متزلزل
 ۲۳ نخواهد کرد تا باید * و تو ای خدا ایشان را بچاه هلاک
 فرو خواهی برد و مردمان خونریز و فریبند روزهای
 خودشان را نصف خواهند کرد و من متوکل بتو ام

زبور پنجاه و هشتم

سالار مغنیان بر کبوتر خموش و در جایهای دور تصنیف
 داد در هنگامی که فلسطیان او را در شهر گشت گرفتند
 ۱ خداوند بر من رحم کن زیرا که انسان مرا میخواهد
 ۲ به بلعد هر روزه (عدو) بر من ظلم مینماید * و دشمنان
 من هر روزه مرا خواهش بلعیدن دارند بدرستی که
 کسان بسیارند که از تکبر بر من جنگ می نمایند

- ۴ * پرورزی که من مخوفم بتو پناه خواهم آورد * بخدا
 کلامش را حمد خواهم نمود و بخدا متوکلم و نخواهم ترسید
 ۵ از آنچه بشر در ضد من بعمل آورد * هر روزه بعکس
 سخنهای مرا می بیچانند و تمامی اندیشههای ایشان در
 ۶ حق من از برای ضرر است * ایشان مجتمع
 میگردند و خود را پنهان میکنند و نشان پایمی مرا می
 ۷ نگرند زیرا که منتظر جان منند * از جهت ایشان
 ۸ امید رستگاری به بهبودگی است ای خدا در غیظ (خود)
 خلقان را تنزل بگردان * تو انتقال مرا محسوب
 مینمائی و آشکهای مرا در شیشه خود میگذاری آیا
 ۹ (آنها) در وقت تو (ثبت) نیستند * هنگامیکه مشقول
 دعوتم آنگاه دشمنان من بعقب خواهند برگشت
 ۱۰ این را میدانم که خدا از آن من است * بخدا کلامش را
 حمد خواهم کرد و پروردگار کلامش را تسبیح خواهم
 ۱۱ نمود * بخدا متوکلم و نخواهم ترسید از آنچه انسان در
 ۱۲ ضد من بعمل آورد * ای خدا نذر تو بر من است

۱۳ وبتو حمد را عود خواهم نمود * بدرستی که جان مرا از
مرگ خلاص کردی آیا پایی مرا از لغزش استوار
نخواهی کرد تا آنکه بنور زندگانی در حضور خدا رفتار نمایم

زبور پنجاه و هفتم

سالار مغنیان غیر مهملک تصنیف داود هنگامی که

از نزد ساول یمغاره گریخت

- ۱ ای خدا بمن رحم کن و بمن ترحم بنما زیرا که جان
من بتو پناه آورده است و بر کنف اجنه تو
- ۲ پناه می آورم تا بلا بگذرند * خدائی تعالی را خواهم خواند
- ۳ آن خدای که بر من می پردازد * (نصرت را) از آسمانها
خواهد فرستاد و مرا مختلص خواهد کرد و بلع کننده
مرا رسوا خواهد گردانید سله خدا رحمت خود و وفا می
خود را خواهد فرستاد * جان من در میان شیرها و من
در میان فرزندان آتشبار انسان میخوابم که دندانهای
اینها نیزه و تیر اندوزان شان شمشیر تیر است
۵ * ای خدا بر فوق آسمانها و بر تمامی زمین جلال خود را

- ۶ مرفوع نما * دام را از برای قدمهای من گذاشتند و جان من منهنی است از جهت من چاه را کنند و در
- ۷ میانش در افتانند بسله * ای خدا دل من آماده دل
- ۸ من میباشد تا مزبور را بسرایم و بخوانم * ای جلال من بر خیز و بر خیز ای چنگ و بر بط که در صبح خواهم
- ۹ بر خواست * ای خداوند در میان خلقان شاکر تو
- ۱۰ تا خواهم بود و در میان قومها ترا مزبور خواهم کرد * زیرا که رحمت تو تا آسمانها و حقیقت تو هم تا سپهر بزرگست
- ۱۱ * ای خدا بر فوق آسمانها و بر تمامی زمین جلال خود را مرفوع بنما

زبور پنجاه و هشتم

همالار مغنیان غیر مهلك تصنیف داود.

- ۱ * ای جماعت آیا فی الحقیقه بصدق تکلم مینمائید و ای
- ۲ فرزندان انسان آیا براستی فتوی میدهید * یقین
- ظالم را از دل در زمین بعمل می آورید وستم رستههای
- ۳ خود را می سنجید * منافقان از رحم بیگانه اند و کاذبان از

۴ رحم کجبرفتاری می نمایند * زهد ایشان مانند زهد بنابر
 ۵ است و مانند افعی کر که گیشش را به بندد * که آواز
 مسخر کننده گان را که افسون کنان افسونهای
 ۶ حکمتانه می نمایند نشنود * امی خدا دندانهای شان را
 در دهن ایشان بشکند خداوند دندانهای نیش شیر
 ۷ بچگان را بکسل * بگدازند مانند آبهای که از خود
 جاریست اگر نیرهای خود را بزه کنند (بفرما) که مثل
 ۸ خورده ریز ریز گردند * مانند حلزون گداخته ضایع
 شوند مثل طفل نارسیده زن که آفتاب را به بینند
 ۹ * پیش از آنکه دیگهای شا (آتش) خارا را در یابد
 ۱۰ گودباد ایشان را قر و خشک خواهد بود * هنگامی که
 صدیق انتقام را بیند خوشنود خواهد بود قدهمایش را
 ۱۱ در خون مسافق خواهد شست * و مردمان خواهند
 گفت که فی الحقیقه اجر از برای صدیق است
 بتحقیق خدا بر زمین تحکم مینماید

زبور پنجاه و نهم

سالار مغنیان غیر مهلت تصنیف داود هنگامی که ساور
 قریستاده خانه اش را احاطه نمودند تا که او را بقتل رسانند
 ۱ ای خدای من مرا از دشمنان من مخلص کن و مرا
 حمایت بکن از آن کسانی که در ضد من بر میخیزند
 ۲ * مرا از فساد کنندگان مخلص کن و مرا از مردمان
 ۳ خونخوار نجات بده * زیرا که از برای جان من اینک
 در گمینه و زور آوران در ضد من مجتمع میباشند
 ۴ نه از جهت تجاوز من و نه از جهت گناه من ای خداوند
 ۵ * بی سبب میدوند و خود را آماده می سازند بدعوت
 ۶ من بیدار باش و به بین * و تو ای خداوند و خدای
 ۷ لشکر خدای اسرائیل هستی از برای معیاری تمامی
 ۸ طوایف بیدار باش و تمامی آن کسانی که بخیر
 ۹ معصیت را بعمل می آورند رحمت منما سلمه * شبانگاه
 ۱۰ بر میگرددند و مانند سگان مشغله می کنند و شهر را دور
 ۱۱ مینمایند * اینک از دهن ایشان میجوشند و در لبهای

- ایشان شمشیر است زیرا میگویند که کیست که خواهد
 ۸ شنید * و تو ای خداوند ایشان را استهزا خواهی نمود
 ۹ و تمامی طوایف تمسخر خواهی کرد * ایشان زور آورند
 ای خدا بر تو خواهیم نگرید زیرا که تو ملجأ منی
 ۱۰ * خدای رحیم من در پیش من خواهد آمد و خدا مرا
 ۱۱ بدشمنان من متبصر خواهد گردانید * ایشان را بقتل
 مرسان تا آنکه قوم من فراموش نکنند و بقوت
 خود ایشان را پراکنده بگردان و ای خداوندی که سپر
 ۱۲ مائی ایشان را بزمیر آور * از برای خطای دهن ایشان
 و سخن لبهای ایشان در (زمان) غرورشان گرفتار
 ۱۳ شوند و بسبب لعنت و کذب مشهور بگردند * معدوم
 کن در غیظ ضایع کن تا ایشان نیست شوند و بدانند
 که خدا بر یعقوب تا انجابه های زمین مسلط است
 ۱۴ * و شبانگاه بر میگرددند و مانند سگان مشغله می کنند
 ۱۵ و شهر را دور می نمایند * ایشان از برای خوراک بگردند
 ۱۶ و اگر سیر نشوند همه کنند * و من قوت ترا حمد

خواهم کرد و در صبح کرم قراهِ شکر خواهم نمود زیرا که
 ۱۷ در یوم تنگدستیم ملجأ وامن من بودی * ای قوت
 من بشو خواهم سرود زیرا که ای خدا ملجأ منی و خدای
 رحیم منی

زبور شصتم

سالار مغتیاں بر گواهی سوسن تصنیف داود از برای تعلیم
 ۱ هنگامی که بآرم نهریم و بآرم صوبه دعوا کرد زمانی که یواب
 باز گشت نمود و در دره نمک ده هزار آدمی را کشت
 ۲ ای خدا ما را دور انداخته و ما را شکسته و غضبناک
 شده بنزد ما باز گشت بنما * زمین را متزلزل گردانیدی
 و او را چاک چاک کردی شکافهایش را درست کن
 ۳ زیرا که میلرزد * قوم خود را ستمیده گردانیده و ما را
 ۴ شراب سرگرانی نوشانیده * علم را بخائنان خود
 عطا فرمودی تا آنکه از روی راستی بلند شود سله
 ۵ * بچین خود را منجی بگردان و مرا استجابت کن تا
 ۶ برگزیدگان تو مختلص شوند * خدا بقدرش تکلم

فرمود که خوشنود خواهم بود (ولایت) شکم را تقسیم خواهم
 نمود و ذره سکوت را خواهم پیسود * گله از آن من
 است و منسه از من و افرائیم قوت سر من دیوده
 ۸ شارب من است * (ولایت) موآب و یک شستن
 من است و بر اودم نعل خود را خواهم انداخت و ظفر
 ۹ بر فلسطان خواهم بود * کیست که مرا بشهر محکم
 راهبری خواهد نمود کیست که مرا بادوم خواهد آورد
 ۱۰ * مگر تو خدا یا که مرا دور گردانیده (راهبری نخواهد
 نمود) وای خدا با لشکری ما موافقت نخواهی فرمود
 ۱۱ * از تنگدستی بیا نصرت عطا کن که یاری انسان
 ۱۲ یاطل است * بآمداد خدا دلیری خواهیم کرد که او
 دشمنان ما را پایمال خواهد گردانید

زبور شصت و یکم

سالار مغنیان از آن داود بر تارهای ریسمانی

۱ ای خدا آواز مرا استماع بفرما و بتضرع من متوجه باش
 ۲ * از انجام زمین هنگامیکه دل من اندوهناک شده

۱ ایست ترا خواهم خواند بگویی که از من بلند تر است
 ۲ مرا راهبری خواهی نمود * زیرا که بسبب دشمن از
 ۳ برای من پناه و برج محکم بودی * در خیمه تو تا
 ۴ باید بر خواهم بود و در پوشش اجخته تو پناه خواهم
 ۵ آورد سله * زیرا که تو ای خدا نذر مرا شنیدی
 ۶ و میراث خائفان اسم خود را بمن عطا فرمودی
 ۷ * آیهایی را بر عمرهای پادشاه افزایش و باینطور
 ۸ سائهمایش را پشت به پشت خواهی آورد * در حضور
 ۹ خدا تا باید مسکن خواهد نمود رحمت درستی را مقرر
 ۱۰ بفرمان او را محافظت نمایند * پس شاگرد اسم تو همیشه
 ۱۱ خواهم بود تا یوما فیوما نذر خود را ادا کنم

زبور شصت و دوم

سالار مغزیان بریدوئن مزمور داود

۱ جان من محجّر. خدا منتظر است و نجات من از
 ۲ اوست * او محجّر کوه من و نجات من و ملجأ من
 ۳ است لغزش بسیار نخواهم نمود * تا یکی بر انسان هجوم

خواهیم آورد و بقتل رسانیده خواهیم شد و تمامی شما را
 ۴ و یوار ختم و پرده لرزان خواهیم شد * بمحجّر تدبیر
 مینمایند که (اورا) از بلندیش بنزیر اندازند و از کذب
 خوشنودند و بدین شان برکت و در اندردن شان
 ۵ لعنت میورزند سله * محجّر جان من بخدا منتظر
 ۶ است زیرا که ازو امید دارم * او بمحجّر کوه من
 و نجات من و ملجاء من است لغزش نخواهم کرد
 ۷ * نجات من و جلال من از خداست کوه قوی من
 ۸ و امید من خداست * ای خلق در هر زمان باد
 متوکل باشید (مطالب) دلهای خودتان را در حضورش
 ۹ بریزید که خدا از جهته ما پناهست سله * فرزندان
 عام محجّر در بطلائند و فرزندان خاص کذبند ایشان
 ۱۰ در فرار و پالکویه از بطلان سبکتر آیند * از ظلم اعتقاد
 نموده و در یغما فخر ننمایند چون مال فردن گردد
 ۱۱ دل خود را بر آن مبنید * خدا این را یکبار نکتم
 فرمود و من دوبار شنیدم که قوت از آن خدا است

۱۲ * وای خداوند رحمت از آن پُست زیرا که بهر کس
موافق عملش عود خواهی نمود

زبور شصت و سییم

مزمور داود زمانی که در بیابان یهودا بود

- ۱ ای خدا تو خدای منی در صبح ترا تجسس خواهم
- کرد و جان من از برای تو تشنه است و جسم من
- در زمین خشک و دیران بی آب بتو آرزو مند
- ۲ است * بدرستی که در مکان قدس متبصر تو بودم تا
- ۳ قوت ترا و جلال ترا به بینم * از آنجا که رحمت تو
- از حیات بهتر است لبهای من ترا حمد خواهد
- ۴ نمود * زیرا که در حیات خود ترا شکر خواهم نمود
- ۵ و باسم تو دستهای خود را بلند خواهم کرد * چنانکه
- ۶ جان من بمغز و پیمه راضی خواهد بود و دهن من
- ۷ بلبهای شادمانی حمد خواهد نمود * یقین بر بستم ترا
- بخطرتی آوردم و در پاسهای شب بتو متفکرم * زیرا که
- از برای من پناه بودی و در کنف اجنه تو خوشنود

- ۸ خواهم بود * روح من بتو موافقت دارد زیرا که بچین
 ۹ تو مرا نگاه میدارد * اما آن کسانی که متفحص
 جان منند بهلاکت نزدیکند و باسفلهای زمین
 ۱۰ خواهند رفت * بدستهای شمشیر سپرده خواهند شد
 ۱۱ خودشان حصه؛ رو بایان خواهند گردید * و پادشاه از خدا
 خشنود خواهد شد و هر کس که بخدا قسم خورد و فخر
 خواهد نمود و دهن دروغ گویان بسته خواهد شد

زبور شصت و چهارم سالار مغزیان مزمور داود

- ۱ ای خدا در هنگام دعای من آواز مرا استماع نما و از
 ۲ بیم دشمن جان مرا نگاه دار * مرا از مجلس بهکاران
 ۳ و از هنگامه؛ فسادکنندگان مستور بفرما * که ایشان
 زبان را مانند شمشیر تیز مینمایند و سخن ترش خود را
 ۴ مثل تیر بزه میکنند * تا پنهانی تیر را بمخلص
 ۵ اندازند ناگهان تیر را بحرف اندازند و فترسند * خود را
 به نیت شریر و لیر می سازند در باره پنهان کردن

۵ وادها مشورت میکنند میگویند کیست که مارا به
۶ بیند * اعمال بد را تفحص میکنند تفتیش کنان
تجسس را با تمام میرسانند اندرون دول هر یک از
۷ ایشان عمیق است * و خدا تیر را بر ایشان خواهد
انداخت و زخمهای ایشان ناگهان پدید خواهد آمد
۸ * و زبان خود را بر خودشان لغزان خواهند گردانید
و تمامی خلایقی که بایشان بنگرند از ایشان خواهند
۹ گریخت * و همه مردمان خواهند ترسید و عمل خدا را
آشکار خواهند کرد و کردار او را مفهوم خواهند ساخت
۱۰ * صدیق از خداوند خوشنود خواهد شد و باد امیدوار
خواهد بود و تمامی راستدلان مفتخر خواهند گردید .

زبور شصت و پنجم سالار مغنیان مزمور و سرود داود
۱ ای خدا حمد از برای تو در صیهون باقیست
۲ و ندور بتو ادا کرده خواهد شد * یا سامع الدعای
۳ جسمانیان نزد تو خواهند آمد * افعال معاصی بر من

- ۴ غالب آمدند تو تجارهای ما را تکفیر خواهی کرد * خدا
 حال برگزیده، و متقرب تو که در بارگاههای تو ساکن
 شود و از نیکوئی خانه تو (یعنی) بیگل قدس تو راضی
 ۵ خواهیم گردید * ای خدای منجی ما (دعای) ما را مستجاب
 بطور مهیب و موافق راستی کردی و پناه تمامی انجابهایی
 ۶ زمین و دوران از دریا می باشی * کوهها را که با استحکام
 ۷ بسته شده اند از قوت خود پایدار میکنی * تلاطم دریاها را
 و موج امواج شان و هنگامه طوایف را ممانعت مینمائی
 ۸ * و ساکنان انجابهایی (زمین) از عجایبات تو می
 ترسند و بیرون آمده گان صبح و شام را ستایش کننده
 ۹ میگرددانی * زمین را ملاحظه فرموده او را آبیاری
 مینمائی و آنرا بسیار غنی می سازی نهی خدا از آنها
 مملو است از چمنه ایشان غله را آماده میکنی
 ۱۰ زائر و که او را درست مهیا میگرددانی * کشت
 زارایش را و افرازه آبیاری نموده سطحش را مساوی
 میکنی و از امطار او را شاداب ساخته شایتش را

۱۱ نمک میوهی * سال را به نیکوئی مکمل میگردانی
۱۲ و راههای انهار را میریزند * و میچکانند بر علفزار صحرا
۱۳ و تلها بمسروری بسته شده اند * علفزارها بکله با مملو اند
و در آنها بقله با مستورند و از شادی ندا میکنند بدرستیکه
می سرایند

۱ زبور شصت و ششم سالار مغنیان سرود و همزبور

۲ ای (اهل) کل زمین مسرورانه بخدا بخروشید * جلال
۳ اسمش را بسرائید و وصفش را بلند بگردانید * بخدا
بگوئید که اعمال تو چه بسیار مخوفست و بسبب
عظمت قوت دشمنان تو ترا مطیعت خوانند گشت
۴ * (سکن) کل زمین فرا سجده خوانند کرد و بتو حمد خوانند
۵ مژمور و اسم ترا خوانند سرود سله * بیائید و افعال خدا را
نظر نمائید که کردارش از جهت فرزندان آدم مهیب
۶ است * بحر را منقلب بخشکی گردانید و از نهر پیاده
۷ عبور نمودند آنجا ازو شادمان گشتیم * در بزرگی خود

- تسلط خواهم داشت تا باید چشمهایش بطوایف
نگرانست و عاصیان خودشان را بلند نگر دارند سله
۸ * ای خلائق خدا را شکر بنمائید و آواز حمدش را مستمع
۹ سازید * که جان ما را بحیات مقرر میفرماید و پای
۱۰ ما را لغزش نمیدهد * که ای خدا ما را امتحان کردی و ما را
خالص گردانیدی آنچه نایکه نقره را خالص میگردانند
۱۱ * ما را بدام در آردی و محنت بر کمرهای ما نهادی
۱۲ * مروان را بر سر ما مرکوب گردانیدی و در آتش
و آب گزشتیم و ما را در (زمین) شاداب داخل نموده
۱۳ * در خانه تو قربانهای سوختنی داخل خواهیم گشت
۱۴ و نذر خود را ادا خواهیم نمود * لبهای خود را بایشان
۱۵ کشاده و در تنگدستی من دهن من نکلم نمود * قربانهای
سوختنی بیمه دار را با دود گوسفندهای نر متصاعه
۱۶ خواهم گردانید گاو و بز را ذبح خواهم نمود سله * ای
تمامی خائفان از خدا بیایید و بشنوید آنچه را که او از
برای جان من عمل نموده است آشکار خواهم کرد

۱۷ ربهین خود ادا دعوت کردم و (وصفش) از تحت
 ۱۸ اللسان من مرفوع شد * اگر در دل خود نراستی به
 ۱۹ بینم خداوند (مرا) استجابت نخواهد نمود * اما خدا (مرا)
 ۲۰ شنیده باواز تضرع من استجابت نمود * خجسته باشد
 خدا که تضرع مرا (ضایح) و رحمت خود را از من دور
 نکرده است

زبور شصت و هفتم

سالار مغنیان بر تارهای ریسمانی مزمور و سرود

۱ ای خدا بر ما رحمت بنمای و ما را برکت بده و درمی
 ۲ خود را بر ما درخشان بگردان سلمه * تا راه تو در زمین
 ۳ و نجات تو در میان تمامی طوائف معلوم شود * ای خدا
 خلائق بتو شکر نمایند و تمامی خلائق شاکر تو باشند * قومها
 ۴ شادمان باشند و وجد نمایند زیرا که خلائق را براستی
 حکم خواهی نمود و بر قومهای زمین تسلط خواهی
 ۵ راند سلمه * ای خدا خلائق بتو شکر نمایند و تمامی خلائق
 ۶ شاکر تو باشند * زمین ثمره خود را خواهد داد و خدا

۷ والہ ما بجا برکت ارزانی خواهیم فرمود * خدا بجا برکت
: خواهیم داد و تمامی حدود زمین از او خواهند ترسید

زبور شصت و هشتم

سالار مغنیان مزمور و سرود داود

- ۱ خدا قائم شود و دشمنانش پراکنده شوند و آنکسانی که
- ۲ مبعضانش میباشند از حضورش بگریزند * مانند دور
- رانده (ایشان را) بران و منافقان در حضور خدا مثل
- موی که در پیش آتش گداخته شود هلاک بشوند
- ۳ * و صدیقان در حضور خدا شادمان و خوشنود باشند
- ۷ و از خوشوقتی وجد نمایند * خدا را بسرائید و اسمش را
- پنوازیده و بانکس که در میانان با اسمش یا هو مرکوبست
- بلندی را وصف نمائید و در حضورش خوشحال باشید
- ۵ * خدا در مقام قدسش پدر یتیمان و حاکم بیو است
- ۶ * خدا کسان مجرور را در خاندان ساکن میگردداند
- و اسیران را بر استی متخلص مینماید لیکن عاصیان
- ۷ (بزمین) سوخته ساکنند * ای خدا هنگامی که تو در پیش

۱۱. **نقوم خود میرفتی و اثاثائی که تو در بیابان میخرا میدی**
 ۱۲. **سالمه * (آنگاه) در حضور خدا زمین متزلزل گردید و آسمانها**
 ۱۳. **چکاشیدند بطور سینا؛ از حضور خدا خدای اسرائیل**
 ۱۴. *** ای خدا باران و غور را بر میراث خود بارانیدی هنگامی**
 ۱۵. **که سوخته شد تو او را آراسته نموده؛ * ای خدا آنجائی**
 ۱۶. **که از برای فقرا در نیکوئی خود آماده ساختی جماعت**
 ۱۷. **تو قرار گرفتند * خداوند سخن را عطا فرمود گروه آشکار**
 ۱۸. **گفته بسیارند * پادشاهان عساکر فرار کردند و گریختند**
 ۱۹. **و خانه نشینها یغمارا تقسیم کردند * هنگامی که در کمر کوها**
 ۲۰. **ساکن میباشند (مانند) کبوتر (خواهید شد) که پرایش**
 ۲۱. **بنقره و بالهایش بزر زرد مستور است * زمانی که قادر**
 ۲۲. **مطلق در این (مرز و بوم) پادشاهان را پراکنده کرد برف**
 ۲۳. **بر کوه صلمون نزل نمود * کوه باشن کوه خداست**
 ۲۴. **و کوه باشن راس الجبل است * ای کوهها سر**
 ۲۵. **بلند چرا نگران هستید خدا این کوه را برای سکونت**
 ۲۶. **خود خواش دار و بدرستی که در او خداوند ساکن خواهد**

- ۱۷ شد تا بابد * عرابهای خدا بیست هزار و هزاران هزار
است * و خداوند در میان ایشان چنانکه در طور
- ۱۸ سیناء در مقدس میباشد * بر بلندی صعود نمودی
اسیران را اسیر نمودی انعامها را بانسان و بعاصیان
نیز عطا فرمودی تا آنکه خدا و یاهو (در اینجا) ساکن
۱۹ شود * خداوند و خدای منجی ما خجسته باد که روز بروز
۲۰ بنعمت خود ما را حمل میکند سلبه * خدای ما خدای
منجی است و در وازهای مرگ از آن خداوند
- ۲۱ و پروردگارند * بدرستی که خدا سر دشمنان خود را
و کله کاکل داران کسی را که در تجاوز پیش رفتاری
۲۲ نماید زخم خواهد زد * خداوند فرمود که از باشن (صدیقان
خود را) هدایت کرده و از عمیق دریا راهبری خواهیم
- ۲۳ نمود * تا آنکه پای تو در خون دشمنان (تو) و زبان
۲۴ سگان تو در آن غرق گردد * ای خدا سلوکهای ترا
و رفتاری خدای مرا و پادشاه مرا در مقدس دیدند
۲۵ * سرودکنندگان پیش رفتند در عقب سازندگان

۳۶ زور وسط دختران که طبل میزدند * در مجامع بخدا
 ۳۷ و پروردگار نسل اسرائیل شکر می نمایند * آنجا حاکم
 ایشان بن یحیی کوچکست امیران یهودا که
 حصار ایشانست و امیران زابلون و امیران نفتالیم
 ۳۸ (نیز میباشند) * خدای تو از جهت توقوت عطا فرمود
 ای خدا آنچه را از برای ما بعمل آوردی استوار کن
 ۳۹ * بهیچک تو در اورشلیم پادشاهان پیشکشها را نزد تو
 ۴۰ خواهند آورد * وحش فی نشین و گروه گاوان مع
 گوسالهای خلایق را مانعت بفرما و پاره‌های سیمین را
 پایمال کن خلایقی را که از جنگها خوشنود میشوند
 ۴۱ پراکنده گردان * اهل حشمتیان از مصر خواهند آمد
 و (اهل) کوش بتعجیل دستهای خود را بلند خواهند کرد
 ۴۲ * ای ممالک زمین خدا را بسراشید و پروردگار را حمد
 ۴۳ کنید سله * بانکسی که از ازل بر آسمان علوی سوار
 ۴۴ می نماید اینک بقول خود آواز قوی میدهد * بخدا
 قوت را وصف نماید عظمتش در اسرائیل وقوتش

۳۵ در سپهر است * ای خدا در مقدس مهیبی خدای
اسرائیل آنکس است که بحلق قوت و زور و عطای
فرماید خجسته باد خدا

زبور شصت و نهم سالار مغنیان بر سوسنهای از آن داود
۱ ای خدا مرا نجات بده زیرا که آبها بجان (من)
داخل شدند * در گِلِ رحلی که جای ایستادن نیست
فرو میروم و رسیده ام بآبهای عمیق و سیلابی که مرا
۳ غرق میکند * از خواندن مانده ام و گلوئی من خشک
شده است و چشمهای من ضعیف شدند ز آنرو که
۷ بخدا منتظرم * آنکسانی که بی سبب مبغضان
چنینند از موی سر من بیشترند و اشخاصی که بی
علت دشمنان منند و میخواهند مرا هلاک کنند
پرزوراند پس آنچه را که (از ایشان) نگرفته بودم مرا
۵ کردم * ای خدا تو نادانی مرا میدانی و گناهای من
۶ بر تو مستور نمی باشند * ای پروردگار و خداوند عساکر
منتظران تو بجهت من شرمندگی نبرند و ای خدای

۶ اسرائیل متجسسان تو بسبب من خجالت نگشند
 ۷ * زیرا که بسبب تو حامل ملامت بوده ام و از شرمساری
 ۸ روی من مستور است * از برادران خود بیگانه وار
 ۹ فرزندان مادر خود غریب گردیدم * زیرا که غیرت
 خانه تو مرا فرد گرفته است و ملامتهای ملامت
 ۱۰ کنندگان تو بر من افتادند * و بگریه دروزه جان
 خود را آزر دم این عمل برای من ملامت گردید
 ۱۱ * و دل را از برای لباس پوشیدم و از برای ایشان
 ۱۲ مثل گشتم * دروازه نشینان در ضد من گفتگوی
 ۱۳ نمایند و سرود باده پرستان گردیدم * اما ای خداوند
 نسبت بخودم تضرع من بتو است ای خدا زبان
 مرضیه هست در کثرت رحمتهای خود و بسبب
 ۱۴ حقیقت نجات خود مرا استجابت بفرما * مرا از
 گِل آب متخلص کن که غرق نشوم تا از مبغضان
 ۱۵ من و از آبهای عمیق نجات یابم * آبهای سیل مرا
 نغلطانند و حل مرا فرو نبرد و چاه دهن خود را بر فوق

- ۱۶ من بهم نیاورد * نامی خداوند مرا استجابت بفرما
 زیرا که رحمت تو نیکوست موافق و فور رحمت‌های
 ۱۷ خود بمن متوجه باش * و روی خود را از عید خود
 مستور مکن بدرستی که از جهت من تنگناگی است
 ۱۸ بزودی بمن استجابت بفرما * بجان من متقرب
 باش و او را رستگار کن و بسبب دشمنان من مرا
 ۱۹ مخلص نما * ملامت مرا و شرمندگی مرا در سوائی
 مرا تو میدانی و تمامی اعدای من در حضور تو میباشند
 ۲۰ * ملامت دل مرا شکسته است وضعیف شدم و از
 تعزیت کننده انتظار کشیدم و نیافتم و از تسلی
 ۲۱ دهندگان (منتظر بودم) و پیدا نکردم * و از برای قوت
 من زهر را بمن دادند و در تشنگی من سیر کرده بمن -
 ۲۲ تقریب کردند * سفره ایشان در حضور خودشان
 مانند دام و برای مزدای (ایشان) مثل نله گردد
 ۲۳ * چشم‌های ایشان تاریک شوند تا نه بینند و کمر
 ۲۴ ایشان را دایم مرتعش بگردان * خشم خود را بر ایشان

- ۲۵ سُریر و شدت قهر تو ایشان را فرا گیرد * عمارت
ایشان ویران گردد و در خیمه‌های ایشان نشیمنده^۱
- ۲۶ نباشد * زیرا که آنکس را که تو کوفتی زحمت میدهند
۲۷ و برای غم زخم داران تو حرف میزنند * عقوبت بر
عقوبت ایشان بیفزاید و عدالت تو داخل نشوند
- ۲۸ * و از کتاب زندگان محو گردند و با صدیقان مکتوب
۲۹ نگردند * اگر چه من بچاره و مسکینم لکن نجات تو
۳۰ ای خدا مرا مرفوع خواهد نمود * نام خدا را بسرود حمد
خواهم نمود و شکرانه عظمت او را وصف خواهم کرد
- ۳۱ و این از گاو و گوساله شاخ دار و سم دار در نزد خداوند
۳۲ پسندیده تر خواهد آمد * مفلوکان خواهند دید و خوشنود
خواهند گشت ای کسانی که متجسسان خدا میباشید
- ۳۳ دل شما خواهد زندگانی نمود * زیرا که خداوند از
فقیران می شنود و اسیران خود را حقیر نمی کند
- ۳۴ * آسمانها و زمین و دریاها و هر جنبه که در ایشانست
۳۵ حمد می نمایند * زیرا که خدا صیہون را نجات خواهد

دار و شهرهای پهلو دارا بنا خواهد کرد تا آنجا ساکن
 بگردند و وارث بشوند * و زیریت بندگانش او را
 بوراثت خواهند داشت و محبان اسمش در آن
 ساکن خواهند بود

زبور هفتادم

سالار مغنیان از آن داود از برای ذکر کردن

۱. ایها برای استخلاص من و پروردگارا از برای نصرت
۲. من شتاب کن * متجسسان جان من منفعیل شده
۳. شرمندگی ببرند و برگردانیده شوند و آن کسانی که از
۴. بلای من خوشوقتند رسوا گردند * و آن کسانی که آخ
- آخ میگویند از برای مزد رسوائی خود بازگشت
۷. نمایند * تمامی طالبان تو از تو خوشنود باشند و مشرور
- شوند و آن کسانی که محبان نجات تو اند همیشه
۵. بگویند که عظیم باد خدا * اگر چه من بیچاره و مسکینم
- ای خدا از جهت من شتاب کن معاون من و منجی
- من توئی ای خداوند توقف مکن

زبور هفتاد و یکم

- ۱ ای خداوند بتو پناه می آورم و تا باید شرفسار نخواهم
- ۲ شد * براستی خود مرا متخلص کن و مرا برهان و تو
- ۳ مرا اصغان کن و بمن نجات بفرما * از جهت من
- مکان محکم باش تا پیوسته داخل بشوم برای نجات
- من امر فرمودی زیرا که کوه من و ملجأ من توئی
- ۴ ای خدای من مرا از پد شیریر و از دست اهل
- ۵ ظلم و فساد برهان * زیرا که ای خداوند و پروردگار امید
- ۶ من و اعتماد من از جوانی من توئی * از رحم بر تو
- پناه آوردم و تو آنکسی که مرا ز شکم مادر من بیرون
- ۷ آورده حمد من همیشه برای قست * سبب عبرت
- ۸ گمرو و بپا گیر دیدم اما پناه قوی من توئی * تمامی روز
- ۹ دهن من از حمد و جلال تو مملو است * در زبان
- پیری مرا مینداز و هنگام زایل شدن قوت من مرا
- ۱۰ و مکنار * زیرا که دشمنان من در خدمت من حرف
- میزنند و نگاه کنندگان جان من بهم مشورت می کنند

- ۱۱ * میگویند که خدا او را بواگذاشته است متابعت بنمایید
۱۲. او را گرفتار کنید زیرا که رنجیده نیست * ای خدا از من دور مباش وای خدای من برای نصرت من شتاب
- ۱۳ کن * اعدای جان من شرمسار گشته زایل گردند و آنکسانی که متجسس اضرار منند رسوائی و شرمندگی
- ۱۴ پوشیده شوند * و خورم پیوسته امیدوار خواهم بود و علاوه
- ۱۵ بر همه حمد ترا افزوده خواهم نمود * دهن من راستی ترا و نجات ترا در هر روز آشکار خواهد کرد
- ۱۶ اگر چه از حسابها عارم * داخل کبریائی پروردگار خواهم گشت وای خداوند صداقت ترا بمجرب ذکر
- ۱۷ خواهم نمود * ای خدا از جوانی تا بحال مرا تعلیم
- ۱۸ وادی عجایب ترا مشهور خواهم کرد * وای خدا مرا در زمان پیری دهم سفید موئی و امگذار تا قوت ترا
- ۱۹ باین قرن و کبریائی ترا بتامی آینده مشهور کنم * وای خدائی که کارهای عظیم را بعمل آورده صداقت تو
- ۲۰ بسیار علو است وای خدا مانند تو کیست * که مرا

نوز تنگدستیهای بسیار و بلا متبصر گردانیدی و تو عود
 کرده مرا زنده خواهی نمود و باز گشته از عمایق زمین
 ۲۱ مرا بلند خواهی کرد * عظمت مرا زیاده خواهی نمود
 ۲۲ و معاودت فرموده بمن تسلی خواهی داد * ای خدای
 من خودم ترا و هم صداقت ترا بر ساز ریسائی شکر
 خواهم نمود و ای مقدس اسرائیل ترا بر بریط خواهم
 ۲۳ نرا نهد * لبهای من زبان سرود نمودن تو و جان من
 ۲۴ که او را فدا کردمی خوشنود خواهد شد * هر روز
 زبان من براستی تو نگویم خواهم نمود زیرا که متجسسان
 ضرر من خجلت میگویند بلکه شرمندگی می برند

د زبور هفتاد و دوم از برای سلیمان

۱- ای خدا احکام ترا بپادشاه و صداقت ترا بفیروز پادشاه
 ۲ عطا بفرما * که قوم ترا بصدق و مفلوکان ترا بعدالت
 ۳ حکم خواهند نمود * (مسکنان) کوهها و تلهما نعمت را بصداقت
 ۴ از برای خلق خواهند آورد * بمفلوکان قوم تو عدالت

- خواهند کرد و فرزندان بیچاره را نجات خواهند داد و ظلم
 ۵. کننده را خواهند کوفت * از تو تا باقی بودن آفتاب
 ۶. و بقای ماه پشت به پشت خواهند ترسید * (ونیکی) او
 نازل خواهد گشت مانند باران برگیه در و کرده شده
 ۷. و مثل امطاری که بر زمین میچکند * در آیامش صدیق
 ۸. خواهد شکفت و و فور نعمت تا ببقای ماهست * از
 دریا تا بدریا و از رودخانه تا بحدود زمین تسلط خواهد
 ۹. راند * ساکنان صحرا خود را در حضورش خم خواهند کرد
 ۱۰. و دشمنانش خاکبوس خواهند نمود * پادشاهان ترشیش
 و جزیرا پیشکشها خواهند گذراخیزد پادشاهان شباه و سبا تحفها
 ۱۱. خواهند رسانید * و جمله پادشاهان او را تعظیم خواهند کرد
 ۱۲. و تمامی طوایف او را فرمان برداری خواهند نمود * زیرا
 که بیچاره فریاد کننده و مفلوک را که از جهتش
 ۱۳. رها نموده باشد متخلص خواهد کرد * بفقیه و بیچاره
 رحمت خواهد نمود و جانهای بیچارگان را نجات خواهد
 ۱۴. داد * از غم و ظلم جان ایشان را خلاص خواهد نمود

خون ایشان در چشمهایش گران بها خواهد بود
 ۱۵ * و زندگانی کرده باو زرشبا داده خواهد شد و از جهتش
 پیوسته دعا خواهند کرد و هر روزه او را توصیف خواهند
 ۱۶ نمود * و سینه غله در زمین کوهها پیدا خواهد شد که شمر
 او مانند (اشجار) لبنان لرزان خواهد بود و اهل شهر
 ۱۷ مانند گیاه زمین خواهند شکفت * نامش تا بابد باقی
 خواهد بود و اسمش مانند آفتاب مشهور خواهد گشت
 ۱۸ و تمامی طوایف برکت ازو یافته باو توصیف برکت
 خواهند نمود * مبارکباد پروردگار و خدا خدای اسرائیل که
 ۱۹ مجرب خود عجایب را بعمل می آورد * و مبارکباد اسم
 ۲۰ جلیل او تا بابد و جلالتش تمامی زمین را مملو سازد
 آمین و آمین * مناجات داود پسر یسی تمام است

زبور هفناد و سیم مزبور آسف

۱ بدرستی که خدا با اسرائیل و بصافی دلان نیکوست
 ۲ * و یاهی من عنقریب نسبت بمن لغزش نموده

- بودند و قدمهای من تقریباً از پیش پدر بدر رفته
 ۳ بودند * زیرا که حسنه بر متکبران پر دم هنگامی که نیک
 ۴ بختی شرایرا دیدم * زیرا که قیدها از جهت ایشان
 ۵ نیست و قوت ایشان کامل و محکم است * ایشان
 در رحمت (مانند) دیگران نیستند و مثل آدمهای دیگر
 ۶ تصدیع نمی گشند * زانرو که غرور ایشان را متسلسل
 ۷ میگردد و ظلم ایشان را آراسته می پوشاند * چشمهایی
 ایشان را پیمه گرفته است و اندیشههای دل (شان)
 ۸ بعمل می آید * خودشان را فاسد میگردد و بفحش
 ۹ و شرارت حرف میزنند و از غرور تکلم می نمایند * دهن
 خودشان را در ضد (خدای) آسمانها و می کنند و زبان
 ۱۰ ایشان در ضد (ساکنان) زمین میگردد * از آن
 سبب قوم خدا اینجا باز گشت مینمایند و برای ایشان
 ۱۱ آبهایی پر از بلا ریخته شده است * پس گفتند که
 ۱۲ چگونه میفهمد خدا یا هست علم در نزد تعالی * اینک
 اینها شرایر و نیکبختان دنیا شده اند مال را می افزایند

- ۴۳ * بدرستی که بیفایده دل خود را مصفی کردم و دستهای
 ۱۴ خود را در پاکی شستم * و هر روز تصدیع کشیدم و هر
 ۱۵ صبح تعزیب یافتیم * هر گاه قصد آن کردم که باینطور
 بیان کنم آنگاه نسل فرزندان ترا خیانت می نمودم
 ۱۶ * هنگامی که تصور نمودم که این را ادراک نمایم این
 ۱۷ عمل در نظر ایم مشکل آمد * تا بزمانی که داخل
 ۱۸ بمقدس خدا گشته انجام ایشان را فهمیدم * بدرستی
 که ایشان را در لغزشگاهها نهادی و در خرابیها ایشان را
 ۱۹ منهدم گردانیدی * چگونه گویا یکدم تپاه گردیدند از
 ۲۰ بلایا رفته شده با تمام رسیدند * ای پروردگار خیالات
 ایشان را در قیامت ماخذ رویای شخصی که بیدار
 ۲۱ کرده شده استحقار خواهی نمود * بدرستی که دل من
 ۲۲ بجوش آمد و از گردایم درد کشیدم * و من در حضور
 ۲۳ تو ماخذ وحشیان عاری و نادان شدم * و من پیوسته
 ۲۴ با تو آم و بیدریمین خود مرا نگاه میداری * در موعظه
 خود مرا رهبری خواهی فرمود و آخر مرا در عظمت

۲۵ خواهی پذیرفت * برای من (جز تو) در آسمانها کیست
 ۲۶ و در زمین بغیر از تو از (کسی) خوشنود نیستم * جسم
 و دل من گاهیده میشوند (اما) قوت دل من و حصه
 ۲۷ من تا بابد خداست * بدرستی که اینک مباحدان تو
 هلاک خواهند شد و تمامی آنکسانی که غیر از تو را
 میپرستند (باغند) زن زانیه اند ایشان را منقطع خواهی
 ۲۸ کرد * و برای من تقریب بخدا نیکو است پرورزگارا
 و خداوند بتو پناه می آید و تا آنکه تمامی اعمال ترا
 آشکار نمایم

زبور هفتاد و چهارم تعلیم آسف

۱ ای خدا چرا دور گرداخی (ما را) تا بابد و چرا بخلاف
 ۲ گوسفندان علفزار تو غیظ تو دور میکند * بخاطر بیمار
 جماعت خود را که در ایام قدیم تحصیل کردی و عصای
 میراث خود را که فدا نمودی و این صیغون را که در
 ۳ او ساکن میباشی * قدمهای خود را برای خرابی

- همیشه که دشمن تمامی (آنها) شریانه در قدس عمل
 ۷ نموده است بر دار * اعدای تو در میان جماعت
 تو مجروحند و علمهای خودشان را نشانها میگردانند
 ۵ * (وعدو) پدید آید مانند کسی که تیشه را برای چوب
 ۶ جنگل مرفوع بنماید * و اکنون همه، نقشهایش را به همراه
 ۷ کلنگها و پتکها خراب میکنند * و آتش در مقدس تو
 زنده و مسکن اسم ترا ملوث کرده بر زمین انداختند
 ۸ * در دل خودشان گفتند که همه، ایشان را منقطع
 بکنیم تمامی مساجدای خدا را در زمین سوزانند
 ۹ * برای خود آیاتی نمی بینم دیگر پیغمبر نیست
 ۱۰ و نژاد ما کسی نیست که عارف باشد تا بکسی * ای
 خدا عیدو تا بکسی فحش خواهد داد آیا دشمن تا باده
 ۱۱ با سم تو کفر خواهد گفت * چرا دست ترا و بچین ترا
 باز میگیری دست را از روی سینه، خود (بر دار
 ۱۲ و ایشان را) یا تمام برسان * و از ازل پادشاه من خداست
 ۱۳ که در روی زمین رستگاری (مارا) بعمل می آورد * تو

- از قوت خود دریا را تقسیم نمودی و کلهای نهنگان را
 ۱۴ در آبها شکستی * تو روس لویان را پاره پاره کردی
 ۱۵ و از برای خلق صحرا نشین طعام عطا فرمودی * تو
 چشمه وسیل را تقسیم کردی و تو رودخانههای قوی را
 ۱۶ خشک گردانیدی * روز از آن نُست و شب نیز
 از آن نُست و تو نیز آفتاب را مثبت فرمودی
 ۱۷ * تو تمامی حدود زمین را متحکم نمودی و تو تابستان
 ۱۸ و زمستان را (بگردش) در آوردی * ای خداوند این را
 بخاطر آر که دشمن فحش میدهد و خلق احمق باسم
 ۱۹ تو تکفیر مینمایند * جان قهری خود را بشاهین تسلیم
 مکن و جماعت مفلوگان خود را فراموش مکن تا باید
 ۲۰ * بعهد (خود) بنگر زیرا که در تاریکیهای زمین اخذ
 ۲۱ کنندهای پغما مملو میباشند * مظلوم با شرمندگی باز
 گشت نکند و مفلوک و بیچاره اسم ترا حمد نمایند
 ۲۲ * ای خدا بر خیز و با دعای خود دعا کن و فحش خود را
 ۲۳ که هر روز از احمقان میشنوی بخاطر آر * آواز

اعدای خود را و خروش فتنه انگیزان تو که پیوسته
بالا میروند فراموش مکن

زبور هفتاد و پنجم

- سالار مغنیان غیر مهلت مزبور و سرود آسف
- ۱ ای خدا ترا شکر می نائیم و شکر می نائیم زیرا که عجایبات
 - ۲ تو تقرب اسم ترا ظاهر می سازد * هنگامی که من
 - ۳ بجماعت مسئولی کردم براستی حکم خواهم کرد * (زمانی
 - ۴ که) زمین و ساکنانش میگرداختند خودم ستونهایش را
 - ۵ پایدار کردم سله * بمتکبران گفتم که بغرور عمل مناشید
 - ۶ و بشرایر که شاخ را مرفوع مسازید * شاخ شما را ارتفاع به
 - ۷ بلند می مکنید و بگردن پیچیده حرف مزنید * زانکه که
 - ۸ سرافرازی نه از مشرق و نه از مغرب و نه از جنوب است
 - ۹ زیرا که خدا حاکم است یکی را بر دیگری آورد و دیگری را
 - ۱۰ بلند می سازد * زانکه کاسه در دست خداوند است
 - ۱۱ و بشراب ناصاف و مخلوط مملو است و ازین میریزد
 - ۱۲ بدرستی که تمامی اشرار زمین در دایرش را خواهند افشرد

- ۹ و نوش خواهند کرد * و من مشهور خواهم نمود تا پایه
 ۱۰ و خدای یعقوب خواهم سرائید * و تمامی شاخهای شرایر را
 خواهم شکست و شاخهای صدیق مرفوع خواهد گشت

زبور هفتاد و هشتم

- سالار مغنیان بر سازهای ربسمانی مزمور و سرود آسف
 ۱ خدا در یهودا معروف و اسمش در اسرائیل بزرگ
 ۲ است * و خیمه او در سالم و جایگاه او در صیهون
 ۳ است * در آنجا تیرهای آتشین و کمان و سپر و شمشیر
 ۴ و حرب را پیامال کرد سله * از کوههای یغما افضل
 ۵ و عظیم تر توئی * قوی دلان در خواب غفلت خودشان
 خفته خراب کرده شدند و تمامی صاحبان قوت دستهای
 ۶ خودشان را نیافتند * از مانعت تو ای خدای یعقوب
 هم سوار بهم اسپ در خواب غفلت گرفتار شدند
 ۷ * تو خودت مهیبی و در زمان غضب تو کیست که
 ۸ در حضور تو تواند ایستاد * از آسمانها حکم را مسوع
 ۹ گردانیدی زمین خائف و خموش گردید * در هنگامی

که خدا قائم شد برای حکم کردن و از برای نجات
 ۱۰ دادن تمامی مفلوکان زمین سله * زیرا که خشم انسان
 باعث حمد تو خواهد بود و باقی غضبها را ممانعت خواهی
 ۱۱ کرد * ای تمامی قربانانش بخداوند و خدای خودتان نذر
 بکنید و ادا بنمائید و هدیه بآنکسی که لایق خوشت
 ۱۲ برسانید * روح امیران را منقطع خواهد کرد و برای
 پادشاهان زمین مهیب است

زبور هفتاد و هفتم سالار مغنیان به یدوثن مزبور آسف
 ۱ خدا را باواز خود بل باواز خود خدا را خواندم و مرا
 ۲ اصغاکرد * در روز تنگدستی خود پروردگار را تفحص
 نمودم دست من در شب بلند شد و توقف نمود
 ۳ نوجان من از تسلی ابا نمود * خدا را بخاطر می آورم
 و مضطرب میباشم و تفکر مینمایم و روح من اندوهناک
 ۴ است سله * بیدار یهای چشم خود را دراز میکنم
 ۵ و با مضطراب می افتم و نمیتوانم متکلم شد * در ایام قدیم

- ۶ و سالهای سلف متفکر گشتم * در شب سرودهای
 خود را بمخاطر آوردم و با دل خود اندیشه نمودم و روح
 ۷ من تفتیش کرد * که آیا خداوند تا بابد (مارا) دور خواهد
 ۸ کرد و دیگر راضی نخواهد بود * آیا رحمتش تا بابد
 ناپود شد و وعده اش پشت به پشت با تمام رسیده
 ۹ است * آیا خدا از رحمت نمودن فراموش میشود
 و آیا رحمتهای خود را در غضبش بسته است *
 ۱۰ * و گفتم که (آخ) از ضعیفی خودم اینست تغییر یابم
 ۱۱ تعالی * اعمال مرا بمخاطر خواهم آورد بدرستی که نجاتهای
 ۱۲ ترا از ایام قدیم بمخاطر خواهم آورد * هر عمل ترا ملاحظه
 ۱۳ خواهم نمود و از کارهای تو متفکر خواهم شد * ای خدا
 راه تو در مقدس است کدام خدا مانند خدای (ما)
 ۱۴ عظیم است * تو آن خدائی که عجایبات خود را
 بعمل می آوری و قوت خود را در میان خلق معروف
 ۱۵ میگردانی * تو بجای خود قوم خود را (یعنی) فرزندان
 ۱۶ یعقوب و یوسف را فدا کردی * ای خدا آنها

تو بنظر در آردند و آنها ترا دیدند مضطرب شدند
 ۱۷ بدرستی که عایق (بحر) تبالطم آمد * ابرای آب ریختند
 و فریاد از آسمانها بر آمد بدرستی که تیرهای (آتش) تو
 ۱۸ فرو ریختند * آواز رعد تو در آسمان (بود) و برق
 جهان را منور ساخت و زمین لرزان و متزلزل گردید
 ۱۹ * راه تو در دریاست و طریق تو در آبهای بزرگ
 ۲۰ و نقش پای تو معلوم نیستند * قوم خود را مانند
 گوسفندان بدست موسی و هرون رهبری فرمودی

زبور هفتاد و هشتم تعلیم آسف

۱ ای قوم من شریعت مرا اصفا کنید و گوش خودتان را
 ۲ بشنصن دهن من فرا دارید * دنان خود را در مثل
 ۳ بکشایم و محتای قدیم را آشکار خواهیم نمود * که ایشان را
 ۴ شنیدیم و دانستیم و پدران ما نیز (مارا) خبر دادند * و از
 فرزندان ایشان پنهان نخواهیم کرد و آشکار خواهیم
 نمود و اوصاف خداوند را و قدرت او را و عجایبات

- ۵ اورا که بعمل آورند * چگونه شهادت را در یعقوب
مقیم کرد و شریعت را در اسرائیل مقرر فرمود و ایشان را
پدران ما سپرد برای مطلع نمودن ایشان بفرزندان
۶ خودشان * تا آنکه پشت آینده فرزندان که زائیده
خواهند شد مطلع گردیده بر خیزند و بفرزندان خودشان
۷ خبر دهند * تا پناه خودشان را بخدا آورند و کارهای
۸ خدا را فراموش نکرده حکمهایش را نگاه دارند * و مانند
پدران خودشان نسل کجرو و عاصی نباشند نسلی که دل
خودشان را مهیا نساختند در روح ایشان بخدا بیوفائی
۹ کرد * فرزندان افرایم اسلحه پوشیده و کمان بر داشته در
۱۰ روز جهاد بر گردیدند * عهد خدا را نگاه نداشتند و از
۱۱ رفتار شریعتش ابا نمودند * و کارهایش و عجاایاتش را
که ایشان را بنان نشان داد فراموش کردند
۱۲ عجاایات را در زمین مصر و در کشت زار صوعن
۱۳ در حضور پدران ایشان بعمل آورد * و یارا شکافت
و آبهارا مانند توره ایستاده گردانید و ایشان را گدازانید

- ۱۴ * دور روز بابر و هر شب بنیر آتش ایشان را رهبری
 ۱۵ فرمود * سنگها را در تیه شکافت و ایشان را مانند بسیار
 ۱۶ عمیقها نوشانید * و چشمها را از سنگ بیرون آورد
 ۱۷ و آبها را مانند رودخانهها فرو ریخت * و دیگر بضد او
 در تیه بگناه افزایش نموده الله تعالی را غضبناک
 ۱۸ کردند * و در دل خودشان خدا را امتحان نمودند از
 ۱۹ سوال نمودن طعام برای خویش خودشان * بدرستی
 که در ضد خدا متکلم شدند و گفتند آیا خدا مأمده را در
 ۲۰ بیابان آماده تواند کرد * آنگاه سنگ را زد و آبها جاری
 گشتند و سیلها ریخته شدند آیا نان را تواند داد و آیا
 ۲۱ گوشت برای قوم خود مهیا تواند نمود * و خداوند
 این را شنید و از یخجمه غضبناک گردید و آتش بر
 یعقوب مشتعل شد و بر اسرائیل قهر متصاعد
 ۲۲ گشت * زیرا که بر خدا اعتقاد ننموده بودند و از
 ۲۳ نجات او امید وار نبودند * آنگاه بابر را از بالا فرمان
 ۲۴ داد و دروب آسمانها را واکرد * و برای خوردن ایشان

ترنجبین را بارانید و غله آسانی بایشان عطا فرمود
 ۲۵ * انسان نان فرشتگان را تناول نمودند و برای
 ۲۶ ایشان تا بمرتبه سیری طعام فرستاد * باد شرقی را
 در هوا بوزانید و باد جنوبی را بتندیش روان نمود
 ۲۷ * و گوشت را مانند غبار و مرغ طیار را مانند ریگ دریا
 ۲۸ بر ایشان بارانید * آنها را در اندرون خیمه گاه
 ایشان و در اطراف مسکنهای ایشان افکنده گردانید
 ۲۹ * و تناول نمودند و خوب سیرگشتند و برای ایشان
 ۳۰ خواهش ایشان را عطا فرمود * و از خواهش ایشان
 نفرت ننمودند هنگامی که اطعمه شان در دهن
 ۳۱ ایشان بوده است * (آنگاه) غضب خدا برای ایشان
 متصاعد گشت و اغشیای ایشان را بقتل رسانید
 ۳۲ و برگزیدگان اسرائیل را (بجاک) هلاک افکند * زانرو
 که در این همه (مأمه) دیگر خطا نمودند و بر عجاایات
 ۳۳ او باور نکردند * پس روزهای ایشان را به یهودگی
 و سالهای ایشان را در اضطراب با تمام رسانید

- ۳۴ * یهنگانی که ایشان را مقتول مینمود اورا تفحص کردند و برگردیدند و خدا را در صبحدم تجسّس نمودند
- ۳۵ * و بخاطر آوردند که خدا کوه ایشان و الله تعالی فدا کننده
- ۳۶ ایشان است * و بدین خودشان اورا چابلوسی نمودند
- ۳۷ و بزبان خودشان باو کاذب گشتند * و دل ایشان
- ۳۸ باو راست بنود و در عهدش استوار نبورند * اما او از بسیاری رحمتش ایشان را عفو فرمود و هلاک نکرد و بسیاری اوقات از غضب خود بازگشت نمود و تمامی غضب خود را منخرک ساخت * و بعلمش گذشت که ایشان جسمند و روح رفتنی است و باز گشت نمیکنند * چند بار اورا در تپه غضبناک کردند
- ۴۱ و اورا در آن بیابان بخشم آوردند * بلکه برگردیدند و خدا را امتحان کردند و (باله) مقدّس اسرائیل خدا را
- ۴۲ قرار دادند * و دستش را در روزی که ایشان را از
- ۴۳ تنگدستی مستخلص فرمود بخاطر نیاوردند * که چگونه آیاتهای خود را در مصر و معجزاتش را در کشت

- ۴۴ زار صوعن پدیدار نمود * درودخانه‌های ایشان را و آب‌های روان ایشان را بخون مبدل گردانید که نتوانستند
- ۴۵ نوشید * و در میان ایشان فرستاد مگس‌های گوناگون را که ایشان را میخوردند و زشهارا که ایشان را متعفن نمودند * و محصول ایشان را از کرم صدپا و کتّه ایشان را
- ۴۶ بملخ خراب کرد * تا که‌های ایشان را بتگرک و افرغ‌های ایشان را به برودت تباه نمود * و چارپایان ایشان را بتگرک و گله‌های ایشان را بصواعق تسلیم نمود
- ۴۷ * و شدت غیظ خود را که غضب و خشم و تنگی باشد
- ۵۰ بر سالت ملائکه شدید در ضرر ایشان فرستاد * و راه را برای غضب خود هموار ساخت و جان ایشان را از زمرگ دریغ ننمود و دواب ایشان را بربا تسلیم نمود
- ۵۱ * و همهٔ مولود نخستین را در مصر و ادل اولاد را در خیمه‌های حام هلاک نمود * لکن قوم خود را مانند گوسفندان روان نمود و ایشان را مانند گله در تپه
- ۵۳ رهبری فرمود * و ایشان را در امیدواری هدایت

کرد که نمی ترسیدند و اعدای آنها را بدریا غرق نمود
 ۵۴ * و ایشان را داخل گردانید بحدود مقدس خود و این
 ۵۵ کوهی که بقدرت خود تحصیل فرمود * و طوایف را
 از پیش روی ایشان اخراج کرد و ارتیت را برای
 ایشان بریسان (رسد) قسمت گردانید و فرقه های
 ۵۶ اسرائیل را در خیمه های ایشان ساکن گردانید * لکن
 خدائی تعالی را امتحان کردند و غضبناک نمودند
 ۵۷ و شهادت او را محافظت ننمودند * و باز گردیده
 بیوفائی را مانند پدران خودشان بعمل آوردند و مثل
 ۵۸ کمان فریبنده مخرف گشتند * و او را بکانه های بلند
 خودشان غضبناک گردانیدند و به بت های کدش کار
 ۵۹ خویشان او را بغیرت آوردند * خدا دانست و غضبناک
 ۶۰ شد و از اسرائیل نفرت نمود * و مسکن شیلورا
 و خیمه که در میان انسان بر پا کرده بود و گذاشت
 ۶۱ * و (صندوق) قوت خود را به اسیری و جلال خود را بدست
 ۶۲ دشمن داد * و قوم خود را بشمشیر تسلیم نمود و در

- ۶۳ خد میراث خود غضبناک گردید * و آتش جوانان
ایسان را سوزانید و دوشیزگان ایشان بمناکحت داده
- ۶۴ نشدند * کاهنان شان بشمشیر کشته شدند و بیوای
ایشان نوحه نمودند * آنگاه پروردگار مانند کسی که
از خواب و مثل صاحب قوت که از شراب
میخروشد بیدار شد * و نشیمن اعدای خود را (ببواسیر)
- ۶۵ محجروح ساخت و دایم رسوائی بایشان داد * و از خیمه
یوسف ابا نمود و فرقه افرایم را قبول نکرد * اما فرقه
یهودا قبول فرمود و این صیهون را که محبت داشته
بود * و مقدس خود را مانند عمارتها بلند نمود (و او را)
- ۷۰ مثل زمین تا بابد ثابت کرد * و بنده خود را دورا بر
گزیید و از علفزارهای گوسفندان او را اخذ نمود * و از
عقب گوسفندان راجع او را برای پروردن قوم خود
- ۷۲ یعقوب و میراث خود اسرائیل بیرون آورد * و او
ایشان را موافق ساره لوحی دل خود پرورش نمود
و مطابق حکمتهای دست خود ایشان را راهبری فرمود

زبور هفتاد و نهم

- ۱ خدا یا قبايل بميراث تو داخل گشتند و هيكل مقدس ترا نجس كردند و اورشليم را در تورها گذاشتند
- ۲ * و نعتش بندگان ترا بطيور هوا و گوشت مقدسان
- ۳ ترا بسباع زمين طعمه دادند * خون ايشان را مانند آب در اطراف اورشليم ريختند و دفن كننده نبود
- ۴ * سر كوب به همسايگان خود و مسخره و مضحكه بحواليان
- ۵ خود گرديديم * اى خداوند تا بكي غضبناك خواهى شد و آيا تا ابد غيرت تو مانند آتش مشتعل خواهد بود
- ۶ * خشم خود را بر قبايلي كه ترا نمى شناسند و بر مملكتهاى كه اسم ترا دعوت نمى نمايند برينز * زيرا كه يعقوب را تنادل نمودند و منزلش را خراب كردند
- ۸ * گناههاى قدامى ما را در ضد ما بمخاطر مياور و رحمتهاى خود را بزودى بر ما بفرست زيرا كه بسيار كاهيده ايم
- ۹ * اى خداى منجى ما بسبب عظمت اسم خود ما را معاوضت بفرما و ما را مستخلص كن و بسبب نام خود

۱۰ گناههای ما را عفو کن * قبایل چرا بگویند که خدای
ایشان کجاست بفرما که انتقام خون ریخته بندگان
۱۱ تو در میان طوایف در نظرهای ما آشکار شود * ناله
اسیر بحضور تو داخل شود و موافقت عظمت قدرت
۱۲ خود فرزندی را که متوجّب مرگند باقی نگاهدار * دای
خداوند رو کن هفت بار بسینه * آنکسانی که همسایگان
۱۳ ما اند تا سزائی را که ایشان بدو گفتند * و ما که قوم
تو و کوفندگان علفزار تو هستیم شاگرد تو خواهیم شد
تا باید و حمد ترا نیست به پشت آشکار خواهیم کرد

زبور هشتادم

یسالر مغنیان بر سوسنهای شهادت مزمور آصف
۱ ای آنکه با سرائیل شبانی میکنی ویوسف را مانند
گله رهبری میفرمائی اصغاکن دای تو که در میان
۲ کروبین ساکنی درخشان باش * کبریائی خود را در
حضور افرایم و بنیامین و منسه متحرک کن و از نجات
۳ ما بیا * ای خدا ما را باز گردان در روی خود را منور کن

- ۷ که نجات خواهیم یافت * ای خداوند و خدای لشکرها بر
 ۵ دعای قوم تو تا بکسی غضبناک خواهی بود * از تان
 اشک آمیز ایشان را خوراغیدی و از پیمان^۱ اشکها
 ۶ ایشان را نوشاغیدی * ما را سبب نزاع میان همسایگان ما
 میگردانی و دشمنان ما در میان خودشان (با) استهزا
 ۷ مینمایند * ای خدای لشکرها ما را برگردان دروی خود را
 ۸ منور کن که نجات خواهیم یافت * تا که را از مصر
 آوردی و طوایف را اخراج کردی و او را غرس نمودی
 ۹ * و اطرافش را وسعت دادی و بیخهایش را پایدار ساختی
 ۱۰ تا زمین را پر کرد * سایه^۲ او کوهها را و شاخهایش
 ۱۱ سرو آزادی بلند را پوشاغید * شعبهای خود را تا بدریا
 ۱۲ و قریههای خود را تا بروخان^۳ فرستاد * چرا حصارهایش را
 ۱۰ شکستی بطوری که تمامی کسانی که از راه میگذرند او را
 ۱۳ میربازید * گراز جنگلی او را خراب میکند و وحش
 ۱۴ کشت زار او را میخورد * ای خدای لشکرها بازگشت
 بنما و استعدا مینمایم بنگر از آسمانها و به بین و این

- ۱۵ تاک را ملاحظه بفرما * و نهالی را که یحییمن تو غرس نمود
 ۱۶ و فرزند ی را که از جهنم خود استوار کردی * در آتش
 سوخته است و منقطع شده است و (و شمنان) از عتاب
 ۱۷ خشم تو هلاک میشوند * دست تو بر مردم یحییمن
 تو باشد و بر فرزند انسان که از جهنم خود استوار
 ۱۸ میکنی * و از تو باز گشت نخواهیم نمود ما زنده نگاه
 ۱۹ دار و اسم ترا خواهیم خواند * ای خداوند و خدای لشکرها
 ما را باز گردان و روی خود را منور کن که نجات
 خواهیم یافت

- زبور هشتاد و یکم سالار مغنیان بر هکثیت از آن آسف
 ۱ بخدای مقوی ما بسراغید و بخدای یعقوب بخروشید
 ۲ * زبور را بردارید و طبل و بریط و لایز را با سازه ریسمانی
 ۳ بر سازید * بدرمید کرتارا در زمان ماه نو در هنگامی برای
 ۴ روز عید مامعین است * زیرا که این آئین برای
 ۵ اسرائیل و حکم خدای یعقوب است * همین را برای
 شهادت در یوسف بهنگام بیرون رفتن او از زمین

- مصر مقرر فرمود (و خدا میگوید) زبانی را شنیدیم که نه
 ۶ پسندیدیم * و روش او را از بار آزاد کردم و دستهایش
 ۷ از دیگ مستخلص شدند * در تنگ دستی خواندی
 و ترا خلاص نمودم و ترا از پرده رعد استجابت کردم
 ۸ و ترا در اطراف آبهای مریمه آزمودم سله * ای قوم
 من بشنوید و ای اسرائیل بتو شهادت خواهیم داد
 ۹ اگر خواهی که (سخن) مرا بشنوی * نزد تو خدای بیگانه
 ۱۰ نخواهد بود و خدای غریب سجده نخواهی نمود * من
 خداوند خدای تو ام که ترا از زمین مصر بیرون آوردم
 ۱۱ درین خود را واکن که آنرا محلو خواهیم نمود * و قوم من
 آواز مرا نمی شنیدند و اسرائیل مرا قبول نمودند
 ۱۲ * و ایشان را بخوابشهای دل ایشان واگذاشتیم و در
 ۱۳ مشورات خودشان رفتار نمودند * ای کاش قوم
 من (سخن) مرا می شنیدند و اسرائیل در طریقههای
 ۱۴ من روان می شدند * عنقریب دشمنان ایشان را
 ذلیل مینمودم وید خود را در خدمت ایشان بر

- ۱۵ میگردانیدیم * و آنکسانی که مبغض خداوند بودند فرمان
بردار او میگردیدند و زبان ایشان باقی می شد تا
۱۶ یابد * و از بهترین گندم ایشان را می پرورانیدیم و از
عسل سنگی ایشان را سیر میکردیم

زبور هشتاد و دوم مزبور آسف

- ۱ خدا در جماعت خداها می ایستد بل خدا در اندون
۲ ایشان حکم می نماید * تا یکی حکم بنا راستی خواهید
۳ نمود و ظاهرهای شرایر را قبول خواهید کرد * مسکین
و یتیم را بر راستی حکم و مفلوک و بیچاره را عدل بنمائید
۴ * کاهیده و محتاج را مستخلص کنید و از دست شرایر
۵ برهانید * نمی فهمند و ادراک نمی نمایند و در ظلمت
۶ رفتار می نمایند و تمامی اساس زمین میلرزند * و من
گفتم که شما خدا هستید بلکه جمیع شما فرزندان تعالی
۷ میباشد * لیکن مانند انسان خواهید مرد و مثل یکی

۸ از بزرگان خواهید افتاد * ای خدا برخیز و زمین را حکم کن زیرا که تو تمامی طوایف را باریت خواهی داشت

زبور هشتاد و سیم سرود و زمزمور آسف

- ۱ ای خدا تو خموش مباش و ای خدا ساکت مشو و توقف
- ۲ منما * زیرا که دشمنان تو فتنه انگیزند و مبغضان تو
- ۳ سر بر آورند * اساس حیل را در خد قوم تو چیده
- ۴ اند در خد مقدسان تو مشاورات کرده اند * گفته
- ۵ اند بیائید که ایشان را قطع نسل بکنیم تا آنکه دیگر
- ۶ اسم اسرائیل مذکور نباشد * زیرا که همگی از دل
- ۷ مشورت کردند در خد تو عهد می نمایند * اهل لدوم
- ۸ و اسم عیلتیه و موایتیه و اجریه * و گبال و عمون و عالق
- ۹ و فلسستیان با ساکنان صور * و آشور بایشان ملحق
- است و قوت از برای فرزندان لوط گردیدند سله
- * بایشان مانند مدین و مثل سیسرا و مانند یببین نزد

- ۱۰ سیل قیشون عمل نما * که در عین دور تباہ شدند
- ۱۱ و بر زمین مثل سرکین گردیدند * و بزرگان ایشان را
- مانند عَرَب و مثل زاب بلکه تمامی امیران ایشان را
- ۱۲ مانند زبج و مانند خَلَمَنَع بگردان * که گفته اند که از
- ۱۳ جهت خود بوراثت منزلهای خدا را بگیریم * ای خدای
- من ایشانرا در پیش باد مانند شترخار و مثل ساقه غله
- ۱۴ بگردان * و مانند آتشی که جنگل را بسوزاند و مثل
- ۱۵ شعله کوهها را حرق بگرداند * بهمین طور ایشان را
- یا گرد باد خود بران و باد شدید خود ایشان را مضطرب
- ۱۶ بگردان * دروای ایشان را از شرمساری مملو کن
- ۱۷ تا ای خداوند متجسس اسم تو باشند * خجالت بکشند
- ۱۸ و مضطرب بگردند تا بابد و شرمندگی ببرند و بپلاکت
- آیند * و بدانند که تو آنکس میباشی که بمحجوز اسم
- تو بپوه است و تعالی تویی بکل زمین

زبور هشتاد و چهارم

- ۱ سالار مغنیان بر هگنیت مزبور از برای فرزندان قرون.
- ۲ ای خداوند لشکرها مسکنهای تو چه دلپذیر است
- ۳ * جان من آرزومند دهم بیهوش از برای بارگاههای
- ۴ خداوند گردیده است دل من و جسم برای خدای
- ۵ حی وجد نمایند * ای خداوند لشکرها و پادشاه من و خدای
- ۶ من هم کنجشک خانه را و پرستوک آشیانه را که در او
- ۷ بچههای شان را بگذارند فرزند قربانگاههای تو پیدا کرده
- ۸ اند * خوشا حال ساکنان خانه تو زیرا که پیوسته ترا حمد
- ۹ مینمایند سلمه * خوشا حال آنکسی که قوتش از توسست
- ۱۰ و فرازهای (خانه تو همیشه) در دل ایشانست * عبور
- ۱۱ کنندگان دره با که چاه را میکنند و باران ابار را
- ۱۲ مملو میکند * روان میشوند گروه گروه و در صیهون
- ۱۳ پیش خدا ظاهر خواهند شد * ای خداوند و خدای لشکرها
- ۱۴ تصرع مرا اصغاکن دای خدای یعقوب استماع بفرا
- ۱۵ سلمه * ای خدا سپر ما را به بین و بر دی مسیح خود بنگر

زبور داود * ۱۳ * ۸۵ * ۱۵۳

۱۰ * زیرا که روزی در بارگاههای تو از هزار (روز) بهتر است
و در بانی خانه، خدای من تا مانند در خیمهای شرارت
۱۱ از جهت من برگزیده تر است * زیرا که خداوند
و خدا (مثل) آفتاب و (مانند) سپر است و خداوند فضل
و جلال عطا خواهد فرمود و خوبی را از آنانی که براستی
۱۲ رفتار مینمایند کم نخواهد کرد * ای خداوند لشکرها
خوشا حال آنکسی که از تو امیدوار است .

زبور هشتم و پنجم

سالار مغنیان مزمور از برای فرزندان قارون

۱ ای خداوندی که از زمین خود راضی شده، واسیری
۲ یعقوب را رد نمودی * معصیت قوم خود را عفو کرده
۳ و تمامی گناهای ایشان را مستور ساخته، * همه، قهر خود را
دور گردانیده، و از شدت غضب خود باز گشت
۴ نموده، * ای خدای منجی ما را برگردان و خشم خود را
۵ در ضد ما معدوم کن * آیا تا باید در ضد ما غضبناک
خواهی بود و غیظ خود را پشت به پشت طولانی خواهی

۶ کرد * آیا ما را برگزیده زنده نخواهی کرد تا قوم تو
 ۷ از تو شادمان باشند * ای خداوند رحمت خود را با
 ۸ نشان بده و نجات خود را با عطا بفرما * هر آنچه را که
 خدا و خداوند تکلم خواهد فرمود خواهیم شنید زیرا که
 بقوم خود و بمقتدسان خود سلامت بیاورده خواهی نمود
 ۹ تا ایشان با حقّی برگردند * بدرستی که نجات او
 بخائفتان او نزدیک است تا آنکه جلالش در زمین
 ۱۰ ساکن شود * رحمت و حقیقت فراهم آمدند صدق
 ۱۱ و سلام معانقه نمودند * حقیقت از زمین میروید
 ۱۲ و صدق از آسمانها می نگرند * خلاصه خداوند خوبی را عطا
 ۱۳ خواهد فرمود و زمین ثمره اش را خواهد داد * صدق
 در حضورش روان خواهد بود و راه قدمهایش را
 نشان خواهد داد

زبور هشتاد و ششم دعای داود

۱ ای خداوند گوش خود را (بسوی من) فرا دار و مرا
 ۲ استجابت بفرما زیرا که مفلوک و بیچاره ام * جان مرا

محافظت بفرما زیرا که من مقدس و ای تو که خدای منی
 آن بنده تو که از تو امید وار است نجات بده
 ۳ * ای خداوند مرا رحمت بنما زیرا که هر روزه ترا
 ۴ میخوانم * جان بنده خود را شادمان بگردان زیرا که
 ای پروردگار جان خود را بسوی تو مرفوع می نمایم
 ۵ * بدرستی که خداوند تو بتما می دعوت کنندگان خود
 ۶ نیکو و معفو و بسیار رحیم میباشد * ای خداوند تضرع
 ۷ مرا اصفا کن و باواز دعا می من متوجه باش * در
 روز تنگدستی خود ترا خواهیم خواند زیرا که مرا
 ۸ استجابت خواهی کرد * ای پروردگار در میان خدایان
 مانند توئی نیست و خداوند مثل اعمال تو نیست
 ۹ * تمامی طوایفی که ایشان را آفریدی در حضور تو
 خواهند آمد و بسجده خواهند افتاد و باسم تو جلال را وصف
 ۱۰ خواهند نمود * زیرا که تو عظیمی و تو عجایب را بعمل
 ۱۱ می آوری و خدای یگانه توئی * خداوند مرا براه خود
 تعلیم بده که رفتار در حقیقت تو خواهیم نمود و دل

۱۲ مرا برای ترسیدن اسم خود متفق ساز * ای پروردگار
 و خدای من ترا بتامی دل خود شکر خواهم نمود و باسم
 ۱۳ تو تا باید جلال را وصف خواهم کرد * یقین که رحمت
 تو در باره من عظیم است زیرا که جان مرا از
 ۱۴ چاه اسفل را نهدی * ای خدا متکبران در خند من
 مقاومت نمودند و جماعت ظالمان متجسس جان
 ۱۵ من بودند و ترا در نظر خودشان نیاوردند * و تو ای
 خداوند آن خدای رحیم و کریمی که در غضب صابر
 ۱۶ دور رحمت و حقیقت و اثر میباشی * و بسوی من
 نظر نما و مرا رحمت بنما و قوت خود را به بنده خود
 ۱۷ عطا بفرما و بفرزند بنده نسا خود نجات بده * و آیتی را
 که برای نیکوئی من باشد بعمل آر تا مبعوضان
 من به بینند و شرمسار گردند زیرا که تو ای خداوند
 مرا معاونت نمودی و بمن تسلی نمودی

- زبور هشتاد و هفتم مزمور و سرود از برای فرزندان قارون
۲. بنیاد او در کوههای مقدس است * خداوند در دلب
۳. صیهون را بر تمامی اماکن یعقوب ترجیح میدهد * در
۴. باره، توای شهر خدا جلالتها گفته می شوند سلمه * را با ب
- و بابل را بشناسندگان خود و اینک فلسطین و صور
- با کوش را مذکور خواهیم نمود (زیرا که) اینکس در آنجا
۵. زائیده شده است * و در باره، صیهون مذکور خواهیم
- گردید که این بشر و آن بشر در او زائیده شده
۶. است و تعالی خود او را ثابت خواهد کرد * خداوند
- در کتابهای خلاق آشکار خواهد کرد که اینکس در
۷. آنجله زائیده شده است سلمه * هم مغنیان و هم سازندگان
- و تمامی چشمهای من در توسست

زبور هشتاد و هفتم

سرود و مزمور برای فرزندان قارون سالار مغنیان بر محکمات

لعنوت تعلیم حیمان ازراحی

۱ ای خداوند و خدای منجی من روز و شب پیش تو

- ۴ فریاد نمودم * که دعای من بحضور تو داخل شود گوش
 ۳ خود را بفریاد من فرا دار * زیرا که جان من از بلاها مملو
 ۲ است و حیات من نزدیک بقبر است * و شمرده
 شده ام بانگسائی که بچاه فرو میروند و مانند شخص
 ۵ بیقوت گردیدم * در میان مردگان من آزاد میباشم
 مانند کشتگانی که در قبر میخوانند که ایشان را دیگر
 بمخاطرنمی آوری و ایشان بدست تو منقطع می شوند
 ۶ * مرا در چاه اسفلان در تاریکیها و در عمیقها گذاشتی
 ۷ * غضب تو بر من شکجه می نماید و مرا در امواج خود
 ۸ مبتلا گردانیدی سله * شناسندگان مرا از من دور
 نمودی و مرا سبب نفرت ایشان گردانیدی که
 ۹ محبوسم و بیرون نمی توانم آمد * چشم من از بلامی
 من ضعیف میشود ای خداوند در هر روز ترا خواندم
 ۱۰ و دستهای خود را بسوی تو بلند کردم * آیا عجایب را
 باهل موت عمل خواهی نمود و یا مردگان بر خواسته
 ۱۱ ترا شکر خواهند کرد سله * آیا رحمت تو در قبر

- ۱۲ و حقیقت تو در هلاکت آشکار خواهی گردید * ایا
عجایب تو در تاریکی و یا صداقت تو در زمین
۱۳ نسیان معروف خواهی شد * دای خداوند ترا استغاثه
۱۴ نمودم و در صبحدم تضرع من بتو خواهی رسید * ای
خداوند چرا جان مرا دور میگردانی در وی خود را از من
۱۵ مستور مینمائی * من از طفولیت مفلوک و نزدیک
یمرگ شدم و حامل ترسهای تو بوده مضطرب
گردیدم * غضبهای تو بر من عبور می نمایند و ترسهای
۱۶ تو مرا منقطع میکنند * هر روز مانند آبها مرا احاطه
۱۸ نمودند و هم دیگر در ضد من دایره بستند * دوست
و رفیق را از من دور نموده و شناسندگان مرا در
ظلمت (میگذاری)

زبور هشتم و نهم تعلیم ایشان از راهی

۱ رحمتهای خداوند را تا باید خواهیم سرائید (ای خداوند) بدین
خود وفاداری ترا پشت به پشت معروف خواهیم گردانید

۲ * زیرا که گفتم که رحمت تا باید پایدار خواهد بود و در خود
 ۳ آسمانها وفاداری خود را ثابت خواهی کرد * (و فرموده) عهد
 به برگزیده خود کردم و به بنده خود داود سوگند خوردم
 ۴ که از تیرت ترا تا باید ثابت خواهم کرد و تخت ترا پشت
 ۵ بهشت پایدار خواهم ساخت سله * و ای خداوند آسمانها
 عجاایات ترا بل وفاداری ترا در اجتماع مقدسان
 ۶ تمجید خواهند کرد زیرا که کیست در سپهر که بخداوند
 مقابله تواند شد و کیست در میان فرزندان نیرومندان
 ۷ که بخداوند مشابیهت تواند یافت * خدا در جنات
 مقدسان بسیار مهیب و نرد تمامی حوایانش سهمگین
 ۸ است * ای خداوند و خدای لشکرها ماخذ تو خداوند
 ۹ قادر مطابق کیست به رستی که وفاداری تو در اطراف
 ۱۰ تو میباشد * تو در خروش دریا تسلطی نمائی و تلاطم
 ۱۱ امواجش را فرو می نشانی * راب را مانند زخم دار
 ۱۲ و رفتی و بجای قوت خود دشمنان خود را برگزیده
 ۱۳ نمودی آسمانها از آن تست بل زمین از آن تست

۱۲ و جهان و مملویش قو ایشان را بنانهادی * تو شال
 و جنوب را آفریدی (کوه) نابور و حرمون اسم ترا خواهند
 ۱۳ سرائید * بازوی قوت از آن تست دست تو قوی
 ۱۴ و بحین تو بلند است * راستی و حکم در مکان عرش
 تست رحمت و حقیقت پیش روی تو میروند
 ۱۵ ای خداوند خوشحال آنقوی که باواز شادمان عارف
 ۱۶ میباشند و در نور دیدار تو روان خواهند شد * در اسم
 تو تمامی روز و جد خواهند نمود و در صداقت تو مرفوع
 ۱۷ خواهند شد * زیرا که عظمت قوت ایشان توئی
 ۱۸ و شاخ ما در لطف تو مرفوع خواهد گردید * زانرو که
 ضلوعند سپر ما و مقدس اسرائیل پادشاه ماست
 ۱۹ * آنگاه در رویا بمقدس خود نگلم نموده فرمودی که
 نصرت را بر اهل کبار نهادم و کسی که از قوم برگزیده
 ۲۰ شده است مرفوع نمودم * بنده خود داد را گزین
 ۲۱ نمودم و برونش مقدس خود او را چرب کردم * زانرو
 که دست من باو استوار خواهد شد و بازوی من

- ۲۲ نیز اورا پرزور خواهد گردانید * دشمن از د بزدور
نخواهد گرفت و فرزند ظلم اورا مبتلا نخواهد گردانید
۲۳ * و اعدای اورا از حضورش خواهم کوفت و مبغضانش را
۲۴ خواهم آزرده * اما وفاداری من در رحمت من با اوست
۲۵ و در اسم من شاخ او مرفوع خواهد گشت * و دست
۲۶ اورا بر دریا و بحیرین اورا برودخانهها خواهم نهاد * و مرا
خواهد خواند که پدر من و خدای من و کوه منجی من
۲۷ تویی * و من نیز اورا مولود نخستین و بالاتر از
۲۸ پادشاهان زمین خواهم گردانید * از جهش رحمت
خود را تا بابد محافظت خواهم کرد و برایش عهد من
۲۹ استوار خواهد بود * و زیرت اورا دائم و تخت او ایستند
۳۰ ایام آسمانها خواهم گردانید * اگر فرزندان او شریعت
۳۱ مرا و گذارند و در احکام من رفتار ننمایند * و اگر در
۳۲ حقوق مرا معدوم کنند و فرمانهای مرا نگاه ندارند * آنگاه
تجاوزهای ایشان را بعضا و معصیت ایشان را بضر بها
۳۳ عقوبت خواهم نمود * اما رحمت خود را از د نخواهم بر

- ۳۴ داشت و در وفاداری خود کاذب نخواهم بود * عهد
خود را معدوم نخواهم نمود و آنچه از لبهای من بیرون
۳۵ رفته است متغیر نخواهم کرد * یکبار بقدس خود
۳۶ سوگند خوردم و بداد دروغ نخواهم گفت * زرقتش تا
بابه و تخت او در حضور من مانند آفتاب باقی
۳۷ خواهد بود * تا بابه مثل ماه و مانند شاهه مبتین که در
۳۸ سپهر است ثابت خواهد شد * اما تو مسیح خود را دور
۳۹ نموده و نفرت کرده و با او غضبناک شده * عهد
به بنده خود معدوم کرده و تاج او را بر زمین انداخته
۴۰ نجس کرده * تمامی حصارهایش را شکسته و امنهایش را
۴۱ خراب گردانیده * تمامی عابران راه او را خراب میکنند
و از برای همسایگانش سرکوب گردیده است
۴۲ * دست راست اعدای او مرفوع نموده و تمامی
۴۳ دشمنان او را شادمان گردانیده * دم شمشیر او را
۴۴ نیز برگردانیده و او را در جهاد قائم نکردی * پاکی او را
موقوف و تخت او را در خاک منهدم گردانیده

- ۸۵ * آیا مهربانی جوانی او را مختصر کرده؛ و شرمندگی بر او
- ۸۶ پوشانیده؛ سله * ای پروردگار آیا تا بکسی خود را تا باید
- محجوب خواهی کرد و یا غضب تو مانده آتش مشتعل
- ۸۷ خواهد گشت * بمخاطر آر که عمر من چند است چرا
- ۸۸ تمامی فرزندان انسان را با عبت آفریده؛ * کیست
- آئینم که زیست خواهد نمود و مرگ را نخواهد دید
- (و یا کیست) که جان خود را از دست قبر مستخلص
- ۸۹ تواند کرد سله * ای پروردگار کنجاست رحمت‌های
- ۹۰ پیشین تو که در وفاداری خود به داد سوگند خوردی * ای
- پروردگار ملامت بندگان خود را بل ملامت تمامی
- بزرگان خلائق را که بسینه خود حمل کرده اند بمخاطر
- ۹۱ آر * (که) ای خداوند بچه طور دشمنان تو ملامت کنند
- و بچه طور نقش پایمی مسیح ترا سرکوب مینمایند
- ۹۲ * مبارکباد خداوند تا باید آمین و آمین

زبور نودم دهایی موسی مرد خدا

- ۱ ای خداوند تو پشت به پشت (معین) معان ما
- ۲ بوده * قبل از آنکه کوهها بوجود آمده باشند و زمین
- ۳ و جهان را خلق گردانی تو از ازل تا باید خدائی
- * انسان را بمحدودی باز میگردانی و میفرمائی که ای
- ۴ فرزندان انسان باز گردیدند (باصل خود) * زیرا که در نظر
- تو هزار سال مانند دیر است و پاسی که از شب گذشته
- ۵ باشد * چون سیلاب ایشان را بر داشته می بری و مانند
- رویا و گیاه میباشند که در صبحدم تر و تازه میگرد
- ۶ * بلکه صبحدم می شکوفه و نشو و نما می نماید و در شامگاه
- ۷ ویران و پژمرده میشود * زیرا که در غیظ تو با تمام رسیده
- ۸ ایم و در غضب تو مضطرب میباشیم * معصیت‌های ما را
- در نظر خود و گناهان پنهان ما را در روشنی حضور خود
- ۹ آوردی * زیرا که همه روزهای ما در غضب تو باختر
- میرسند و سالهای خود را چون حکایت با تمام می رسانیم
- ۱۰ * ایام سالهای ما هفتاد سال است و اگر سبب قوتها

بهشتاد سال برسد و زیاده از آنها تعب در نچ است
 ۱۱ بدرستی که بزودی منقطع شده پرواز می نائیم * کیست
 که قوت غیظ تو بداند و غضب تو مانند هیبت تست
 ۱۲ * مارا عارف بشمردن ایامهای ما بگردان تا از دل
 ۱۳ نفکرت حکمت نائیم * ای خداوند رجعت کن تا بکی
 ۱۴ و بر بندگانت تسلی ده * تا در صبح از رحمت تو
 معمول شویم و در تمامی ایام خود خوشنود گردیم و وجد نائیم
 ۱۵ * مارا شادمان بگردان عوض آن روزائی که مارا
 مبتلا گردانیده و بان سالهایی که ستمهارا دیده ایم
 ۱۶ * صبح تو به بندگان تو و عظمت تو بفرزندان ایشان
 ۱۷ پدیدار آید * و خرمی خداوند و خدای ما بر ما باشد و کار
 دستهای ما را برای ما استوار نما بلکه عمل دستهای
 ما را ثابت کن

زبور نود و یکم

۱ آنکسی که در مکان پنهان تعالی نشیند در سایه
 ۲ قادر مطلق بر خواهد بود * بخداوند خواهم گفت که پناه

- ۳ من و ملجاء من و خدائی که من با و متوکلم توئی
 * بدرستی که او ترا از دام صیاد و از دیای هولناک
 ۴ مستخلص خواهد کرد * و ترا در آنچه خود مستور
 خواهد نمود و بزیر کفهای او پناه خواهی آورد که
 ۵ حقیقت او سپر و جُنه می باشد * از خوف شب
 ۶ و از تیر که در روز می پرد * از وبائی که در تاریکی
 می گردد و از بلائی که وقت ظهر ویران میکند نخواستی
 ۷ ترسید * هزار از طرف تو و ده هزار از بهین تو (از
 ۸ بلا) خواهند افتاد و بتو نخواهد رسید * مجرّو چشمهای
 ۹ خود خواهی نگریست و جزاء اشرار را خواهی دید * بدرستی
 که منی خداوند پناه من توئی و (ای کسی که) تو تعالی را
 ۱۰ تا من خود گردانیده * بلا بتو نخواهد رسید و با جخمه
 ۱۱ تو نزدیک نخواهد نمود * زیرا که ملائکه خود را برای
 تو فرمان خواهند داد تا آنکه در همگی طریقه های تو
 ۱۲ ترا نگاه بدارند * و بدستهای (خودشان) ترا خواهند بر
 ۱۳ داشت و با پای تو بر سنگ بخورد * بر شیر

و افعی پا خواهی نهاد شیر بچه و نهنگ را پایمال خواهی
 ۱۴ نمود * (و میفرماید) بدرستی که (اینکس) که بر من عاشق
 شد او را مستخلص خواهم کرد و او را بلند خواهم نمود از
 ۱۵ آئرد که اسم مرا دانست * مرا خواهد خواند و او را
 استجابت خواهم کرد و با او در تنگدستی خواهم بود
 ۱۶ و او را خلاص خواهم نمود و او را تعظیم خواهم کرد * و او را
 از ایام مطول مملو ساخت و سلامت من او را
 متبصر خواهم گردانید

زبور نود و دوم مزبور و سرود از برای یوم سبت

۱ اقرار بخداوند و سرائیدن اسم تو ای تعالی نیکو
 ۲ * که رحمت ترا در صبح و وفاداری ترا در شبها آشکار
 ۳ کنند * با سازده تار و بر نبل و بر هگایون و با بربط
 ۴ * زیرا که ای خداوند مرا بصنع خود شادمان گردانیده
 ۵ و در کارهای دست تو تفاخر خواهم نمود * ای خداوند
 اعمال تو چه عظیم است و اندیشه های تو بسیار عمیق

- ۶ است * این را مرد حق نمیداند و عدیم الفهم ادراک
- ۷ نمی نماید * هنگامی که شرابیر مانند گیاه می شگوفند و تمامی
فساد کنندگان نشو و نما می نمایند از برای اینکه منقطع
- ۸ شوند تا بابد * وای خداوند تو تا بابد تعالی میباشی
- ۹ * زیرا که اکنون ای خداوند دشمنان تو و بدرستی که
اینک مبغضان تو هلاک خواهند گشت و تمامی فساد
- ۱۰ کنندگان پرانده خواهند گردید * و شاخ مرا مثل شاخ
کمرگدن بلند خواهی کرد و بروغن تازه چرب کرده
- ۱۱ خواهیم شد * و چشم من بر حاسدان خود خواهد نگر بست
و گوش من در حق شرابیری که در ضد من مقاومت
- ۱۲ می نمایند خواهد شنید * صدیق مانند درخت خرمای خواهد
شگفت و مثل سرو آزاد در لبنان نمو خواهد نمود
- ۱۳ * آن کسانی که در خانه خداوند نشانده میشوند در
- ۱۴ بارگاههای خداوند خواهند شگفت * و هم در پیری نشو
و نما خواهند نمود و تر و تازه خواهند بود * از برای آشکار

کردن آنکه خداوند راستست و کوه من است که
در او ناراستی نیست

زبور نود و سیم

۱ خداوند پادشاهی می نماید و آرایش خداوند لباس
کبریا نیست و خود را بقوت بسته است و جهان را
چنان ثابت کرده است که مختلک نخواهد شد
۲ * (خداوند) عرش تو از ایام قدیم ثابت است و تو
۳ همیشه میباشی * ای خداوند نهرها بلند گردانیدند و سیلها
مرتفع نمودند آواز خود را و تلاطم خود را مرفوع گردانیدند
۴ * لکن خداوند در علوی از ندای آبهای بسیار و از
۵ امواج پر زور دریا زور آور تر است * ای خجلوند
شهادت تو بسیار صدق است و زینت خانه تو
تقدس تا ابد الابد

زبور نود و چهارم

۱ ای اله منتقم و پروردگار و خدای منتقم درخشان

- ۲ باش * ای حاکم زمین برتری کن و بر متکبران
- ۳ جزا بده * ای خداوند تا بکی اشرار و تا چند شرابیر نفاخر
- ۴ خواهند نمود * و گفتگو خواهند کرد و حرفهای درشت
- خداوند زد و تمامی فساد کنندگان خود فروشی خواهند نمود
- ۵ * ای خداوند قوم ترا پایمال میکنند و میراث ترا مبتلا
- ۶ میسازند * بیوه و غریب می کشند و یتیمان را بقتل
- ۷ میبرسانند * و میگویند که خداوند نخواهد دید و خدایی
- ۸ یعقوب نخواهد فهمید * ای احمقانی که در میان
- خلق میباشند بفهمید و ای ابله‌ها که کسی خواهد دریافت
- ۹ * آن کسی که گوش را آفرید آیا نخواهد شنید و چشم را
- ۱۰ چیست نمود آیا نخواهد دید * آن کسی که طوایف را
- تنبیه می نماید و بمردم تعلیم حکمت میدهد آیا عقوبت
- ۱۱ نخواهد فرمود * خداوند اندیشه‌های انسان را میداند که
- ۱۲ آنها عیث میباشند * ای خداوند خوشا حال آنکسی
- که او را عتاب نمیکنی و او را از شریعت خود تعلیم
- ۱۳ میدهی * که او را از آیام بلا ساکن بگردانی تا چاه از

- ۱۴ برای اشرار کنده شود * زیرا که خداوند قوم خود را و نخواهد گذاشت و میراث خود را ترک نخواهد کرد
- ۱۵ * زیرا که شاه صارق حکم را خواهد برگردانید و تمامی
- ۱۶ راستدلان در پی او روان خواهند شد * کیست که از جهنم من در خدمت باشرار مقاومت خواهد نمود
- کیست که از برای من در خدمت فساد کنندگان
- ۱۷ خواهد ایستاد * اگر خداوند ناصر من نمی بود نزدیک آن بود که جان من در خواموشی ساکن شود
- ۱۸ * گفتم هنگامی که پامی من بلغزد رحمت تو ای خداوند مرا نگاه خواهد داشت * تسلیهای تو در بسیاری اندیشههای من که در قلب منند جان مرا نجات
- ۲۰ گردانیدند * آیا تخت شرایر که ظلم را بطریقه شریعت حکم مینمایند شریک تو خواهد شد * بر جان جدیق
- ۲۲ هجوم می آورند و بر خون بی تقصیر حکم نمایند * لیکن خداوند ملجاء من و خدای من و قوت پناه من است
- ۲۳ * و ناراستی ایشان را بر ایشان خواهد برگردانید و در

شرارت ایشان ایشان را منقطع خواهد کرد (بلکه)
خداوند و خدای ما ایشان را منقطع خواهد نمود

زبور نود و پنجم

- ۱ بپائید تا خداوند را حمد نمائیم و کوه منجی ما را بسرائیم
- ۲ * با شکر گذاری در حضورش داخل شویم و بزبور او را
- ۳ تسبیح نمائیم * زیرا که خداوند خدای بزرگ و پادشاه بر
- ۴ تمامی خدایان عظیم است * و عمیقهای زمین در
- ۵ دست اوست و فراز کوهها از آن اوست * و او راست
- دریا که او را آفرید و دستهایش خشکی را صنع نمود
- ۶ * بپائید که در حضور خداوند و آفریننده خود سجود در کعبه
- ۷ نمائیم و بر زانو بیفتیم * زیرا که او خدای بااست و ما
- قوم علفزارش و گوسفند دستش میباشیم امروز اگر
- ۸ آواز او را بشنوید * دلهای خودتان را مانند منازعه و منل
- ۹ یوم امتحان در تیمه سخت مگردانید * (و میفرماید)
- هنگامی که پدران شما را آزمودند و امتحان کردند

۱۰ و عمل مرا دیدند * چهل سال از آن فرقه زریغم
آمد و گفتم که آنها قومی اند که قلبا گمراه شده اند و راههای
۱۱ مرا ندانستند * چنان که در خشم خود سوگند خوردم
که در راحت من داخل نخواهند گردید

زبور نود و ششم

۱ خداوند را بسرود نازه بسرائید و ای تمامی (خلایق) زمین
۲ خداوند را تسبیح نمائید * خداوند را بسرائید و شاکر اسمش
۳ باشید در روز بروز نجاتش را مطلع سازید * جلال او را
در میان طوائف و عجایبات او را در میان خلایق
۴ آشکار بکنید * زیرا خداوند عظیم است و بسیار لایق
حکم است خودش بر فوق تمامی خدایان سهمگین
۵ است * زیرا که تمامی خدایای خلایق بتها میباشند لکن
۶ خداوند آسمانها را خلق کرد * عزت و بزرگی در حضورش
۷ و کبریا و زینت در مقدس او میباشند * ای فسائل
قومها توصیف خداوند کنید جلال و کبریائی خداوند را

- ۸ تهلایل نمائید * عظمت اسمش را بخداوند وصف
بنمائید و هدیه برسائید و در بارگاههایش داخل شوید
- ۹ * خداوند را در زینت تقدس سجده نمائید و ای تمامی
۱۰ (خلایق) جهان از حضورش بترسید * در میان طوایف
بگوئید که خداوند پادشاهی مینماید و جهان را چنان
ثابت میکند که متحرک نتواند شد و خلایق را براستی
۱۱ حکم خواهد نمود * آسمانها شادمان باشند و (خلایق)
۱۲ زمین و جد نمایند دریا و مملویش غرش کنند * کسنت
زار وهر آنچه در اوست مسرور باشند آنگاه تمامی
۱۳ درختهای جنگل خوشنود خواهند گردید * در حضور
خداوند زیرا که می آید بدرستی که برای تحکیم زمین
می آید جهان را براستی و خلایق را بوفاداری حکم
خواهد نمود

زبور نود و هفتم

- ۱ خداوند پادشاهی میکند و زمین بوجد می آید و بسیار
۲ جزیرها شادمان باشند * ابرها و تاریکی در اطرافش

- ۳ میباشند صدق و حکم آراستگی عرش اوست * آتش
در حضورش می رود و اعدای او را در اطراف میسوزاند
- ۴ * برقش جهان را منور ساخت زمین دید و لرزان
- ۵ گردید * کوهها مثل موم در حضور خداوند (بل) در
- ۶ حضور پروردگار تمام زمین گداخته شدند * آسمانها
صدق او را آشکار می نمایند و تمامی خلایق جلال او را
- ۷ خواهند دید * تمامی آن کسانی که بصورت های کندن
کار عبادت میکنند و به بتها فخر مینمایند شرمندگی
- ۸ میبرند ای تمامی فرشتگان او را سجده بنمائید * صهیون
شنید و شادمان گردید و دختران یهودا بسبب احکام
- ۹ تو ای خداوند بوجد آمدند * بدرستی که تو ای
خداوند بر تمامی (ساکنان) زمین تعالی و بر فوق تمامی
- ۱۰ فرشتگان مافوق میباشی * ای کسانی که محبتان
خداوند میباشید بدمی را بغض نمائید که جان مقدسانش را
- نگاه دارد و ایشان را از دست شرایر مستخلص کند
- ۱۱ * نور از جهت صدیق و شادمانی^۱ از جهت راستمدان

۱۳ مژدوع است * ای صدیقان از خداوند خوشنود
باشید دور تذکر پاکیش شکر گذاری بنمائید

زبور نود و هشتم مزمور

- ۱ بخداوند تسبیح ناز را بسرائید زیرا که عجایبات را
بعمل آورده است . بحین او و بازوی مقدس او
- ۲ نجاتش را پیدا کرده است * خداوند نجات خود را
معروف گردانید و صداقت خود را در میان طوائف
- ۳ آشکار نمود * رحمت خود را و وفاداری خود را بسوی
خانه اسرائیل ذکر نمود و تمامی انجماهای زمین نجات
- ۴ خدای ما را خواهند دید * ای تمامی (ساکنان) زمین
بخشایند . بخروشید و ندای بلند بنمائید و تمجید بکنید
- ۵ و بسرائید * بخداوند بر بریط (ویل) با بریط و باواز تسبیح
- ۶ بسرائید * بنفیر و آواز کرنای در حضور پادشاه و خداوند
- ۷ بخروشید * دریا و مملوتیش و جهان و تمامی آنانی که در
- ۸ او ساکنند غرش بنمائید * رودخانهها هر جا بگویند و کوهها
- ۹ با هم دیگر بوجد آیند * در حضور خداوند زیرا که برای

تحکم زمین می آید جهان را بمصدق و خلائق را براستی
حکم خواهد نمود

زبور نود و نهم

- ۱ خداوند پادشاهی مینماید و قومها مرتعش گردند و در
میان کثرت بین ساکن است و زمین متزلزل گردد
- ۲ * و خداوند در صیهون عظیم است و خود بر فوق تمامی
خلائق مافوق است * باسم تو شکر بنمایند (زیرا که) او
- ۳ عظیم و سهمگین و مقدس است * پادشاه مقتوی
عدالت را دوست میدارد (ای خدا) تو راستی را ثابت
کردی عدالت و صداقت را در یعقوب بعمل آوردی
- ۴ * رفعت خداوند و خدای ما را وصف بنمایند و در بای
تخت او سجده بکنند (زیرا که) او مقدس است
- ۵ * موسی و هرون در میان کاهنان او و شموئیل در میان
دعوت کنندگان اسم او خداوند را خوانند و او ایشان را
- ۶ استجابت فرمود * در ستون ابر بایشان نغمه نمود
و شهادت او را و آئین را که از جهت ایشان مقرر

۸ فرمود نگاه داشتند * ای خداوند تو خدای مائی و ایشان را
 استجابت فرمودی و از برای ایشان خدای معاف
 بودی اگر چه بر کوششهای ایشان انتقام کشیدی
 ۹ * رفعت خداوند و خدای ما را وصف بنمائید و در کوه
 مقدس او سجده نمائید زیرا که خداوند و خدای ما
 مقدس است

زبور یکصدم مزبور اقرار
 ۲ ای تمامی (ساکنان) زمین بخداوند بخروشید * خداوند را
 بشادمانی عبادت نمائید و حمد کنان در حضورش داخل
 ۳ شوید * خداوند را بدانید که خداست نه ما خود را (آفریدیم
 بلکه) او ما را آفرید قوم او و گوسفندان علفزارش
 ۴ میباشیم * در درویش باقرار و در بارگاههایش حمد
 کنان داخل و او را تمجید نمائید و شاکر اسم او باشید
 ۵ * زیرا که خداوند نیکوست رحمت او تا بابد و وفاداری
 او پشت به پشت باقی است

زبور صد و یکم مزبور داود

- ۱ رحمت و حکم (ترا) خواهم سرائید وای خداوند ترا خواهم
- ۲ سرائید* در راه کامل حکیمانه خواهم رفت کسی (معاذمت)
- ۳ من خواهی رسید و در ساده لوحی دل خود در اندرون
- ۴ خانه خود رفتار خواهم نمود* کار فاسد را بنظر نخواهم
- آورد و عمل کجبرندگان را بغض خواهم کرد و بمن
- ۵ ملحق نخواهد گشت* و (مرد) دل مرده از من
- ۶ دور خواهد شد و شیریرا نخواهم پسندید* آنکسی که به
- پنهانی رفیق خود را دشنام میدهد او را منقطع خواهم
- کرد و شخص بلند چشم و بین دل را متحمل نخواهم
- ۷ گردید* چشمهای من بر مؤمنین زمین است تا
- ۸ یا من ساکن شوند و آنکسی که براه کامل میگردد
- ۹ بمن خدمت خواهد کرد* فریب کننده در اندرون
- خانه من ساکن نخواهد گشت و دروغ گوینده پیش
- ۱۰ چشمهای من ثابت نخواهد شد* در صبحدم غمی

اشرار زمین را منقطع خواهم کرد تا همگی فساد
کنندگان از شهر خداوند دور گردیده شوند

زبور صد و دوم

دعای مغلول هنگامی که اندوهناک شد و اندیشه*
خود را در حضور خداوند گذراند

- ۱ ای خداوند دعای مرا استماع بفرما که استغاثه من
- ۲ بتو برسد * روی خود را در روز تنگدستی من از من
- مستور مکن گوش خود را بمن فرا دار دور ردزی
- که (ترا) دعوت کنم بی درنگ مرا استجابت کن
- ۳ * زیرا که روزهای من مانند دود با تمام میرسند و استخوانهای
- ۴ من مثل هیمر سوخته است * دل من در دیده شد
- و مانند گیاه خشک گردید زیرا که خوردن نان خود را
- ۵ فراموش کردم * از آواز نالش من استخوانهای
- ۶ من پیوست من چسبید * شبیه بجای خوار گشتم
- ۷ و مانند بوم در خرابها گردیدم * بیدار شدم دیالای بام
- ۸ مانند کنجشک تنها گشتم * دشمنان من مرا در تمامی

روز فحش میگویند و انگسانی که بر من فخر مینمایند
 ۹ در خد من هم قسم شدند * زیرا که خاکتر را مثل نان
 ۱۰ خوردم و اشربه خود را با اشک آمیختم * بسبب خشم
 و غضب تو زیرا که مرا بر داشتی و مرا فرد انداختی
 ۱۱ * روزهای من مانند سایه مطول میگردند و خودم مثل
 ۱۲ گیاه خشک گردیدم * اما تو ای خداوند نا باده باقی
 ۱۳ میباشی و ذکر تو پشت به پشت است * تو خواهی
 بر خواست و صیهون را ترحم نمود زیرا که موسم
 ۱۴ تلاف باو بلکه زمان معینش رسیده است * بدرستی
 که عابدان تو از سنگهایش راضی و از خاکش خوشنود
 ۱۵ میباشند * و طوائف از اسم تو و همگی پادشاهان زمین
 ۱۶ از جلال تو خائف خواهند شد * هنگامی که خداوند
 صیهون را معمور سازد در جلال خود ظاهر خواهد شد
 ۱۷ * مدعای بیچاره متوجه میباشند و تصرع ایشان را حقیر
 ۱۸ نمینمایند * اینها از جهت قرن آینده مکتوب خواهد
 گشت و قومی که آفریده خواهد شد خداوند را حمد خواهند

- ۱۹ نمود * بدرستی که خداوند از علو مقدس خود نگر نیست
- ۲۰ بل از آسمان بر زمین نظر فرمود * تا نالش اسپران را بشنود و فرزندان را که مستلزم هرگند مستخلص نماید
- ۲۱ * تا آنکه اسم خداوند در صیهون و حمدش در اورشلیم
- ۲۲ آشکار شود * در هنگامی که قومها و (ساکنان) ممالک
- ۲۳ از برای عبادت خداوند مجتمع میگرددند * قوت
- ۲۴ مرا در راه کم گردانید و ایام مرا مختصر ساخت * گفتم که ای اله من در نصف روزهای من مرا بر مدار (آ)ا
- ۲۵ سالهای تو پشت به پشت است * در ایام قدیم زمین را بنا نمودی و آسانها عمل دستهای تو میباشد
- ۲۶ * ایشان ضایع خواهند گشت لکن تو قیوم میباشد و تمامی ایشان مثل پوشاک مندرس خواهند گردید و ایشان را مانند لباس تبدیل خواهی داد و تغییر
- ۲۷ خواهند یافت * اما تو همان میباشی و سالهای تو با تمام
- ۲۸ نمیرسند * اولاد بنده تو باقی خواهند بود و ذریت ایشان در حضور تو ثابت خواهند گشت

زبور صد و سیم از آن داود

- ۱ ای جان من دای تمامی قلب من خداوند را داسم
- ۲ مقدس او را تسبیح بنمائید * ای جان من بخداوند
- ۳ شکر بنما و تمامی نعمتهای او را فراموش مکن * کسی
- ۴ همه معصیت ترا عفو مینماید و تمامی امراض ترا شفا
- ۵ میدهد * کسی حیات ترا از هلاکت میراند و بمهربانی
- ۶ و رحمتها ترا مکرر میگردد * کسی دهن ترا به نیکوئی
- ۷ مملو میکند بطوری که جوانی تو مانند (جوانی) عقاب
- ۸ تازه میگردد * خداوند عدالتها و حکمها را از برای تمامی
- ۹ مظلومان بعمل می آورد * راهبانش را بمحبتی
- ۱۰ و اهلایانش را به بنی اسرائیل معروف گردانید
- ۱۱ * خداوند رحیم و کریم و دیر غضب و بسیار شفیق است
- ۱۲ همیشه منازعت نمی نماید و خشم را تا باید نگاه ندارد
- ۱۳ * ما را موافق گنامان ما عمل ننمود و مطابق معصیتهای
- ۱۴ ما بجا عوض نداد * زیرا که رحمت او برای خائفانش

- ۱۲ مانند بلندی آسمانها که بر فوق زمین است * تجاوزهایی
 ما را مانند میاعدت مشرق تا مغرب از ما دور نموده
 ۱۳ است * رحمت خداوند برای خائفانش شبیه است
 ۱۴ بحر رحمت پدر بر فرزندانیش * زیرا که او بر خلقت
 ما عالم است و بخاطر میگذراند که ما خاک میباشیم
 ۱۵ * آیام انسان گیاهست و همچنانی که گل در چمن
 ۱۶ می شکوفد * ز آنرو که باد از دور مینماید و او ناپدید
 ۱۷ است و جایش دیگر او را نخواهد دید * و رحمت
 خداوند برای خائفانش و صداقت او از جهت اولاد
 ۱۸ با اولاد ایشان از ازل تا باید است * برای آنکهسانی
 که عیب او را نگاه دارند و فرمانهایش را بخاطر می آورند
 ۱۹ تا آنکه ایشان را عمل نمایند * خداوند عرش خود را
 در آسمانها ثابت کرده است و پادشاهی او بر همه^۶
 ۲۰ (اشیا) تسلط میراند * ای ملائکههایی او که صاحبان
 قوت بوده امر او را بعمل می آرید و آواز کلام او را
 ۲۱ می شنوید خداوند را شکر بنمائید * ای تمامی لشکرایش

و خاوانش که ارادت او را بجای می آورید خداوند را
 ۲۲ شکر بنمائید * ای تمامی مخلوقات او در تمامی مقامهای
 پادشاهیش خداوند را شکر بنمائید و ای جان من خداوند را
 شکر بنما

زبور صد و چهارم

۱ ای جان من خداوند را شکر بنما ای خداوند واله من
 ۲ بسیار عظیم میباشی عزت و بزرگی را پوشیدی * نور را
 مانند لباس پوشیدی و آسمانها را مثل پرده مطول
 ۳ ساختی * کسی حجرهای خود را در آنها آماده میکند و ابرها را
 ۴ عرابه خود میگرداند و بر اجنه باد رفتار مینماید * کسی
 فرشتگان خود را روحانی و ملازمان خود را شعله آتش
 ۵ میگرداند * زمین را با اساسش بنا کرد که تا بابد هر
 ۶ گز متحرک نمی شود * (دریای) عمیق را مانند لباس
 بر او پوشانید (ای خدا) ابرها را از بالای کوهها گذرانیدی
 ۷ * (زبان) مانعت تو گرد بختند و از آواز رعد تو بزریر
 ۸ شتافتند * بکوهها بر آمدند و از درهها بجائی که از

- ۹ جهت ایشان بنا کرده‌ی فرد رفتند * حدی بر (ایشان)
 نهادی که تجاوز نکنند و بفرو گرفتن زمین پر نکردند
 ۱۰ * و (خداوند) چشمه‌ها را بر سیل‌هایی که از کمر کوه جاریند
 ۱۱ روان میگرداند * تمامی حیوانات صحرا می نوشند
 ۱۲ و کور را دفع تشنگی خود میکنند * طيور هوا در اطراف
 ۱۳ ایشان می نشینند دور میان برگها می سرائند * از
 ۱۴ ابرای خود کوه‌ها را شاداب میگرداند (خداوند) زمین
 ۱۵ از حاصل صنع تو مملو است * کسی گیاه را از برای
 دواب و سیزه را از جهت استعمال انسان میرویانند
 ۱۶ تا آنکه نان از زمین برود * و شراب که دل انسان را
 بشادمانی میگرداند در وشن که رویش را درخشان
 میسازد و نان که دل انسان را پشتیبان است
 ۱۷ (عطا میفرماید) * درختهای خداوند سرو آز دای لبان
 ۱۸ که ایشان را غرس کرد از عرق مملو اند * دور آنها
 هرقان آشیانه می سازند و خانه لقلق در صنوبر است
 ۱۹ * جبال بلند از جهت بزیای کوهی و سنگها برای

- ۱۹ خرکوشها مامن میباشدند * ماچرا برای فصلها مقرر
- ۲۰ میفرماید و آفتاب بغروب خود داناست * (ای خدا)
- تاریکی را میفرستی و شب در می آید آنگاه تمامی
- ۲۱ حیوانات جنگل بیرون میروند * شیر بچگان غرش
- ۲۲ مینمایند و روزی خودشان را از خدای طلبند * چون
- آفتاب بر می آید مجتمع میگردد و در کمینهای
- ۲۳ خودشان میخوابند * و انسان تا بشام بکار خود و بخدمت
- ۲۴ خود بیرون میرود * ای خداوند چه عظیم است
- خلقتهای تو و تمامی ایشان را در حکمت صنع نمودی
- ۲۵ و زمین از نعمت تو مملو است * این دریای
- بزرگ که ساحلهایش مطول است در او جنبندگان
- ۲۶ بیشمار و حیوانات کوچک و بزرگ میباشدند * آنجا
- کشتیها میروند و این نهنگی که اورا آفریدی در
- ۲۷ آن بازی میکند * تمامی ایشان از تو انتظار می گشند
- ۲۸ که روزی بایشان در زمانش عطا فرمائی * بایشان
- احسان می نمائی و اخذ می کنند و دست خود را می

۲۹ کشتائی واز نیکوئی^۱ مملو می شوند * در وی خود را
مستور میکنی مضطرب میگردند و روح ایشان را
میگیری میمیرند و بخاک خودشان بازگشت می
نمایند * و روح خود را میفرستی مخلوق می شوند و در وی
۳۱ زمین را تازه میگردانی * جلال خداوند تا باده باقیست
۳۲ خداوند از صنایع خود خوشنود است * بر زمین
مینگرد و متزلزل میگردد و کوهها را لمس مینماید و درود
۳۳ بر میدهند * خداوند را تا بقای حیات خود خواهم سرائید
و خدای خود را تا بودن وجود خود حمد خواهم کرد
۳۴ * تفکّر من در باره اش شیرین خواهد بود و خودم
۳۵ از خداوند خوشنود خواهم گشت * گناه کاران در
زمین با تمام خواهند رسید و شراب دیگر پیدا نخواهند
شد ای جان من خداوند را شکر بنما و خداوند را
بسرائید

زبور صد و پنجم

- ۱ خداوند را شکر بنمائید و اسمش را بخوانید و اعمالش را
- ۲ در میان خلایق معروف بگردانید * اورا بسراشید
- ۳ و اورا تمجید کنید در بارهٔ عجایباتش موعظهٔ نمائید
- ۴ * اسم مقدس اورا حمد نمائید که دلهای متجسمان
- ۵ خداوند وجد نمایند * خداوند را وقوتش را جستجو نمائید
- ۶ و همیشه متفحص دیدارش باشید * عجایبات اورا
- ۷ که کرده است و معجزات اورا و احکام دهن اورا
- ۸ بخاطر آرید * ای ذریت بنده اش ابراهیم دای
- ۹ فرزندان برگزیده اش یعقوب * او خداوند و خدای
- ۱۰ ماست و احکامش در کل زمین جاریست * و عهد
- ۱۱ خود را پیوسته یاد نمود و گلاهی که خود از برای هزار
- ۱۲ پشت مقرر فرمود * از آن (عهدیکه) بابراهیم معین
- ۱۳ کرد و از سگندی که باسحق (خورد) * که آنرا بیعقوب
- ۱۴ برای شریعت و باسرائیل عهد مؤبد قیوم ساخت

- ۱۱ * و فرمود که زمین کنعان را (چون) ریسایان رسد شما
 ۱۲ میراث (بذرتیت) تو عطا خواهم فرمود * در هنگامی
 که ایشان مردمانی در عدد اندک و مثل جزوی
 ۱۳ و غریب در آنجا بودند * و از طائفه بطائفه و از مملکت
 ۱۴ تا (مملکت) قوم دیگر مسافر گشتند * کسی را قوت
 تسلط تا آنکه ایشان را تعدی نماید و بسبب ایشان
 ۱۵ پادشاهان را مانعت نمود * که اندوگان مرا لمس
 ۱۶ نکنید و ضرر به پیغمبران من مرسانید * و قحطی را بر
 ۱۷ زمین فرستاد و تمامی برکت نان را شکست * کسی
 که برای بندگی فروخته شده بود (یعنی) یوسف را
 ۱۸ در پیش ایشان فرستاد * پادشاه را بقیه رنجانیدند
 ۱۹ و جاننش (بزنحیر) آهن داخل شد * تا بوقتی که سخنش
 ۲۰ بکار آمد و کلام خداوند او را خالص کرد * پادشاه (مصر)
 فرستاد و او را آزاد نمود و خدیو خلایق او را مستخلص
 ۲۱ کرد * و او را والی خانه خود و حاکم تمامی ملک خود
 ۲۲ گردانید * تا آنکه امیرانش را با اختیار خود به بند

- ۲۳ وپیرانش را حکمت تعلیم نماید * واسرائیل در مصر
داخل شد و یعقوب در زمین حام بیگانه گردید
۲۴ * و(خداوند) قوم خود را کثیرالتناسل ساخت و ایشان را
۲۵ از اعدای ایشان پر زورتر گردانید * پس دل
(مصریان را) برای بغض نمودن قوم خود و برای حمله
۲۶ بستن در ضد خادمان خود منقلب گردانید * خادم
۲۷ خود موسی و هرون را که برگزیده بود فرستاد * و کلمات
و آیتهایش را در میان ایشان و معجزات او را در
۲۸ زمین حام بعمل آورند * تاریکی را فرستاد و ظلمت
۲۹ شد و(آسمانها) با مرایش اختلاف نمودند * آبهای
ایشان را بخون منقلب گردانید و ماهیهای ایشان را
۳۰ بقتل رسانید * و زمین (اینان) و افرازه وزغهارا بیرون
۳۱ نمود تا در حجرهای پادشاهان (داخل شدند) * و مکسها
و کنههای گوناگون را فرمود که بتامی حدود ایشان در
۳۲ آمدند * عوض امطار بزمین ایشان تگرگ و شعلهای
۳۳ آتش را فرستاد * تا که ایشان را دور ختهای انجیر

- ایشان را زد و درختهای حدود ایشان را شکست
 ۳۶ * و مملکتها و کرمهای صده پای ایشان را فرمود که پدید
 ۳۵ آمدند * و تمامی گیاه را در زمین ایشان خوردند و حاصل
 ۳۶ زمین ایشان را تناول نمودند * و همه مولود نخستین
 ولایت ایشان را و اول تمامی اولاد ایشان را هلاک کرد
 ۳۷ * و (بنی اسرائیل را) با نقره و زر بیرون آورد و در
 ۳۸ میان فرقههای ایشان لغزنده نمود * و مصریان از
 بیرون رفتن ایشان شادمان گردیدند زیرا که ترس
 ۳۹ ایشان بر ایشان مستولی شده بود * ابراهیم را
 سایه و آتش را برای منور کردن شب گسترانید
 ۴۰ * و سواحل نمودند و شلوپها را فرستاد و ایشان را بنان
 ۴۱ آسمانی سیر گردانید * سنگ را مفتوح نمود و آبها
 جاری گشتند و در خشکیها مثل رودخانه روان گردیدند
 ۴۲ * زیرا که کلام مقدس خود را و بنده خود ابراهیم را
 ۴۳ بخاطر آورد * و قوم خود را بسرور و برگزیدگان خود را
 ۴۴ بخوشحالی بیرون آورد * و زمینهای طوائف را

۵۵ بایشان عطا فرمود و کتبه قبایل را بارشیت داشتند * تا
آنکه حقوقش را نگاه دارند و شریعتهایش را محافظت
نمایند خداوند را بسراپید

زبور صد و ششم

۱ خداوند را حمد کنید و پروردگار را شکر نمائید شیب آنکه
۲ نیکوست و بدرستی که رحمتش تا باید است * کیست
۳ که کبریا بیای خداوند را بیان تواند کرد و تمامی وصفش را
۴ تواند شنواید * خوشحال آنانی که احکام را نگاه دارند
۵ و عدالت را در هر وقت بعمل می آورند * خداوند با آن
۶ لطفی که بقوم خود (مینهائی) مرا بمخاطر آر و بمرحمت
۷ خود بر من نظر بفرما * تا نیکوئی برگزیدگان تو را به
۸ بینم و بشاوانی خلق تو وجد نمایم و همراه (متصرفان)
۹ میراث تو متفاضر باشم * مانند پدران ما گناه کردیم
۱۰ و فاسد بودیم و شریرانه عمل نمودیم * پدران ما عجایب
۱۱ ترا در مصر نفهسیدند و کثرت رحمتهای ترا بمخاطر
۱۲ غیاوردند تا بکنار دریای بجزر الاحمر عاصی گشتند * و (خدا)

- بسبب اسم خود معروف گردانیدن کبریائی خود
 ۹ ایشان را نجات داد * و بحر الاحمر را حکم فرموده خشک
 گردانید و ایشان را در عمایق مانند در بیابان روان
 ۱۰ نمود * و ایشان را از دست عدو رها نمود و ایشان را از
 ۱۱ دست دشمن نجات بخشید * و آنها اعدای ایشان را
 ۱۲ فرو گرفت که اعدای از ایشان باقی نماند * و بر کلام
 ۱۳ او ایمان آوردند و حمد او را سر آیدند * (اما) بزدوی
 اعمال او را فراموش کردند و منتظر موعظه او نبودند
 ۱۴ * و در تیمه بخوابش نفس استعدای شہوات نمودند
 ۱۵ و خدا را در بیابان امتحان کردند * و خواہش ایشان را
 بپایشان داد اما نجیفی را بجان ایشان ارسال فرمود
 ۱۶ * و در لشکرگاه بر موسی و بر ہرون مقدس خداوند کیفر
 ۱۷ در زمین * زمین شکافته گردید و دathan را فرو گرفت
 ۱۸ و گروہ ایبرام را مستور کرد * و آتش در فرقه ایشان
 ۱۹ افروخته شد و شعله اش را را سوزانید * در (کوه)
 حوریب گوسالہ را درست کردند و صورت گداز شدہ را

- ۲۰ سجود نمودند * و جلال خودشان را بمثال گاوی که
 ۲۱ گیاه را میچرد منقلب کردند * و خدای منجی که برای
 ۲۲ ایشان در مصر کبریا ئیها * و در زمین حام عجایبات
 و در بحر الاحمر مخوفها را بعمل آورده بود فراموش
 ۲۳ کردند * و (خداوند) برای قطع نسل کردن ایشان تکلم
 فرمود اما موسی در حین هجوم بلا در حضورش
 ۲۴ ایستاد تا آنکه غضب او را از هلاک کردن ایشان بر
 ۲۵ گرداند * و از زمین دلپذیر ابا نمودند و بر کلامش
 ایمان نیادوند * و همه در خیمهای خودشان نمودند
 ۲۶ و آواز خداوند را استماع ننمودند * و (خدا) دست خود را
 در ضد ایشان بر داشت تا آنکه ایشان را در تیره
 ۲۷ ساقط گرداند * و زرت ایشان را در میان طوایف
 ۲۸ منهدم نماید و ایشان را در زمینها پراکنده کند * و ایشان
 بَعْلَ یَعُورٌ ملحق گردیدند و قربانهای مردگان را
 ۲۹ خوردند * و او را یکوششهای خودشان غضبناک
 گردانیدند و طاعون در میان ایشان هجوم آورد

- ۳۰ * و فینجاس بر خواشت و عدالت را بعمل آورد و وبا
- ۳۱ موقوف گردید * و این (عمل) براستی از جهت او
- ۳۲ پشت بر پشت محو بست تا باید * و در اطراف آبهای
- مریبه او را غضبناک گردانیدند بطوری که از جهت
- ۳۳ ایشان نقصان بموسی واقع گردید * زیرا که نفس
- او را خشمناک گردانیدند که بلبهای خود نا حکمستانه
- ۳۴ سخن گفت * و خلا یقی را که در (حق) منقطع نمودند
- آنها خداوند بایشان حکم فرموده بود قطع نسل نکردند
- ۳۵ * و با طوایف مخلوط شدند و عاداتهای ایشان را
- ۳۶ آموختند * و بتهای ایشان را عبادت نمودند و آنها
- ۳۷ از جهت ایشان دام گردیدند * و فرزندان خودشان
- و دختران خودشان را برای شیاطین ذبح کردند
- ۳۸ * و خون بی تقصیری را بلکه خون فرزندان خودشان
- و دختران خودشان را که ایشان را پیش بتهای کنعان
- ذبح کرده بودند ریختند و زمین بخون ملوث شد

- ۳۹ * و باعمال خودشان پلید گردیدند و بکوششهای خودشان
 ۴۰ مانند زناکاران پرداختند * و غضب خداوند در ضد قوم
 خود افروخته شد و از میراث خود متنفر گردید
 ۴۱ * و ایشان را بدست طوایف تسلیم کرد و مبغضان
 ۴۲ ایشان بر ایشان تسلط یافتند * و ایشان را دشمنان
 ایشان مظلوم گردانیدند و در زیر دست ایشان عاجز
 ۴۳ گردیدند * و ایشان را بسیار اوقات مستخلص کرد
 و ایشان بخواهش خودشان او را غضبناک گردانیدند
 ۴۴ و بسبب معصیتهای خودشان پایمال گردیدند * و هنگامی
 که فریاد ایشان را شنید و بر بلامی ایشان نظر فرمود
 ۴۵ * و عهد خود را برای ایشان بخاطر آورد و موافق کثرت
 ۴۶ رحمتهای خود مرحمت نمود * و از جهت ایشان
 رحمت را در دل تمامی اسیر کنندگان ایشان عطا
 ۴۷ فرمود * ای خداوند و خدای ما بجا نجات بده و از میان
 طوایف ما را مجتمع بگردان تا اسم ترا شکر نمائیم و در

۴۸ وصف تو متفاخر باشیم * خداوند و خدای اسرائیل از
ازل تا بابد خجسته باد و همگی خلایق بگویند آمین
و خداوند را بسرازمید

زبور صد و هفتم

- ۱ خداوند را شکر بنمائید سبب اینکه نیکوست و بدرستی
- ۲ که رحمتش تا ابد است * و همین را بیان کنند
- ۳ مستخلصان خداوندی که ایشان را از دست عدو آزاد
- ۴ کرده است * و ایشان را از ولایتها (یعنی) از مشرق
- ۵ و از مغرب و از جنوب و از شمال مجتمع گردانید
- ۶ * در تپه و در طرف بادیه آواره شدند و شهر مسکونت را
- ۷ نیافتند * از گرسنگی و تشنگی جان ایشان در
- ۸ اندرون ایشان ضعیف شد * و در تنگدستی خودشان
- ۹ بخداوند فریاد نمودند آنکه آنها را از مشکلاتی ایشان
- ۱۰ خلاص نمود * و ایشان را براه راست روان نمود تا
- ۱۱ بشهر مسکونت بروند * (پس) خداوند را بسبب
- ۱۲ رحمتش و عجایباتش که برای فرزندان انسان (مقرر

- ۹ گم کرده است) شکر بنمایند * زیرا که نفس مشتاق را
سیر میگرداند و جان گرسنه را از نیکوئی مملو می سازد
۱۰ * نشینندگان ظلمت و سایه مرگ اسیران بلا و آهشند
۱۱ * بسبب آنکه فرمانهای خدا را تغییر دادند و موعظه
۱۲ تعالی را حقیر نمودند * پس دل ایشان را بحسرت
ذلیل نمود که لغزش نمودند و یاری کننده نبود
۱۳ * و در تنگدستیهای خودشان بخداوند فریاد می نمایند
آنکه آنها را از مشکلاتی ایشان نجات میدهد
۱۴ * و ایشان از تاریکی و سایه مرگ بیرون می آورد
۱۵ و قیدیهای ایشان را پاره پاره مینماید * (پس) خداوند را
بسبب رحمتش و عجاibatش که برای فرزندان
۱۶ افسان (مقرر کرده است) شکر بنمایند * زیرا که
دروپهای برنجی شکست و قفلهای آهنی را برید
۱۷ * ابلهان بسبب تجاوز خودشان و بعثت معصیتهای
۱۸ خودشان زحمت می گشند * جان ایشان از هرگونه
۱۹ اطعمه متنفر است و بدروب مرگ میرسند * اما

- در تنگدستیهای خودشان بخداوند فریاد مینمایند
 آنگاه ایشان را از مشکلاتهای ایشان نجات میدهد
 ۲۰ * کلام خود را میفرستد و ایشان را شفای بخشید و ایشان را
 ۲۱ از هلاکتیهای شان میراند * (پس) خداوند را بسبب
 رحمتش و عجایبش که برای فرزندان انسان (مقرر
 ۲۲ فرموده است) شکر نمایند * و قریانهای حمد را زبج
 ۲۳ کنند و اعمال او را بشادمانی مشهور سازند * آنکسانی
 که بکشتیهها نشسته بدریا میروند و کار را در آبهای بسیار
 ۲۴ بعمل می آورند * ایشان اعمال خداوند را و عجایبش را
 ۲۵ در عایق می بینند * زیرا که میفرماید آنگاه باد شدید
 ۲۶ میوزد و امواجش را بلند مینماید * بسوی آسمان بر
 می آیند و بعمیقها فرو میروند جان ایشان بسبب بلا
 ۲۷ گداخته شده است * مانند مست افتان و خیزان
 میگردند و متزلزل میباشند و تمامی دانش ایشان کم
 ۲۸ میگردد * و در تنگدستی خودشان بخداوند فریاد
 مینمایند و ایشان را از مشکلاتهای ایشان بیرون می

- ۲۹ آورد * باد شدید را بارانی منقلب می نماید و امواجش
- ۳۰ خوا موش میگردند * و آنگاه ساکت و شادمانی مینمایند
- ۳۱ و ایشان را بساحل مراد میرساند * (پس) خداوند را
- بسبب رحمتش و عجایبانش که بفرزندان انسان
- ۳۲ (عطا فرمود) شکر بنمایند * و او را در جماعت حام و صف
- ۳۳ بلند نمایند و در مجمع روسا او را حمد کنند * و در خانه‌ها را
- بجای و چشمه‌های آب را بخشکی منقلب میسازد
- ۳۴ * زمین بارور را بسبب شرارت ساکنانش بشور
- ۳۵ زار * و صحرار را بتالاب و زمین خشک را بمحشمه‌های آب
- ۳۶ مبدل مینماید * آنگاه در آنجا گرسنگان ساکن میگردانند
- ۳۷ و برای مسکونت شهر را آماده می سازند * و کشت
- زارها را زراعت میکنند و تاک‌ها را غرس مینمایند تا ثمر
- ۳۸ و حاصل را بدهند * و ایشان را برکت عطا میفرماید که
- بسیار بیفزایند و نقصان در دواب ایشان نهدند
- ۳۹ * دیگر بار کم میشوند و از ستم و بلا و غم کاهیده میباشند
- ۴۰ * (خدا) زلت را بر امیران میفرستد و در بیابان بیراه

۴۱ گروش مینمایند * و بیچاره را از بلا بر میدارد و قبايل را
 ۴۲. برایش مانند گلّه میگردداند * راستان خواهند دید
 و شادمان خواهند گردید و تمامی اشرار دهن خود را خواهند
 ۴۳ بست * کدام صاحب حکمت که اینهارا نگاه دارد
 و رحمت خداوند را ادراک خواهند نمود

زبور صد و هشتم سرود و زمزمور داود

۱ ای خدا دل من آماده است تا بفضیلت خود بمرام
 ۲ و تمجید نام * برخیز ای نبل و بربط که در صبح خواهم
 ۳ بر خواست * ای خداوند در میان خلقان شاگرد تو
 ۴ خواهم بود و در میان قومها ترا تمجید خواهم کرد * زیرا
 که رحمت تو مافوق آسمانها و حقیقت تو هم تا بسپیهر
 ۵ بزرگست * ای خدا بر فوق آسمانها و بر تمامی زمین
 ۶ جلال خود را هر فوج بنما * یحیی خود را منجی (من) بگردان
 و مرا استجابت کن تا برگزیدگان تو مستخلص شوند
 ۷ * خدا بقدرش تکلم فرمود که خوشنود خواهم بود و من

(ولایت) شکم را تقسیم خواهم نمود و دره سکوت را
 ۸ خواهم پیمود * گِلْعَد از من است و منته از من
 و افرائیم قوت سر من و یهودیه شارح من است
 ۹ * و مؤاب و یگ شستن من است و بر ادم نعل
 خود را خواهم انداخت و بر فلسط ظفر خواهم یافت
 ۱۰ * کیست که مرا بشهر محکم راهبری خواهد نمود
 ۱۱ و کیست که مرا بر ادم خواهد آورد * مگر تو خدایا
 که ما را دور گردانیده (راهبری نخواهی نمود) و ای خدا با
 ۱۲ لشکر ما موافقت نخواهی فرمود * از تنگدستی ما نصرت
 ۱۳ عطا کن که یاری انسان باطل است * و با مدد خدا
 دلیری خواهیم کرد که او دشمنان ما را پایمال خواهد
 گردانید

زبور صد و نهم سالار مغنیان مزمور داود
 ۲ ای خدای محمود من خواموش مباش * زیرا که
 دهن شیر و دهن فریبنده در خد من کشوده میشود
 ۳ و بزبان کاذب در خد من گفتگو میکنند * و بکلمات

مبنضانه مرا احاطه فی نمایند دبی سبب در ضد من
 ۴ چهار می کنند * وبعوض محبت من مرا تعدی فی
 ۵ نمایند لکن من (برای شان) در دعوتم * بدل خوبی
 بدی را و مکافات محبت من بغض را بعمل می آورند
 ۶ * وشریر را بروی مستلط بگردان و شیطان بر زمین
 ۷ او بایستند * هنگام حکم یافتن پالزام شرارت بیرون
 ۸ رود و استند عایش گناه (شمرده) شود * روزایش کم
 ۹ بشوند و دیگری نظارتش را بگیرد * و فرزندانش یتیم
 ۱۰ و زنش بیوه گردند * و اولادش آواره شده بگردند و بعد
 از زمان خرابیهای ایشان سایل شوند و در یوزه
 ۱۱ نمایند * و زبردست تمامی اموال او را بزور بگیرد
 ۱۲ و بیگانگان محصورش را بغارت ببرند * و با رحمت
 کننده؛ نباشد و به یتیمانش لطف کننده؛ پیدا نشود
 ۱۳ * تا آنکه اولادش قطع نسل گردند و اسم ایشان
 ۱۴ پشت به پشت محو گشته * معصیت پدرانش
 پیش خداوند مذکور باشد و گناه مادرش محو نگردد

- ۱۵ * و همیشه در حضور خداوند بگذرند و ذکر ایشان از
 ۱۶ زمین منقطع گردد * بدان طریق که استعمال رحمت را
 بخاطر نیاورد و بسبب آنکه مرد مفلوک و بیچاره را
 ۱۷ نعدمی نمود تا دل شکسته را بقتل برساند * جهت
 آنکه لعنت را دوست داشت باو برسد و از برای
 ۱۸ آنکه رغبت برکت ننمود ازو دور شود * از آنرو که
 - لعنت را مانند لباس پوشید پس مثل آب در
 اندرونش مانند روغن در استخوانهایش داخل
 ۱۹ گردد * و برایش جامه باشد که میپوشید و کمر بندی که
 ۲۰ همیشه بآن کمر را می بست * اینست مژد از جانب
 خداوند باعدای من و یانکسانی که بدی را در منم جان
 ۲۱ من گفتگو مینمایند * اما تو ای خداوند و پروردگار
 بسبب اسم خود بکار من پیرداز ز آنرو که رحمت تو
 ۲۲ نیکوست مرا مستخلص کن * زیرا که خودم مفلوک
 و بیچاره میباشم و دل من در اندرون من محجور
 ۲۳ است * مانند سایه که در زمان (شام) طولانی میگردد

۲۷ مَحْزُورِ دِیدِم و مِثْلِ مَلِیحِ رانَدَه شَدِم * زانوَی مَن
 بِسَبَبِ رُوزِه ضَعِیفِ اَنَد و گوشت مَن از پیَمِه
 ۲۸ بِلَاغَرِی مَبْدَلِ گِشت * و مَن سِرْکُوبِ از جِهَتِه
 اِیْشان گِرَدِیدِم (و چُون) مَرا مِی بَیْنِشَنده سِرْخُوشان را
 ۲۹ مِی جَنبَانَدَه * اِی خُداوندِ خُدا مِی مَرا مَعَاوِشَت
 ۳۰ بِنِیَا و موافِقِ رَحْمَتِ خُودِ بَیْهِنِ نِجَاتِ بَدَه * تا بَدَاغَدَه
 کِه اِیْن (عَمَلِ) دِستِ تُو اِست اِی خُداوندِ تُو اِیْن را
 ۳۱ بَعْمَلِ آوَرَدَه * اِیْشان دَر لَعْنَتِ مِشْغُولَنده و تُو بَر کَت
 عَطَا مِیْفَرَاوِی و مَقَاوِمَتِ تَوَاغَدِ کَرْدِ اَمَّا شَرْمَنْدِگی خُواغَدَه
 ۳۲ بَر دِ و جَنَدَه تُو وَجَدِ خُواغَدَه نَمُود * اَعْدایِ مَن رِسَوائی را
 خُواغَدَه پُوشِید و بِنَنگِ خُوشانِ مِثْلِ لِبَاسِ مَلَبِیسِ
 ۳۳ خُواغَدَه گِرَدِید * خُداوندِ رَا بَدِیْنِ خُودِ بَسِیَّارِ شِکَرِ خُواغَم
 ۳۴ نَمُود و دَر مِیَّانِ گِرَوِیْها اَوْرَا حَمْدِ خُواغَم کَرْد * زِیْرَا کِه
 بَر دِستِ رَاسَتِ بَیْجَا رَه خُواغَدَه اِیْستادِ تا اَنگِه جَانَش را
 از حَکَمِ کُشَنده گَانَش نِجَاتِ بَدِیدَه

زبور صد و نهم مزبور داود

- ۱ خداوند خداوند مرا گفت که بر دست راست من
- ۲ بنشین تا دشمنان ترا فرش پایهای تو گردانم * خداوند
- عصای قوت ترا از صیهون خواهد فرستاد تا در میان
- ۳ دشمنان خود تسلط پرانی * قوم تو در روز قوت تو
- ۴ در جلالهای قدس بر غیبت خود حاضر خواهند شد
- و اولاد تو برای تو از شبنم رخم فجر زیاده تر خواهند
- ۵ گشت * خداوند سوگند خور و تخلف نخواهد کرد که
- ۶ تو تا باید کاهن از صف ملکیت صدق هستی * خداوند می
- که بر دست راست (تست) در روز خشم خود
- ۷ پادشاهان را مجروح خواهد کرد * در میان طوایف
- حکم خواهد راند و زمینها را بنعشها مملو خواهد ساخت
- ۸ و سرداران ولایات بسیار را زخم مار خواهد نمود * و در راه
- از آب جاری خواهد نوشید و از آن سبب سرش را
- بلند خواهد نمود

زبور صد و یازدهم

- ۱ خداوند را حمد نمائید که من در مجلس صادقان
(میان) جماعت با تمامی قلب خداوند را شکر خواهم
- ۲ نمود * اعمال خداوند عظیم اند و تمامی آنکسانی که راغب
۳ آنها اند متفحص (آنها) میباشند * کار او عزیز و زود
۴ الجلال است و صداقت او تا باید باقیست * و خداوند
۵ کرم و رحیمست که عجایب خود را مذکور گردانیده
۶ است * بخائفان خود اطعمه عطا فرموده است
۷ وعهد خود را تا باید یاد خواهد آورد * قوت اعمال خود را
۸ بقوم خود نشان داد تا آنکه ارنیت طوایف را
۹ بایشان ارزانی نماید * کارهای دستش حقیقت
۱۰ و عدالت و تمامی فرمانهایش صادق است * (بلکه) تا آب
اللاب پایدار اند و در حقیقت و راستی عمل کرده
۱۱ میشوند * نجات را بقوم خود فرستاده و عهد خود را تا
باید مقرر فرموده است اسم او مقدس و مهیب
۱۲ است * اصل دانش ترس خداوند است و عقل

تمامی عمل کنندگان (احکام او) صحیح است و حمدش
تا بابد باقی است

زبور صد و دوازدهم

- ۱ خداوند را حمد نمائید خوشا حال آنکسی که از خداوند
- ۲ می ترسد و با حاکمش بسیار رغبت می نماید * در زمین
- ذریقتش نیرومند خواهند بود و نسل راستان خجسته
- ۳ - خواهند شد * در خانه اش مال و دولت خواهد بود
- ۴ و صداقتش همیشه باقی خواهد ماند * نور از جهت
- صادقان در ظلمت طلوع مینماید و (خداوند) کریم و رحیم
- ۵ و صدیق است * مرد صالح رحم نموده قرض همیشه
- ۶ و امور خود را بحکمت آراسته میسازد * بدرستی که
- هرگز تا بابد لغزش نخواهد نمود و صدیق همیشه در ذکر
- ۷ خواهد بود * از استماع بلا نخواهد ترسید و دلش استوار
- ۸ است و بخداوند متوکل است * دل او پایدار است
- ۹ و هنگامی که اعدای خود را می نگرد نخواهد ترسید * بفقرا
- افسانه و داده است و صداقت او بیوسه باقی خواهد

۱۰ ماند و شاخش بعظمت مرفوع خواهد گشت * شریر
خواهد دید و خشمناک خواهد گردید و دندانهایش را
خواهد افشرد و گداخته خواهد گشت خواهش شراب
یاطل خواهد شد

زبور صد و سیزدهم

۱ خداوند را بسراغید و ای خادمان خداوند حامد بگردید و اسم
۲ پروردگار را حمد بنمائید * اسم خداوند از حال و تا بابد
۳ خجسته باد * اسم خداوند از مطلع آفتاب تا بخریبش
۴ محمود است * خداوند بر تمامی طوایف و جلالش بر
۵ آسمانها مافوق میباشد * کیست که مانند پروردگار
۶ و خدای ماست که نسبت بسکونت علو * و در
۷ نگر بستن بر آسمانها و بر زمین اسفل مینماید * فقیر را
از خاک بر میخیزاند و بیچاره را از مزبله بلند می سازد
۸ * و او را با امیران بل امرای قوم خود ساکن سازد
۹ * عقیقه را بتولید فرزندان خانه دار و مسرور میگرداند
خداوند را حمد بنمائید

زبور صد و چهل و نهم

- ۱ هنگامی که (بنی) اسرائیل از مصر و نسل یعقوب
- ۲ از (دست) قوم ظالم بیرون رفتند * یهودیه * مکان
- مقدس (خداوند و بنی) اسرائیل (محکوم) سلطنتش
- ۳ گردیدند * دریا دید و فرار کرد و اردن بازگشت
- ۴ نمود * کوهها مانند گوسفند نر و تلها مثل بره * جهیدند
- ۵ * ای دریا ترا چه شد که فرار کردی ای اردن (چرا)
- ۶ بازگشت نمودی * ای کوهها (چرا) مانند گوسفند
- ۷ نر و تلها (چرا) مثل بره * جهیدید * ای زمین در
- حضور خداوند (بلکه) در حضور خدای یعقوب متزلزل
- ۸ باش * اوست که سنگ را بمردابها و سنگ خارا را
- بجشپه‌های آب منقلب گردانید

زبور صد و پانزدهم

- ۱ ای خداوند نه بما و نه بما بلکه باسم خود و بسبب
- ۲ رحمت خود و بسبب حقیقت خود جلال را بنا * چرا

- طوایف بگویند که اکنون کجاست خدای ایشان
 ۳ * اما خدای ما در آسمانهاست هر آنچه خواست بعمل
 ۴ آورده است * بتهای ایشان زر و نقره است
 ۵ و عمل دستهای انسان است * در آنها دهن است
 اما حرف نمی‌زنند و در آنها چشمهاست اما نمی‌بینند
 ۶ * آنها را گوشهاست اما نمی‌شنوند و آنها را بینی است
 ۷ اما نمی‌بویند * دستها دارند اما لمس نمی‌نمایند و پاها
 دارند اما بر رفتار نمی‌آیند و ایشان از حلقوم خود صدا
 ۸ بیرون نمی‌توانند داد * درست‌کنندگان ایشان و هر
 کسی که بایشان متوکل است مانند ایشان بگردند
 ۹ * ای (بنی) اسرائیل بخداوند متوکل باشید پناه
 ۱۰ ایشان و سپر ایشان اوست * ای خاندان هرؤن
 بخداوند متوکل باشید پناه ایشان و سپر ایشان
 ۱۱ اوست * ای خائفان خداوند بخداوند متوکل باشید
 ۱۲ پناه ایشان و سپر ایشان اوست * خداوند بخاطر
 آورده است و ما را برکت خواهد داد و خاندان اسرائیل را

- ۱۳ برکت خواهد داد و نسائیل هرؤن را برکت خواهد داد
 و خداوند بخائئیل خود برکت خواهد داد چه بزرگان
 ۱۴ و چه کوچگان را * خداوند شمارا بل شمارا و فرزندان
 ۱۵ شمارا خواهد افزود * شمار خداوندی که آسمانها و زمین را
 ۱۶ آفرید برکت یافته اید * آسمانها بل آسمانها از آن
 خداوند است اما زمین را بفرزندان انسان بخشیده
 ۱۷ است * نه مردگان و نه تمامی فرو روندگان قبر خداوند را
 ۱۸ حمد می نمایند * اما ما از حال و تا باده خداوند را حمد
 خواهیم کرد خداوند را حمد بنمائید

زبور صد و شانزدهم

- ۱ خداوند مرا دوست میدارم زیرا که آواز تضرع مرا شنید
 ۲ * از آنجا که گوش خود را بمن فرا داشت اورا در
 ۳ تمامی ایام خود دعوت خواهم نمود * غمرات موت مرا
 احاطه نمودند و آزارهای قبر مرا گرفتند تصدیع و رحمت
 ۴ کشیدم * پس اسم خداوند را خواندم که ای خداوند

- ۵ لطف نموده، جان مرا مستخلص کن * خداوند کریم
 ۶ و صدیق است و خدای ما رحیم است * خداوند
 مخلصان را نگاه میدارد ز آنرو که فرد افتاده شده بودم
 ۷ و بمن نجات داد * ای جان من بآرام خود برگرد
 زیرا که خداوند از جهت تو احسان نموده است
 ۸ * و بدرستی که (ای خدا) جان مرا از مرگ و چشم
 مرا از اشک و پای مرا از لغزش مستخلص کردی
 ۹ * در زمین زندگان در حضور خداوند رفتار خواهم نمود
 ۱۰ * بسبب ایمان آوردن خود تکلم نمودم بسیار مبتلا
 ۱۱ گشتم * و بنفس خود گفتم که تمامی انسان کاذب
 ۱۲ میباشد * چه مکافات توانم نمود خداوند را از برای
 تمامی نعمتهای او که بجهت من (بعمل آورده است)
 ۱۳ * کاسه نجات را خواهم بر داشت و اسم خداوند را خواهم
 ۱۴ خواند * اکنون فزودات خود را، خداوند در حضور تمامی
 ۱۵ قومش ادا خواهم کرد * مرگ مقدسانش در چشمهای
 ۱۶ خداوند گران بهاست * ای خداوند لطف بفرما زیرا که

من بنده، تو ام بلکه بنده، تو- و فرزند بنده، نساه، تو-
 ۱۷ که قیدهای مرا کشادی * و قربانهای شکر گذارمی را
 بتو خواهم رسانید و اسم خداوند را خواهم خواند
 ۱۸ * اکنون نذورات خود را بخداوند در حضور تمامی
 ۱۹ قومش ادا خواهم کرد * در بارگاههای خانه، خداوند
 وای اورشلیم در میان تو خداوند را حمد بنمائید

زبور صد و هفدهم

۱ ای همگی طوایف خداوند را حمد نمائید وای تمامی امم
 ۲ شاکر او باشید * زیرا که رحمتش از جهت ما بسیار
 است و حقیقت خداوند تا باید است خداوند را حمد
 بنمائید

زبور صد و هجدهم

۱ خداوند را شکر بنمائید زیرا که نیکوست و بدرستی که
 ۲ رحمتش تا باید است * اکنون (بنی) اسرائیل بگویند
 ۳ که رحمتش تا باید است * اکنون خاندان هرون
 ۴ بگویند که رحمتش تا باید است * اکنون تمامی خائنان

- ۵ خداوند بگویند که رحمتش تا بابد است * در تنگدستی
- (خود) خداوند را خواندم و خداوند در کشادگی مرا
- ۶ استجابت نمود * از آنچه می که انسان در خدا من
- بعمل بیاورد و نخواهم ترسید (زیرا که) خداوند با من است
- ۷ * و در میان یاری کنندگان من خداوند با من است
- ۸ و من بر مبعضان خود خواهم نگریم * توکل بخداوند
- ۹ از امید انسان بهتر است * توکل بخداوند به که
- ۱۰ توکل بامیران * تمامی طوایف مرا احاطه نمودند و باسم
- ۱۱ خداوند ایشان را ریز ریز خواهم کرد * و مرا دور نمودند
- بل مرا دایره بستند و باسم خداوند ایشان را پاره پاره
- ۱۲ خواهم گردانید * مرا مانند زنبور احاطه نمودند و مثل
- آتش در خارا مشتعل شدند زیرا که باسم خداوند
- ۱۳ ایشان را خورد خورد خواهم نمود * تکانی برای افتادن بر
- ۱۴ من رسید و خداوند بمن نصرت فرمود * خداوند قوت
- من و محمود من و نجات دهنده من گردیده است
- ۱۵ * آواز شادمانی و دستگاری در خیمه صدیقان است

۱۶. «همین خداوند کبریائی را بعمل آورده است * و همین
خداوند علو است و همین خداوند کبریائی را بعمل
۱۷. آورده است * نخواهم مرد و زیست خواهم نمود و اعمال
۱۸. خداوند را مشهور خواهم کرد * خداوند مرا بسیار تنبیه
۱۹. نمود اما مرا بمرگ تسلیم نکرد * دروب صدق را
از برای من واکنید که در ایشان داخل شده
۲۰. خداوند مرا حمد نمایم * این است دروب خداوند
۲۱. و صدیقان از ایشان داخل خواهند گشت * ترا شکر
خواهم نمود زیرا که مرا استجابت کرده نجات دهنده
۲۲. من گردیده * سنگی که معمارانش رد نموده اند
۲۳. سر زاویه واقع شده است * این عمل ما از جانب
خداوند است و همین در چشمهای ما عجب است
۲۴. * این است روز عمل نمودن خداوند و برادران
۲۵. باشیم و وجد نمائیم * ای خداوند من اکنون
لطف بفرما و ای خداوند لطف بفرما اکنون خوشوقتی را
۲۶. بجا آر * مبارک باد آنکسی که با اسم خداوند می آید

۲۷ و ما از خانه خداوند شمارا برکت دادیم * خداوند خداست
و بر ما درخشان است بره را بریسانها در شاخهای
۲۸ قربانگاه به بندید * خدای من تویی و ترا شکر خواهم
نمود ای خدای من و ترا وصف بلند خواهم نمود
۲۹ * خداوند را شکر بنمائید زیرا که نیکوست بدرستی که
رحمتش تابا است

زبور صد و نوزدهم

حرف الف

۱ خوشا حال آنکسانی که در طریقت کامل شده در
۲ شریعت خداوند رفتار می نمایند * خوشا حال محافظان
۳ شهادتیش که بتعالی دل متجسس او میباشند * خلاص
۴ معصیت نمایند و در طریقتش رفتار می نمایند * تو فرایض
۵ خود را مقرر فرموده که نیکو نگه بدارند * ای کاشکی
راهبای من از جهت محافظت حقوق تو آراسته
۶ می شدند * پس هنگامی که تمامی امرهای تو را متوجه
۷ باشم شرمندگی نخواهم برد * دور زمانی که احکام عدل

۸. ترا بیاموزم ترا بصدق دل شتر خواهم نمود * حقوق
ترا خواهم نگاه داشت یقین که هرگز مرا دانگذاری

حرف با

- ۹ جوان بچه (طور) تواند که راه خود را پاک کند از نگاه
- ۱۰ داشتن آن موافق کلام تو * ترا بتامی دل جستجو
- ۱۱ نمودم یقین که مرا از امرهای تو گمراه نمیگردانی
- ۱۲ * کلامهای ترا در دل خود جا دادم مباد که در ضد
- ۱۳ تو گناه کنم * ای خداوند تو خجسته میباشی تعلیم
- ۱۴ حقوق خود را بمن عطا بفرما * تمامی احکام دهن ترا
- ۱۵ بلبهای خود آشکار خواهم کرد * در راه شهبازات تو
- خوشحال گردیدیم مانند (کسی) که در تمامی دولت (خود)
- ۱۶ * بفرايض تو تفکر خواهم نمود در راههای ترا بنظر خواهم
- آورد * در حقوق تو وجد خواهم نمود و کلمات ترا
- فرا موش نخواهم کرد

حرف جیم

- ۱۷ به بنده، خود احسان بنما تا زندگانی کنم و کلمات ترا
 ۱۸ نگاه دارم * چشمهای مرا بکشا تا عجایبات شریعت
 ۱۹ ترا به بینم * در زمین بیگانه ام و امرهای خود را از من
 ۲۰ مستور مکن * همیشه جان من از آرزو مندی احکام
 ۲۱ تو شکسته است * متکبران ملعون را که از امرهای
 ۲۲ تو آواره گردیدند تنبیه نموده * ملامت و شامت را
 از من دور کن زیرا که شهادت ترا بنظر آوردم
 ۲۳ * امیران نیز نشستند و در ضد من حرف زدند (آآ)
 ۲۴ بنده، تو، محقوق تو تفکر خواهد نمود * و شهادت تو
 سبب خوشحالی من و مشورت دهنده، من میباشد.

حرف دال

- ۲۵ جان من، محاکم چسبیده است و موافق کلام خود
 ۲۶ مرا زنده بگردان * راههای خود را ظاهر کردم و مرا
 استعجابت فرمودی تعلیم حقوق خود را بمن عطا بفرما

- ۲۷ * براه فرایض خود مرا معروف بگردان تا بعجایبات
 ۲۸ تو تفکر نمایم * جان من از اندوه گداخته شده است
 ۲۹ موافق کلام خود مرا قیوم کن * راه کذب را از من
 ۳۰ دور کن و شریعت خود را از لطف عطا بفرما * راه
 وفاداری را برگزیده ام و احکام ترا پیش نهاد نمودم
 ۳۱ * ای خداوند بشهادت تو ملحق شدم مرا شرمسار
 ۳۲ مگردان * هنگامی که دل مرا کشاده میگردانی در راه
 امرهای تو خواهم دوید

حرف ها

- ۳۳ ای خداوند طریقه حقوق خود را بمن تعلیم بده که
 ۳۴ او را همیشه نگاهدارم * مرا عارف بگردان که شریعت
 ترا بنظر خواهم آورد و او را بتامی دل نگاه خواهم داشت
 ۳۵ * مرا در راه امرهای خود روان کن زیرا که از آن
 ۳۶ خوشنودم * دل مرا بشهادت خود راغب بگردان نه
 ۳۷ بطمع * چشمهای مرا از دیدن عبت برگردان و مرا
 ۳۸ در راه خود زنده نما * سخن خود را ببنده خود که بتو

۳۹ مخوف است قیوم ساز * و ملامتی که من از تو
 ۴۰ خایفم بگذران زیرا که احکام تو نیکوست * اینک
 از فرایض تو آرزومند شدم مرا در صداقت خود
 زنده نما

حرف واو

۴۱ ای خداوند رحمت تو و نجات تو بموافق کلام تو
 ۴۲ بمن برسند * و جواب را بملامت کنندگان خود رد
 ۴۳ خواهم نمود زیرا که بکلام تو متوکلیم * و کلام حقیقت را
 هرگز از دهن من بر مدار زیرا که از احکام تو امیدوارم
 ۴۴ * و شریعت ترا پیوسته تا ابد الابد نگاه خواهم داشت
 ۴۵ * و در کشادگی رفتار خواهم نمود زیرا که فرایض ترا
 ۴۶ تفتیش نمودم * و در باره شهادت تو در حضور
 ۴۷ پادشاهان نگفتم خواهم نمود و شرمسار نخواهم گردید * و در
 امرهای تو که ایشان را دوست میدارم وجد خواهم نمود
 ۴۸ * و دوستهای خود را با امرهای تو که ایشان را دوست میدارم
 بلند خواهم کرد و بحقوق تو اندیشه خواهم نمود

حرف ز^۴

- ۴۹ کلامی که به بنده خود گفته بودی) و مرا از آن امیدوار
 ۵۰ گردانیده بودی. بخاطر آر * اینست تسلی من در
 (زمان) نکبت من بدرستی که کلام تو مرا زنده گردانیده
 ۵۱ است * متکبران مرا بسیار استهزا نمودند (آما) از
 ۵۲ شریعت تو آواره نگردیدم * ای خداوند احکام قدیم ترا
 ۵۳ بخاطر آوردم و خود را تسلی دادم * هنگامی که شرایر
 شریعت ترا ترک مینمایند و ایمنه بر من مستولی
 ۵۴ میگردد * در خانه بیگانگی من حقوق تو (باعث)
 ۵۵ سرودهای من گشتند * ای خداوند اسم ترا در شب
 ۵۶ بخاطر آوردم و شریعت ترا نگاه داشتم * این (نکوئی)
 بزمن واقع نهد بسبب آنکه فرایض ترا بنظر آوردم

حرف ح^۵

- ۵۷ ای خداوند حصه من توئی که عزم محافظت کلام تو
 ۵۸ نمودم * لطف ترا بتمامی دل خود استدعا کردم مرا

۵۱ بموافق کلام خود رحمت بفرما * از طریقهای خود
متفکّر گشتم و پایای خود را بشهادت تو برگردانیدم
۶۰ * شتاب کردم و از محافظت امرهای تو توقف ننمودم
۶۱ * گروهبای اشرار مرا غارت نمودند (اما) شریعت
۶۲ ترا فراموش نکردم * نیم شب خواهم بر خواست تا
۶۳ آنکه بسبب احکام صدق تو ترا شکر نمایم * من با تمامی
۶۴ آنکسانی که از تو میترسند و فرائض ترا نگاه می دارند
۶۵ رفیق میباشم * ای خداوند رحمت تو زمین را مملو
می سازد حقوق خود را بمن تعلیم بده

حرف طا

۶۵ ای خداوند ببسنده خود موافق کلام خود نیکوئی را بحمل
۶۶ آوردی * عقل دوانش نیکو را بمن تعلیم کن زیرا
۶۷ که بامرهای تو ایمان آوردم * پیش از آنکه من رحمت
میکشیدم گمراه گردیدم لکن الحال کلام ترا نگاه
۶۸ خواهم داشت * نیکو و نیکوکار توئی حقوق خود را

۶۹ بمن تعلیم بفرما * متکبران در ضد من دروغ بافتند
 من فرایض ترا بتماهی دل (خود) نگاه خواهم داشت
 ۷۰ * دل ایشان مانند پیه بی جس گردیده است
 ۷۱ من در شریعت تو وجد نمایم * بسبب آموختن حقوق
 تو مصیبت کشیدن من برای من نیکوست
 ۷۲ * شریعت دهن تو از برای من از الوف زر و نقره
 بهتر است

حرف یا

۷۳ دستهای تو مرا آفرینند و مرا درست کردند. بمن
 ۷۴ عقل را عطا بفرما تا امرهای ترا بیاموزم * خائفان تو
 بمن خواهند نگریست و خوشنود خواهند گردید زیرا
 ۷۵ که از کلام تو امیدوارم * ای خداوند میدانم که احکام
 تو عموق است و مرا بوفاداری مفلوک گردانیده
 ۷۶ * اکنون رحمت تو بموافق کلامی که تو ببسته خود
 ۷۷ (گفته بودی) تسلی من بگردد * رحمتهای تو بمن
 برسند تا زیست نمایم زیرا که شریعت تو مسروری

۷۸ من است * متکبران شرمندگی برند زیرا که مرا
 بی سبب بزیر انداختند (آ) من بفرايض تو تفکر
 ۷۹ خواهم نمود * خائفان تو و عارفان شهادت تو بمن
 ۸۰ بازگشت بنمایند * دل من در حقوق تو کامل
 باشد تا آنکه شرمندگی نبرم

حرف کاف

۸۱ جان من از (آرزوی) نجات تو مرهوشست و از کلام تو
 ۸۲ امیدوارم * در هنگام سوال نمودن (من) که کسی بمن
 تسلی خواهی بخشید چشمهای من از (آرزوی) کلام تو
 ۸۳ بی نور گردیدند * بدرستی که مانند شیشه در دود
 (سیاه) گردیدم (لکن) حقوق ترا فراموش نکردم
 ۸۴ * روزی بنده تو چنانست کسی بر متعمریان من
 ۸۵ حکم خواهی نمود * متکبران برای من چاهها را که
 ۸۶ بموافق شریعت تو نمی باشد کنند * تمامی اهرای
 تو حقیقت است و بی سبب مرا تعدی مینمایند

۸۷. بمن نصرت بفرما * عنقریب مرا در زمین با تمام
 ۸۸. رسانیدند و من فرایض ترا و انگذاشتم * موافق رحمت
 خود مرا زنده بگردان تا شهادت دهن ترا نگاه دارم

حرف لام

۹۰. ای خداوند کلام تو در آسمانها تا باید باقیست * وفاداری
 تو پشت به پشت است زمین را آفریدی و قیوم
 ۹۱. است * از آنجا که همه بندگان تو میباشند تا حال
 ۹۲. بموافق حکمهای تو ایستاده اند * اگر شریعت تو
 (باعث) بهجت من نشده بود هر آینه در مصیبت
 ۹۳. خود هلاک میگرددیم * فرایض ترا تا باید فراموش
 ۹۴. نخواهم کرد زیرا که مرا با ایشان زنده گردانیده * من
 از آن تو ام مرا بران زیرا که فرایض ترا جستجو
 ۹۵. نموده ام * شرایر برای هلاکت من منتظر میباشند
 ۹۶. و شهادت ترا خواهم فهمید * انجام تمامی کمال را دیدم
 (لکن) شریعت تو بسیار وسیع است

حرف میم

۹۷ شریعت ترا چه بسیار دوست میدارم و تمامی روز در
 ۹۸ فکر من اوست * مرا با صراحتی خود از دشمنانم و اناتر
 ۹۹ گروانیده؛ زیرا که ایشان پیوسته با من میباشند * از
 تمامی معلمان خود و اناتر گردیده ام زیرا که شهادت تو
 ۱۰۰ در فکر من است * از قدما فهمم نرم زیرا که فرایض
 ۱۰۱ ترا بنظر آوردم * پایای خود را از هر راه بدر نگاه داشتم
 ۱۰۲ تا کلام ترا نگاه دارم * از احکام تو کج نرفتم زیرا که تو
 ۱۰۳ بمن تعلیم فرمودی * کلامهای تو بنزائقه؛ من و دهمین
 من چه بسیار شیرینند بل از عسل (شیرین تر)
 ۱۰۴ * بفرايض تو دانا میباشم سبب آنکه تمامی طریقههای
 کذب را بغض مینمایم

حرف نون

۱۰۵ کلام تو برای اقدام من چراغ و از برای راه من نور است
 ۱۰۶ * در باره؛ محافظت احکام صدق تو سوگند خوردم
 ۱۰۷ و بجا خواهم آورد * ای خداوند بسیار مفلوکم مرا بموافقت

۱۰۸ کلام خود زنده نما * اکنون اخی خداوند از قربانهای

حُسن اراده، دهن من راضی باش و احکام خود را بمن

۱۰۹ تعلیم بفرما * جان من همیشه در (رومی) دست من

۱۱۰ است اما شریعت ترا فراموش نکردم * دام را

شرایر برای من نهاند اما از فرایض تو آواره نگشتم

۱۱۱ * شهادت ترا میراث جادوانی میدارم زیرا که بهجت

۱۱۲ دل من آنهاست * دل خود را مائل گردانیدم تا

حقوق ترا همیشه تا بابد عمل نمایم

حرف سیم

۱۱۳ فساد کنندگان را بغض می نمایم اما شریعت ترا دوست

۱۱۴ میدارم * کمین گاه من و سیر من توئی و از کلام تو

۱۱۵ امیدواریم * ای اشرار از من دور شوید تا امرای

۱۱۶ خدای خود را نگاه دارم * بموافق کلام خود بمن نصرت

بفرما تا زیست نمایم و از امید خود شرمسار نباشم

۱۱۷ * بمن پشتیبانی عطا کن تا نجات یابم و همیشه بحقوق

۱۱۸ تو متوجه باشم * تمامی آن کسانی را که از حقوق تو

آواره میکردند پایمال می نمائی یقین که حیلۀ ایشان
 ۱۱۹ گداز بست * تمامی اشرار زمین را مانند جرم دور زمینمائی
 ۱۲۰ و از آن سبب شهادت ترا دوست میدارم * از خوف
 تو گوشت من بارتعاش می آید و از احکام تو هراسانم

حرف عین

۱۲۱ حکم و صدق را بعمل آوردم مرا بظالمان من و امکنار
 ۱۲۲ * بنده خود را به نیکوئی حمایت بفرما تا متکبران بمن
 ۱۲۳ ظلم ننمایند * چشمهای من از (آرزوی) نجات تو و برای
 ۱۲۴ کلام صادق تویی نور است * با بنده خود بموافق
 . رحمت خود عمل نما و حقوق خود را بمن تعلیم ده
 ۱۲۵ * بنده تو منم عقل بمن عطا بفرما که شهادت ترا
 ۱۲۶ بدانم * ای خداوند وقت عمل نمودنست زیرا که شریعت
 ۱۲۷ ترا شکستند * بدرستی که امرهای ترا از زر و طلای
 ۱۲۸ پاک بیشتر دوست میدارم * ز آنرو که تمامی فرائض
 ترا راست میدانم و تمامی طریقه گداز را بغض مینمایم

خرف فا

۱۲۹ شهادات تو عجب است از آن سبب جان من

۱۳۰ آنها را نگاه میدارد * ظهور کلام تو ساده دلان را منور

۱۳۱ ساخته معروف میگردد * دهن خود را کشادم و نفس

زدم زیرا که از اهرای تو آرزو مندی را کشیده بودم

۱۳۲ * بمن بنگر و بموافق حکم خود با محبان اسم خود

۱۳۳ بمن رحمت بفرما * گذرایی مرا در کلام خود آماده

۱۳۴ ساز تا تمامی ناراستی بر من تسلط نیابد * مرا از ظلم

۱۳۵ انسان آزاد کن که فرایض ترا نگاهدارم * ردی خود را

بر بنده خود درخشان بگردان و حقوق خود را بمن

۱۳۶ تعلیم بده * سبب نگاه نداشتن شریعتهای تو بهیلابهای

آب از چشمهای من جاری شدند

حرف صاد

۱۳۷ ای خداوند تو صدیقی و احکام تو راست است

۱۳۸ * شهاداتی که تو مقرر فرموده صدق و وفاداری تو

۱۳۹ بسیار است * غیرت من مرا فرد گرفته است زیرا
 ۱۴۰ که اعدای من کلامهای ترا فراموش کردند * کلام
 تو بسیار مصفی است و منده، تو آنرا دوست میدارد
 ۱۴۱ * من خورد و حقیرم (اما) فرایض ترا فراموش نمیکنم
 ۱۴۲ * صداقت تو صدق و جاوید و شریعت تو راستست
 ۱۴۳ * تعمی و تنگمستی مرا گرفتند و امرهای تو (باعث)
 ۱۴۴ بهجت من میباشند * صدق شهادات تو جاودانی
 است و بمن عقل را عطا بفرما که زیست بنمایم

حرف قاف

۱۴۵ ای خداوند (ترا) بتماهی دل خواندم مرا استجابت بفرما
 ۱۴۶ که حقوق ترا بنظر خواهم آورد * ترا دعوت نمودم
 نجات بمن بده که شهادات ترا نگاه خواهم داشت
 ۱۴۷ * بر فجر مقدم گشتم و استغاثه نمودم (زیرا) که از کلام
 ۱۴۸ تو امیدوار بودم * چشمهای من بسبب تفکر کلام تو
 ۱۴۹ پاسبهای شب را پیش گرفتند * ای خداوند آواز مرا

بموافق رحمت خود استماع بفرا و بمطابق حکم خود
 ۱۵۰ مرا زنده بنما * تابعان بدی نزدیکند (لیکن) از
 ۱۵۱ شریعت تو دور میباشند * ای خداوند تو قریبی و گامی
 ۱۵۲ اهرامی تو راست است * در باره شهادت تو از
 ایام قدیم دانستم که ایشان را بنا کردی و تا باید باقی اند

حرف را

۱۵۳ مصیبت مرا ملاحظه بفرا و مرا مستخلص کن بسبب
 ۱۵۴ آنکه شریعت ترا فراموش نکردم * دعوی مرا تفتیش
 کن و مرا فدا کن (پس) بسبب کلام خود مرا زنده
 ۱۵۵ بگردان * نجات از شرایر دور است سبب آنکه
 ۱۵۶ حقوق ترا جستجو نمی نمایند * ای خداوند رحمتهای تو
 ۱۵۷ بسیار است مرا بموافق احکام خود زنده نما * متعزریان
 من و اعدای من بسیارند (آنا) از شهادت تو بیرون
 ۱۵۸ نرفتم * متجاوزان را دیدم و غمگین گردیدم برای آنکه
 ۱۵۹ کلام ترا نگاه نداشتند * ای خداوند همچنانکه فرایض

ترا دوست دارم. بمن ملاحظه بفرما و بموافقت رحمت
 ۱۶۰ خود مرا زنده بگردان * اصل کلام تو حقیقت است
 و تمامی احکام صدق تو تا باید باقیست

حرف شین

۱۶۱ امیران مرا بی سبب تعمی نمودند اما دل من از
 ۱۶۲ کلام تو خائف است * من در کلام تو مانند کسی که نعمت
 ۱۶۳ بسیار بیابد و جدی نمایم * کذب را بغض نموده و معکوره
 ۱۶۴ داشته شریعت ترا دوست میدارم * ترا برای احکام
 ۱۶۵ صدق تو هر روز هفت بار حمد می نمایم * سلامت محبتان
 ۱۶۶ شریعت تو بسیار است و ایشان را لغزش نخواهد بود * ای
 خداند از نجات تو امیدوارم و امرهای ترا بعمل آوردم
 ۱۶۷ * جان من شهادت ترا نگاه داشته است و ایشان را
 ۱۶۸ بسیار دوست دارم * فرایض ترا و شهادت ترا نگاه
 داشته ام زیرا که تمامی طریقهای من در نظر قست

حرف تا

- ۱۶۹ ای خداوند فریاد من در حضور تو نزدیکی بنماید
 ۱۷۰ عقل را بموافق کلام خود بمن بده * دعای من در
 حضور تو بیاید و بموافق کلام خود مرا مستخلص کن
 ۱۷۱ * هنگامی که حقوق خود را بمن تعلیم داده باشی لبهای
 ۱۷۲ من در وصف تو بلاغت خواهد نمود * زبان من
 متکلم بکلام تو خواهد بود زیرا که تمامی امرهای تو
 ۱۷۳ صدق است * دست تو معاون من باشد زیرا که
 ۱۷۴ فرایض ترا برگزیده ام * ای خداوند از نجات تو آرزو
 ۱۷۵ داشتم و شریعت تو مسروری من است * جان من
 زیست نماید و ترا حمد خواهد نمود و احکام تو بمعاضدت
 ۱۷۶ بمن بدهد * مانند گوسفند گم شده آواره گردیدم بنده
 خود را تفتیش کن زیرا که امرهای ترا فراموش نکردم

زبور صد و بیستم سرود مراتب

۱ در تنگدستی خود خداوند را خواندم و مرا استجابت نمود

زبور داد * ۱۳۹ * ۱۴۱ ۲۳۷

- ۲ * ای خداوند جان مرا از لب دروغ گوینده و از زبان
- ۳ فریبنده مستخلص کن * ای زبان فریبنده بتو چه
- ۴ داده خواهد شد و بتو چه چیز ملحق خواهد گردید * (سزاوار)
- تیرهای تیز نیرومندان و با اخگرهای درخت عرعر
- ۵ (میباشی) * و ای بر من که در (ولایت) مشک بیگانه
- ۶ ام و در خیمهای قدر ساکنم * جان من بآنکسی که سلامتی
- ۷ (مرا) بغض مینماید بسیار نشسته است * من صلح
- اندیش میباشم اما هنگامی که موعظه میکنم ایشان
- اراده جنگ مینمایند

زبور صد و بیست و یکم سرود مراتب

- ۱ چشمهای خود را بسوی کوههایی که نصرت من از
- ۲ ایشان می آید بلند مینمایم * یاری من از جانب خداوند
- ۳ است که آسمانها و زمین را آفریده است * پای ترا
- بلغزش نخواهد داد (بل) نگاهدارنده، تو نخواهی غنود
- ۴ * اینک نگاهدارنده، (بنی) اسرائیل نخواهی غنود

- ۵ و خواب نخواهد نمود * خداوند محافظت کننده تست
- ۶ و خداوند بر دست راست تو سایه تست * آفتاب
- ۷ در روز و ماه در شب ترا ضرر نخواهد رساند * خداوند
- ترا از هر نوع بدی نگاه خواهد داشت (بل) جان ترا
- ۸ محافظت خواهد کرد * خداوند از خراج و دغول نو
- ترا نگاه خواهد داشت از حال تا بابد الابد

زبور صد و بیست و نهم سرود مرانب از آن داود

- ۱ هنگامی که بمن گفتند که بخانه خداوند برویم شاوران
- ۲ گردیدیم * ای اورشلیم پای ما در دروب تو خواهند
- ۳ ایستاد * اورشلیم مانند شهری که بهم ملحق است
- ۴ معمور میباشد * بهمین جا (تاجی) فرق و فرقه های خداوند
- (یعنی) گروهها (بنی) اسرائیل بسبب شکر نمودن
- ۵ اسم پروردگار بالا میروند * بدرستی که در آنجا تخته های
- ۶ حکم و کرسی های زرت دود باقی میباشد * سلامت
- اورشلیم را سوال بنمائید و کسانی که ترا دوست دارند

۷ خجسته باشند * اندرون دیواری تو سلامت و در
 ۸ میان بارگاههای تو برکت باد * از برای برادران
 خود و رفیقان خود خواهیم گفت که اکنون در تو سلامت
 ۹ باد * بسبب خاندان خداوند و خدای ما نیکوئی ترا جستجو
 خواهیم کرد

زبور صد و بیست و سیم سرود مراتب

۱ ای آنکسی که در آسمانها ساکنی چشمهای خود را
 ۲ بسوی تو بلند مینمایم * اینک چنانکه چشمهای
 بندگان بدست خداوند ایشان است و چشمهای
 کنیز بدست بگم اوست بهمین طریق چشمهای
 ما بدست خداوند و خدای ما (مینگرد) تا آنکه ما را رحمت
 ۳ نماید * ای خداوند ما را رحمت کن و ما تو را که
 ۴ حقارت بسیاری با مملو است * جان ما از استهزای
 صاحبان غرور و از حقارت متکبران بینهایت مملو
 است

زبور صد و بیست و چهارم سرود مراتب از آن داود -
 ۱ اکنون (بشی) اسرائیل بگویند که اگر خداوند از آن
 ۲ مانعی بود * و اگر خداوند ناصر مانعی شد در هنگامی که
 ۳ انسان در ضد ما مقاومت می نمودند * پس آنزمان
 ۴ زنده ما را می بلعیدند زیرا که غضب ایشان در ضد
 ۵ ما افروخته شده بود * پس آنها ما را فرو میگرفتند
 ۶ و سیلابها بر جان ما گذشته میباشد * آنگاه آبهای متعرج
 ۷ بر جان ما عبور مینمودند * خجسته باد خداوندی که
 ۸ ما را (مانند) یغما بدندانهای ایشان تسلیم نکرد * جان
 ۹ ما مثل مرغیکه از دام صیادان آزاد گردیده است
 ۱۰ دام یاره یاره شده و ما را نئی یافتیم * یاری ما در اسم
 خداوند است که آسمانها و زمین را آفریده است

زبور صد و بیست و پنجم سرود مراتب

۱ آنگسانی که بخداوند متوکل اند مانند کوه صیهون
 ۲ اند که بحرکت نخواهد آمد دنا باید خواهد ماند * کوهها

- ۲ در اطراف اورشلیم و خداوند در اطراف قوم خود از
 ۳ حال تا ابد الابد میباشد * بدرستی که تا صدیقان
 ۴ و ستمهای خودشان را بفساد و راز نکند عصای اشرار بر
 ۵ قسمت صدیقان آرام نخواهد گرفت * ای خداوند
 ۶ بخوان و بر استدلان نکوئی را عطا بفرما * و نسبت
 ۷ بآن کسانی که در راههای کج خودشان آواره میکردند
 ۸ خداوند ایشان را بفساد کنندگان روان خواهد نمود
 ۹ (آیا) بر (بنی) اسرائیل سلامت (خواهد بخشید)

زبور صد و بیست و ششم سرود مراتب

- ۱ بهنگامی که خداوند اسیری (اهل) صیهون را رد مینمود
 ۲ مانند خواب دیدگان گردیدیم * در آن زمان دهن ما از
 ۳ تبسم و زبان ما از سرود مملو شدند آنگاه در میان
 ۴ طوایف گفتگو کردند که خداوند در عمل نمودن
 ۵ برای ایشان کبریائی را بجا آورده است * خداوند

در عمل نمودن برای ماکبر یائنی را بجا آورده است
 و شادمان گردیدیم * خداوند اسیری ما را چون سیلاب
 ۵ بطرف بیابان رد کن * آنکسانی که با اشک میکارند
 ۶ بسرود خواهند دروید * آنکسی که با اشک بیرون میرود
 و تخم را برای کاشتن میبرد بی شبهه باز گردیده
 دستهایش را با سرود خواهد بر داشت

زبور صد و بیست و هفتم

سرود مراتب از برای سلیمان

۱ اگر خداوند خانه را معمور نسازد معمارانش زحمت
 ۲ بیفایده خواهند کنسید * خداوند اگر شهر را نگاه ندارد
 ۳ بیداری پاسبان عبث خواهد بود * شمارا سپهر خیزی
 و شب نشینی و از نان درد خوردن بیفایده است
 ۴ بدرستی که خواب را بمحبت خود عطا مینماید * اینک
 خداوند ذریت را میراث میدهد و انعامش ثمر رحم
 ۵ است * فرزندان در جوانی چنان میباشند که تیرا

۶ در دست نیرومندان * خوشا حال آنکسی که ترکش
خود را از ایشان مملو سازد در هنگامی که بدشمنان
خودشان در دروازه تکلم نمایند شرمندگی نخواهند برد

زبور صد و بیست و هشتم سرود مراتب

- ۱ خوشا حال هر کسی که از خداوند میترسد و در راههایش
 - ۲ رفتار مینماید * زیرا که از کد و ستمهای خود متبادل خواهی
 - ۳ نمود خوشا حال تو که بتو نگوئی خواهد رسید * زن
 - تو مانند تاک بارور در اطراف خانه تو و تپه‌های نو
 - مثل نهالهای درخت زیتون در گرداگرد سفره تو
 - ۴ خواهند بود * اینک کسی که از خداوند میترسد بهمان
 - ۵ طریق برکت خواهد یافت * خداوند ترا از صییهون
 - برکت خواهد داد و اورشلیم را در تمامی روزهای عمر خود
 - ۶ به نیکوئی خواهی دید * و نوا ده‌ای خود را نظر خواهی نمود
- بر (بنی) اسرائیل سلامت باد

سر بریش هردن فرد ریخته و از ریشش جاری شده
 ۲ بدامن لباسهایش رسید * و مشابیهست دارد غم حرمون را
 و نمی که بر کوههای صیهون میچکد زیرا که در آنجا
 خداوند برکت زندگانی را تا باید الابد مقرر فرموده
 است

زبور صد و سی و چهارم سرود مراتب
 ۱ اینک ای تمامی بندگان خداوندی که در شبها بخانه
 ۲ خداوند قیام مینمائید خداوند را شکر نمائید * دستهای
 خود را بمقدس بلند کنید و خداوند را شکر نمائید
 ۳ * خداوندی که آسمانها و زمین را آفریده است از صیهون
 برکت بتو بدهد

زبور صد و سی و پنجم
 ۱ ای بندگان خداوند خداوند را حمد نمائید و اسم خداوند را
 ۲ تمجید نمائید بلکه حمد نمائید * ای کسانی که در خانه
 خداوند دور بارگاههای خانه خدای ما ایستاده میباشید
 ۳ * خداوند را حمد نمائید زیرا که خداوند نیکوست

- ۴ و اشعش را بسراغید زیرا که دلاویز است * بدرستی که
 خداوند یعقوب را برای خود و (بنی) اسرائیل را
 ۵ برای خصوصیت خود برگزیده است * دقیقین
 میدانم که خداوند عظیم است و پروردگار ما بر تمامی
 ۶ خدایان مافوق است * خداوند هر چه خواست همان را
 در آسمانها و در زمین و در دریا و در تمامی عمیقها
 ۷ بعمل آورده است * بخارات را از اقطار زمین
 متصاعد میگرداند از جهت باران بر قهاری افروزد
 ۸ و بار را از خزاین خود روان مینماید * او محسن است
 مولودهای مصر را از انسان تا به دواب هلاک نمود
 ۹ * آیات و معجزات را در وسط تو ای مصر بفرعون
 و بتعامی خاوانش فرستاد * طوایف بسیار را هلاک کرد
 ۱۱ و پادشاهان نیرومندان را بقتل رسانید * (مثل) سیحون
 پادشاه اموریان و عوج پادشاه باشن و تمامی (سلاطین)
 ۱۲ ممالک کنعان را * و زمین ایشانرا چون رسد بقوم خود
 ۱۳ (بنی) اسرائیل باثیت داد * ای خداوند اسم تو تا بامید

۱۲ وای پروردگار زکر تو پشت به پشت است * بدرستی
که خداوند قوم خود را حکم خواهد کرد و از جهت بندگان
۱۵ خود تغییر خواهد نمود * بتهای طوایف زر و نقره
۱۶ است و عمل و دستهای انسان است * در آنها دهن
است اما حرف نمی‌زنند و در آنها چشمها است اما
۱۷ نمی‌بینند * آنها را گوشهاست اما اصفا نمی‌نمایند
۱۸ و در دهن ایشان نفس نیست * درست کنندگان
ایشان و هر کسی که بایشان متوکل است مانند
۱۹ ایشان می‌باشند * ای نسل اسرائیل خداوند را شکر
۲۰ نمائید وای خاندان هرود خداوند را شکر نمائید * ای
خاندان لوی خداوند را شکر نمائید وای تمامی خاندان
۲۱ خداوند خداوند را شکر نمائید * خداوند که در اورشلیم
ساکن است از صیون خجسته باد خداوند را حمد
نمائید

زبور صد و سی و ششم

خداوند را شکر نمائید زیرا که نیکوست بدرستی که

- ۲ رحمتش تا باید اشت * خدای خدایان را شکر نمائید
- ۳ زیرا که رحمتش تا باید است * خداوند خداوندان را
- ۴ شکر نمائید زیرا که رحمتش تا باید است * آنکسی که
- بمجرد عجاایات عظیم را بعمل می آورد زیرا که
- ۵ رحمتش تا باید است * بانکسی که آسمانها را از حکمت
- ۶ آفریده است زیرا که رحمتش تا باید است * بانکسی
- ۷ که زمین را بروی آنها گسترانید زیرا که رحمتش تا
- ۸ باید است * بانکسی که نیرای بزرگ را آفرید زیرا
- ۹ که رحمتش تا باید است * آفتاب را برای سلطانی
- ۱۰ روز زیرا که رحمتش تا باید است * ماه و ستارگان را
- ۱۱ برای سلطانی شب زیرا که رحمتش تا باید است
- ۱۲ * بانکسی که اولاد نخستین اهل مصر را بپلاک کرد
- ۱۳ زیرا که رحمتش تا باید است * (بنی) اسرائیل را
- از میان ایشان بیرون آورد زیرا که رحمتش تا
- ۱۴ باید است * از دست قوی و بازوی دراز کرده
- ۱۵ شده زیرا که رحمتش تا باید است * بان کسی که

- بحر الاحمر را حصه نمود زیرا که رحمتش تا بابه است
- ۱۴ * و (بنی) اسرائیل را از وسطش گذرانید زیرا که
- ۱۵ رحمتش تا بابه است * و فرعون با لشکرش را در
- بحر الاحمر فرو برد زیرا که رحمتش تا بابه است
- ۱۶ * بانکسی که قوم خود را در تیه راهبری نمود زیرا که
- ۱۷ رحمتش تا بابه است * بانکسی که پادشاهان عظیم را
- ۱۸ هلاک کرد زیرا که رحمتش تا بابه است * و پادشاهان
- فیرومندان را بقتل رسانید زیرا که رحمتش تا بابه
- ۱۹ است * (مانند) سیحون پادشاه اموریان را زیرا که
- ۲۰ رحمتش تا بابه است * و (مانند) عوج پادشاه باشن را
- ۲۱ زیرا که رحمتش تا بابه است * و زمین ایشان را چون
- ۲۲ ارثیت داد زیرا که رحمتش تا بابه است * (یعنی)
- ارثیت برای بندگان خود (بنی) اسرائیل زیرا که
- ۲۳ رحمتش تا بابه است * و ما را در زیر دست بودن
- ۲۴ ما بخاطر آورد زیرا که رحمتش تا بابه است * و ما را از
- اعدای ما مستخلص کرد زیرا که رحمتش تا بابه

۲۵ است * در روزی را بتعالی بشر عطا میفرماید زیرا که
 ۲۶ رحمتش تا باید است * خدای آسمانها را شکر بنمائید
 زیرا که رحمتش تا باید است

زبور صد و سی و هفتم

۱ بر کنار رودخانههای بابل نشستیم هر وقتی که صیہون را
 ۲ بخاطر آوردیم گریه نمودیم * در وسطش بر بطنهای خود را
 ۳ بر پیدا آوردیم * زیرا که آنجا اسیر کنندگان ما
 ۴ سرودها و خراب کنندگان ما از ما سرودی را سوال
 ۵ نمودند که برای ما سرود صیہون بسرائید * چگونه
 ۶ سرود خداوند را در زمین بیگانه خواهیم سرائید * ای
 ۷ اورشلیم اگر ترا فراموش کنم دست راست من مرا
 ۸ فراموش بکند * اگر ترا بخاطر نیاورم دای اورشلیم
 ۹ اگر (ترا) بر فوق شادمانی خود بلند ننمایم زبان من
 ۱۰ بدماغ من بچسبد * ای خداوند بنی اودم را بخاطر آر
 که در روز (بلاء) اورشلیم گفتند که پایمال نمائید اورا

- ۸ حتی بنیانش را پایمال نمائید * امی دختر بابل مخروب
خواهی شد خوشا حال آنکسی که مکافات نماید بتو در
۹ عوض آنچهیزهائی که بما کرده * خوشا حال آنکسی که
اطفال ترا بر داشته بر سنگ بکوبد

زبور صد و سی و هشتم از آن داود

- ۱ (ای خداوند) بتماهی دل خود ترا شکر خواهم نمود
۲ و در حضور فرشتگان ترا خواهم سرائید * بسوی هیکل
قدس تو سجده خواهم کرد و بسبب رحمت تو و بعلت
حقیقت تو اسم ترا شکر خواهم نمود زیرا که (بموافق)
۳ کلام خود اسم خود را مافوق همه عظیم گردانیدی * در
روزی که ترا خواندم استجابت بمن فرمودی و از
۴ قوت جان مرا مقوی نمودی * امی خداوند تبارک
پادشاهان زمین هنگامی که کلامهای دهن ترا بشنوند
۵ ترا شکر خواهند نمود * و در طریقهای خداوند خواهند سرائید
۶ زیرا که جلال خداوند عظیم است * اگر چه خداوند

بلند است لکن افتاده را مینگرد و متکبر را از دور
 ۷ نظر میکند * هر آئینه در میان قنکرستی روان شوم
 مرا فوق غضب دشمنان من زنده نگاه خواهی داشت
 و دست خود را دراز خواهی کرد و دست راست تو
 ۸ بمن نجات خواهد داد * خداوند بکار من خواهد
 پرداخت ای خداوند رحمت تو تا بابد است و کار
 دست خود را ترک نخواهی کرد

زبور صد و نهم سالار مغزیان مزمور داود

۱ ای خداوند تفتیش کرده^۱ و مرا شناخته^۲ * نشستن مرا
 ۲ و بر خولستن مرا می یابی و اندیشه^۳ مرا از دور ادراک
 ۳ مینمائی * و راه مرا و خواجین مرا تجسس میکنی و تمامی
 ۴ طریقهای مرا واقف میشی * ای خداوند در زبانی
 ۵ که کلمه را بزبان نیاورم آنگاه همه^۴ آنها را میدانی * پس
 ۶ پیش مرا دائره بستی دید خود را بر من نهادی * و این
 علم برای من عجیب است و مافوق است و آنرا

- ۷ نمیتوانم فهمید * از روح تو کجا خواهم رفت و از روی
- ۸ تو کجا خواهم گریخت * اگر بآسمانها صعود نمایم آنجا
- ۹ توئی و اگر بجهنم فرد بروم آنگاه توئی * اگر بالهای فخر را
- ۱۰ بگیرم و اگر در آخر دریا نشینم * در آنجا نیز دست
- تو مرا راهبری خواهد نمود و بهمین تو مرا خواهد گرفت
- ۱۱ * اگر بگویم که بی شبهه تاریکی مرا پنهان خواهد کرد
- ۱۲ پس شب در گرداگرد من روشن خواهد شد * و تاریکی
- بجهت تو تاریک نیست و شب مانند روز درخشان
- ۱۳ است ظلمت و نور (برای تو) یکی است * بدرستی که
- تو قلبهای مرا متصرف بودی و در رحم مادر مرا مستور
- ۱۴ نمودی * ترا شکر خواهم نمود ز آنرو که مرا با پیست و عجیبانه
- آفریدی و جان من نیکو میداند که اعمال تو عجیبست
- ۱۵ * هنگامی که در پنهانی آفریده شدم و در اسفلهای زمین
- مانند نقش درست کرده شدم ذات من از تو نهان
- ۱۶ نبود * چشمهای تو علقه مرا دیدند و تمامی اعضا را در
- روزهای مصور شدن ایشان در دفتر تو نوشته شدند

- ۱۷ و یکی از اینهارا (ندیدند) * ای خدا اندیشه‌های تو از جهت
من چه گرانیهاست و با بهای ایشان چه بسیار است
- ۱۸ * می‌خواهم ایشان را شمارم از ریگ زیاده تر می‌باشند و من
۱۹ جبار گردیدم هنوز با تو ام * ای خدا شیر را بی شبهه بقتل
خواهی رسانید پس ای مردمان خونریز از من دور شوید
۲۰ * زیرا که شیرانه در ضد تو حرف می‌زنند و اعدای
۲۱ تو خود را باطلان بلند مینمایند * خداوند آیا می‌بخشد ترا
بغض نمی‌نمایم و از آنکسانی که در ضد تو مقاومت
۲۲ مینمایند متغیر نمی‌باشم * ایشان را بالکلیه بغض مینمایم
۲۳ (بلکه) ایشان را دشمنان خود میدانم * ای خدا مرا تقویت کن
کن و هر که من عارف باشم و مرا امتحان کن
۲۴ و اندیشه‌های مرا بدان * و اگر طریقه شیر در من باشم
بنگر و مرا در راه جاودانی راهبری بفرما

زبور صد و چهلتم سالار مغنیان مزبور داود

ای خداوند مرا از مرد شیر مستخلص کن و از اهل

- ۲ فساد مرا نگاهدار * ایشان بدیهارا از دل تدبیر
- ۳ مینمایند و هر روز فتنه‌های انگیزند * زبان خودشان را
- مانند مار تیز مینمایند و زهر افعی زیر لبهای ایشان
- ۴ است سله * ای خداوند مرا از دستهای شریر نگاهدار
- و از مرد مفسد مرا محافظت بفرما زیرا که اراده منهدم
- ۵ گردانیدن قدمهای من نمودند * متکبران دام را برای
- من پنهان کردند در یساعانهارا گسترانیدند و صیادان
- ۶ تله را از جهت من در کنار راه نهادند سله * خداوند را
- گفتم که خدای من تویی ای خداوند آواز تضرعهای مرا
- ۷ اصغاکن * ای خداوند و پروردگار وقوت منجی من
- ۸ سر مرا در روز جنگ پوشامیدی * ای خداوند خواهشهای
- شریر را عطا مفرما و تدبیرش را بجا میاور مباد که ارتفاع
- ۹ نمایم سله * بدمی لبهای سرداران احاطه کنندگان
- ۱۰ من خود ایشان را بپوشاند * و آخر بر ایشان بیفتد
- و در آتش انداخته شوند (بلکه) در عمیقهای که بر
- ۱۱ نخیزند * مرد بدگو پایداری در زمین نیابد و بلا اهل

۱۲ فساد را تا بمکان هلاکت صید خواهند کرد * میدانم که خداوند
 داوری مفلوک و حکم مسکینان را بجای خواهند آورد
 ۱۳ * یقین که صدیقان اسم ترا شکر خواهند نمود در استان
 در حضور تو ساکن خواهند شد

زبور صد و چهل و یکم مزبور داود

۱ ای خداوند ترا خواندم از جهت من شتاب کن
 ۲ و هنگامی که ترا میخوانم آواز مرا اصفا کن * دعای من
 مانند بخور بلند نمودن دستهای من مثل قربانی
 ۳ شام در حضور تو اراسته شود * بر دهن من پاسبان
 ۴ بدار دیر لبهای مرا نگاهدار * دل مرا بکار بد
 و بور زمین کوششهای شیرانه با مردمان فساد کننده
 راغب مگردان مبادا که از لذیذهای ایشان بخورم
 ۵ * صدیق مرا بگوید لطف (بر من است) و مرا تنبیه
 نماید روغن عزیز (من است) سر مرا مجروح نخواهد
 نمود بدرستی که در هنگام بلاهای ایشان تا بحال در

- ۶ دعا میباشم * چون حاکمان ایشان در سنگلاخ افتاده باشند آنگاه کلامهای مرا استماع خواهند نمود زیرا که
- ۷ شیرینند * استخوانهای ما مثل ترشه (چوبی) که کسی در زمین شکافته و تراشیده است بسر قبر پراکنده
- ۸ میشوند * زیرا که ای خداوند ویرودگار چشمهای من بسوی توست و بتو متوکلم جان مرا مجبور و
- ۹ مگذار * مرا از قیدهای آن داعی که از برای من نهاده و از قله های فساد کنندگان نگاهدار * اشرار در دامهای
- ۱۰ خود بیفتند تا من در آنزمان عبور نمایم

زبور صد و چهل و دوم

- تعلیم داود هنگامی که در مغاره بود و دعا نمود
- ۱ خداوند را باواز خود خواندم و باواز خود خداوند را نضرع
- ۲ نمودم * اندیشه خود را در حضورش خواهم ریخت
- ۳ و در حضورش تنگمستی خود را آشکار خواهم نمود * هنگامی که روح من در اندرون من مضطرب شد (خداوند)
- طریق مرا دانستی اینک دام را در راهی که عبور من

۴ میباشد از جهت من نهانند * بدرست راست
 نگر یستم و دیدم اما بمن آشنائی دهنده، زبور پناه
 از من دور شد و متجسس (نیکوئی) جان من پدید
 ۵ شایم * ای خداوند بتو فریاد نمودم و گفتم که امید من و حصه
 ۶ من در زمین زندگان توئی * بفریاد من متوجه باش
 زیرا که بسیار کاهیده ام و مرا از تعدی کنندگان من
 مستخلص کن بدرستی که از من زور آور شر میباشند
 ۷ * جان مرا برای شکر نمودن اسم خود از زندان
 بیرون بیاورد و در هنگامی که بمن احسان خواهی فرمود
 صدیقان مرا احاطه خواهند نمود

زبور صد و چهل و سیم زمزمور داود.

۱ ای خداوند دعای مرا استماع بفرما و تضرعهای مرا اصغا
 کن و در وفاداری خود و صداقت خود مرا استجابت نما
 ۲ * و بنده، خود را بمحاکمه، در میاور زیرا که در حضور
 ۳ تو بهر زنده، عادل شمرده نخواهد شد * بدرستی که

- دشمن جان مرا تعدی نموده است و حیات مرا بر
 زمین زده است و مرا در تاریکی مانند آنکسانی که از
 ۴ قدیم مرده شده اند ساکن گردانیده است * روح من
 در اندرون من مضطرب گردیده است و دل من
 ۵ در وسط من ویران میشود * ایام قدیم را بخاطر آوردم
 همهٔ عمل ترا اندیشه کردم و بکار دستهای تو متفکر
 ۶ گشتم * دستهای خود را بسوی تو بلند نمودم و جان
 من مثل زمین خشک برای تو تشنه میباشد سله
 ۷ * ای خداوند بنزودی مرا استجابت بفرما که روح من
 باشر رسیده است روی خود را از من مستور مکن
 که مبادا شبیه گردم بانکسانی که بچاه فرو میروند
 ۸ * در صبحدم مرا سامع رحمت خود بگردان زیرا که
 بتو متوکلیم و مرا براه عبور من عارف کن زیرا که
 ۹ جان خود را بسوی تو بلند می نمایم * ای خداوند مرا از
 دشمنان من مستخلص کن و مرا نزد خود مستور نما
 ۱۰ * بعمل نمودن خواهش خود مرا تعلیم بده زیرا که

خدای من توئی روح تو نیکوست و مرا بزمین راستی
 رهبری مینماید * ای خداوند بسبب اسم خود مرا زنده
 بگردان و بعثت صداقت خود جان مرا از تنگدستی
 بیرون آر * و رحمت خود را از دشمنان من منقطع
 کن و تمامی اعدای جان مرا هلاک نما زیرا که بنده
 تو منم

زبور صد و چهل و چهارم از آن داود

۱ خجسته باد خداوندی که قوت من است و ستمهای
 مرا برای حرب و انگشتهای مرا برای جنگ تعلیم
 ۲ میدهد * رحم کننده من و قلعه من و برج من و مانده
 من و پیر من است و با و متوکلم و او قوم مرا در تحت
 ۳ من فرود می آورد * ای خداوند چه (وجود دارنده) انسان
 که او را تلافی مینمائی و بنی آدم که او را (بنده خود)
 ۴ میشماری * انسان شبیه بچیز باطل است در روز بایش
 ۵ مانند سایه عبور مینمایند * ای خداوند آسمانهای خود را
 ختم کن و نازل باش و کوهها را لمس نما که دود خواهند

- ۶ کرد * برق را درخشان بگردان و ایشان را پراکنده کن
و تیرهای خود را روان ساز و ایشان را پریشان نما
- ۷ * و دست خود را از بالا بفرست و مرا از آبهای بسیار
(بل) از دست فرزندان بیگانه برهان و مرا مستخلص
کن * زیرا که دهن ایشان دروغ میگوید و بحین
- ۹ ایشان بحین فریبنده است * ای خدا سرود تازه را
بتو خواهم سرائید و بر نبل ده ریسائی ترا تمجید خواهم
- ۱۰ کرد * اوست که رستگاری پادشاهان میدهد و بنده
۱۱ خود داود را از شمشیر مفسد میراند * مرا برهان
و مستخلص کن مرا از دست فرزندان بیگانه که دهن
ایشان دروغ میگوید و بحین ایشان بحین فریبنده
- ۱۲ است * تا آنکه فرزندان ما در جوانی خودشان مانند
نهبال یا بزرگ گشته دختران ما مثل سرزادی که مانند
- ۱۳ قصر عالی جلاداده شده است (نشو و نما نمایند) * و اخباری
ما پر شده انواع روزی را ببخشند و دراب ما در
- ۱۴ صحراهای ما هزاران و ده هزاران بزنند * و گدوان ما بار

بردار شوند نه تاراج و نه اخراج شده در کوچه‌های ما
 ۱۵ هنگامه نشود * خوشا حال آنقومی که باینها متمثلند
 و خوشا حال آن قومی که خدای ایشان خداوند است

زبور صد و چهل و پنجم زبور حمد داود

- ۱ ای خدای من وای پادشاه (من) ترا وصف بکنند
- ۲ خواهم کرد و اسم ترا تا باید الابد شکر خواهم نمود * و هر
- روز شکر ترا بجا آورده اسم ترا تا باید الابد حمد خواهم
- ۳ کرد * خداوند بزرگ و بسیار لایق حمد است
- ۴ و جستجوی بزرگی او نمودن ممکن نیست * اعمال
- ۵ ترا پشت به پشت تمجید خواهم کرد و کبریا ئیهایی
- ۶ ترا آشکار خواهم نمود * بعزت جلال عظمت تو و بکارهای
- ۷ مهیب تو متفکر خواهم بود * قوت اعمال مهیب ترا
- ۸ نگنم خواهند نمود و بزرگی ترا آشکار خواهم کرد * ذکر
- و فور نیکوئی ترا جاری خواهند گردانید و صداقت ترا
- ۹ تمجید خواهند کرد * خداوند کریم و رحیم و دیر غضب

- ۹ و کثیر الرحمة است * خداوند بر تمامی (مخلوقاتش)
- نیکوست و در رحمتهايش بر تمامی اعمالش مافوق است
- ۱۰ * ای خداوند تمامی اعمال تو ترا اقرار خواهند کرد
- ۱۱ و مقدسان تو ترا شکر خواهند نمود * بجلال مملکت
- ۱۲ تو گفتگو خواهند نمود و یکبريائی تو سخن خواهند راند * تا
- آنکه فرزندان انسان را بکبريائيهايش و بجلال عظمت
- ۱۳ ملکوتش عارف بگردانند * ملکوت تو ملکوت
- ۱۴ ابدیست و تسلط تو کلا پشت به پشت است * خداوند
- تمامی افتادگان را یاری مینماید و تمامی خم گشتگان را بر
- ۱۵ میخیزاند * چشمهای همگی بتو مینگرند و تو روزی
- ۱۶ ایشان را بایشان در زمانش عطا میفرمائی * دست
- خود را میکشائی و خواهش هر زنده را تا بسیرمی عطا
- ۱۷ مینمائی * خداوند در تمامی طریقههای خود صدیق و در
- ۱۸ تمامی اعمال خود مقدسست * خداوند بتامی خوانندگان
- خود و بتامی آنکسانی که او را براستی میخوانند قریبست
- ۱۹ * خواهش خائفانش بجا خواهد آورد و فریاد ایشان را

۲۰. خواهد شنید و بایشان نجات خواهد داد * خداوند تمامی
 محبتان خود را نگاه میدارد و تمامی اشرار را قطع نسل خواهد
 نمود * ذهن من حمد خداوند را تکلم خواهد نمود و تمامی
 بشر اسم قدسش را شکر نمایند تا باید الابد

زبور صد و چهل و ششم

۱. خداوند را حمد نمائید و ای جان من خداوند را حمد بنما
 ۲. * خداوند را تا بقای حیات خود حمد خواهیم نمود و خدای
 ۳. خود را تا باخر نفس خواهیم سرائید * بامیران و بنی آدنی
 ۴. که از او یاری نمی آید متوکل مباشید * روحش
 ۵. بیرون میرود و بجاک خود بر میگردد و همان روز
 ۶. تدبیرانش متباه میشوند * خوشا حال آنکسی که خدای
 یعقوب یار اوست و امیدش از خداوند و خدای خود
 ۷. میباشد * او آسمانها و زمین و دریا و هر آنچه در ایشان
 است آفرید و حقیقت را تا باید نگاه میدارد * او حکم را
 برای ستمدیدگان بعمل می آورد و دنان را بگرسنگان

۸ عطا میفرماید و خداوند اسیران را رها میکند * خداوند
چشمهای نابینایان را می کشاید و خداوند خم گشتگان را
بر میخیزاند و خداوند صدیقان را دوست میدارد
۹ * خداوند بیگانگان را نگاه میدارد و یتیم و بیوه را بلند
۱۰ مینماید و راه اشرار را بر میگردداند * خداوند تاباید و خدای
تو ای صیهون پشت به پشت پادشاهی مینماید
خداوند را بسراشید

زبور صد و چهل و هفتم

۱ خداوند را حمد نمائید زیرا که تسبیح بخدای ما نیکوست
۲ و پدرستی که حمدش دلاویز و خوشنماست * خداوند
اورشلیم را معمور میسازد و پیراگندگان اسرائیل را فراهم
۳ می آورد * دل شکستگان را شفا می بخشد و جراحتهای
۴ ایشان را می بندد * عدد ستارگان را می شمارد و تمامی
۵ ایشان را با اسمها میخواند * خداوند ما عظیم و پر زور
۶ است و در آیه او بی احصاست * خداوند افتادگان را
۷ بر میخیزاند و اشرار را بخاک می اندازد * خداوند را

- ۸ * او آسمانها را بابرها مستور میکند و باران را برای
 ۹ زمین مهیا میسازد و گیاه را بر کوهها میرویانند * رزق را
 بدواب و بچکان زناغ در زمان فریاد نمودن بایشان
 ۱۰ میرسانند * بقوت اسب خوشنودی نمی نمایند و از
 ۱۱ ساق انسان راضی نیست * (آما) خداوند از خائفتنش
 * و از آنکسانی که بر رحمتش امیدوارند خوش میباشند
 ۱۲ * ای اورشلیم خداوند را بنواز و ای صیهون خدای خود را
 ۱۳ حمد بنما * زیرا که قفلهای دروازههای تورا مقومی ساخته
 است و فرزندان تورا در اندرون تو برکت عطا
 ۱۴ فرموده است * حدود تورا سالم گردانیده تورا از
 ۱۵ بهترین گندم مملو می سازد * امر خود را بر زمین
 ۱۶ روان مینماید و فرمانش بزودی روان میشود * برف را
 مانند پشم میریزاند و ژاله را مثل خاکستر می گستراند
 ۱۷ * و یخ خود را مانند قطعهها میفرستد کیست که تواند
 ۱۸ در حضور سرایش ایستاد * فرمان خود را روان می

نماید و ایشان را میگدازاند و باد خود را میوزاند و آبها جاری
 ۱۹ میگرددند * کلام خود را بیعقوب و حقوق خود و احکام
 ۲۰ خود را با اسرائیل آشکار کرده است * بهر طایفه چنین
 ۱ نپسرداخته است و ایشان خود احکام را ندانسته اند
 خداوند را حمد بنمائید

زبور صد و چهل و هشتم

- ۱ خداوند را حمد نمائید و خداوند را در آسمانها حمد نمائید
- ۲ و او را در بلندیاها حمد نمائید * ای تمامی ملائکش
 او را حمد نمائید و ای تمامی لشکرهايش او را حمد
- ۳ نمائید * ای آفتاب و ماه او را حمد نمائید و ای تمامی
- ۴ ستارگان نورانی او را حمد نمائید * ای اسماں آسمانها
 و ای آبهای که مافوق آسمانها اید او را حمد نمائید
- ۵ * اسم خداوند را حمد نمائید زیرا که مقرر فرموده
- ۶ است و آفریده گشتند * و ایشان را تا باید الابد قیوم
- ۷ گردانیده است و حکم بقیام فرموده است زایل
 نخواهد گردید * ای (مخلوقات) زمین و ای نهنگان

- ۸ وای تمامی عمیقها خداوند را حمد نمائید * ای آتش و تگرگ و برف و بخار وای باد شدیدی که حکمش را بجای آوری * ای کوهها و تمامی تلها وای درخت میوه
- ۹ در و تمامی سرو آزاده * ای وحشیان و تمامی دواب ای
- ۱۰ جنبندگان و طیور اجنه * ای پادشاهان زمین و تمامی
- ۱۱ اسم ای امیران و تمامی حاکمان زمین * ای جوانان
- ۱۲ و دختران ای پیران و طفلان * اسم خداوند را حمد نمائید زیرا که بمحیر اسم او بلند است و عظمتش
- ۱۳ مافوق زمین و آسمانها است * و شاخ قوم خود را و حمد تمامی مقدسانش (یعنی) بنی اسرائیل را که قوم قریب
- ۱۴ اوست بلند مینماید خداوند را حمد نمائید

زبور صد و چهل و نهم

- ۱ خداوند را حمد نمائید سرود تازه را بخداوند و حمدش در
- ۲ جماعت مقدسان بسرائید * (بنی) اسرائیل از
- آفریننده خودشان خوشنود باشند و فرزندان صهیون در

۳ پادشاه خودشان وجد نمایند * اسم او را بسرنا حمد نمایند
 ۴ و او را بطبل و بربط تمجید کنید * زیرا که خداوند از قوم
 خود خوشنود است و افتادگان را نجات خود مریں
 ۵ خواهد کرد * مقدسان در جلال وجد نمایند و بر بسترهای
 ۶ خودشان بسرایند * در دهن ایشان اوصاف خدا و در
 ۷ دست ایشان شمشیر دو دم باشد * تا انتقام از
 ۸ طوایف بکشند و بر امم تنبیه نمایند * و پادشاهان
 ایشان را بنرنجیر و امیرهای ایشان را بقیدهای آهنین
 ۹ ببندند * و حکم نوشته شده را بر ایشان عمل آورند
 این فخر از برای تمامی مقدسان او میباشد خداوند را
 حمد نمایند

زبور صد و پنجاهم

۱ خداوند را حمد نمایند خدا را در مقدس خود حمد نمایند
 ۲ و در سپهر قوتش او را حمد نمایند * او را بسبب
 ۳ کبریائیهایش حمد نمایند و بموافق کثرت نظامتش
 ۴ او را حمد نمایند * او را باواز کرنا حمد نمایند و او را به نبل

۴. ویربط حمد نمائید * اورا بطویل و سرنا حمد نمائید و اورا
 ۵. بسازهای ریسائی و ارغنون حمد نمائید * اورا بزنگولههای
 مسهوع حمد نمائید (بل) بزنگولههای ظفر حمد نمائید
 ۶. * و هر متنفسی خداوند را حمد نماید خداوند را حمد نمائید

تمام شد کتاب زبور داود که مشتمل است

بحمد های خداوند اعظم واحد که

از زبان عبرانی بزبان

فارسی ترجمه نموده

شده است

چون انکسار و انقلاب بعضي آلات الطبع در جاي چند
روي داده بايد که قاري آنها را اينچنين تصحيح کند

زبور	فقرة	اصلاح	۵۵	۸	شتابان
۱۰	۸	بمسکين	۵۸	۴	زهر
۱۶	۶	پسنديد	۵۸	۵	مستخر
۱۷	۷	اضهار	۶۸	۱۶	خدا
۱۷	۹	ظالمانيکه	۶۹	۱۹	مرفوع
۱۶	۴	نهي نشينم	۷۷	۱۶	بتلاطم
۳۰	۴	بسر اعيد	۷۸	۵۳	ماخذ
۳۴	۸	بيمنيد	۷۸	۵۷	منحرف
۳۷	۱۶	البضاعة	۸۰	۱۳	ميربايند
۴۰	۴	ميروند	۸۱	۱	اندر دن
۴۴	۴	بفرما	۸۸	۹	ضعيف
۴۴	۱۰۰	غارت	۸۹	۴	پيشست
۴۴	۱۸	منحرف	۹۱	۱۶	مملو خواهم ساخت
۴۵	۴	حکم	۹۵	۱۰	در يغم
۴۵	۹	معزز	۹۷	۳	حضورش
۴۷	۳	عظيم	۱۰۴	۱۳	سرايند

Clayton

24th 15th

294
 Cl. { 127 ACC. NO. 2821
 20
 AR
 TR
 زبور داود پین



MAULANA AZAD LIBRARY **ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY**

RULES:—

1. Book must be returned on the date stamped
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be levied for text-books and 10 P- for

